

دبستان

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
دوره ششم / شماره ۳ / بهار ۱۳۹۴



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیرمسئول: محمد ناصری

سر دبیر: دکتر فرخنده مفیدی

هیئت تحریریه:

مرتضی طاهری

فریده عصاره

شیرین برزین

مسعود تهرانی فرجاد

مدیر داخلی: شهلا فهیمی

ویراستار: لیلا بنی طباء خان آبادی

طراح گرافیک: مهسا قباپی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۱۵۸۵

تلفن ۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۳۷۴)

نمابر: ۰۹۱۰۹۸۴۹۰

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام نگار: pishdabestani@roshdmag.ir

تلفن پیامگیر نشریات رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

کد دفتر مجله: ۱۱۳

کد امور مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۵۶

پیامک: ۳۰۰۸۹۹۵۰۷

شمارگان: ۷۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

یادداشت سردبیر / فضا را برای کودکان بهاری کنیم! / سردبیر ۲

با مریبان / صدای زنگ قصه / مینا امجدی نیا / ۴

آموزش / دیدگاه نوآورانه دیوید ویکارت / دکتر فرخنده مفیدی / ۶

آموزش / ضرورت آموزش کارآفرینی به کودکان / بتول سبزه / ۸

نقد و نظر / چرا آموزش و پرورش دوره پیش دبستانی مهم است؟ / دکتر رخساره فضلی / ۱۰

نقد و نظر / رسمی شدن دوره پیش دبستان، پایان اعمال سلیقه‌ها / مسعود تهرانی فرجاد / ۱۳

گفت و گو / می‌خواهم فلسفه زندگی را برای کودکان تصویر کنم / ائلدار محمدزاده صدیق / ۱۴

بازی / بازی در سفر / فریده عصاره / ۱۷

روش‌ها و آموزش‌های نوین / آنچه باید باشد تا آنچه هست / فریبا راستگو / ۲۰

آموزش / ماساژ کودک / محبوبه فیض نژاد / ۲۲

روش‌ها و آموزش‌های نوین / کودکان مادرانه / مرتضی طاهری / ۲۳

نقد و نظر / یونیفورم یا لباس هم‌شکل؟ آری یا نه؟ / دکتر مرجان گودرزی / ۲۴

گزارش / دوست بزرگ بچه‌ها / سمانه آزاد / ۲۶

با مادران و پدران / فرزندم عذرخواهی نمی‌کند / سردبیر / ۳۱

پژوهش / کدام مرکز پیش دبستانی زیباتر است؟ / لیلا محمدی / ۳۲

آموزش / الکتنت زبان؛ بیماری یا اختلال؟ / زهرا میرمحمدی / ۳۶

آموزش / خواب کودکان / فاطمه حصارکی / ۳۹

آموزش / بازی، نقاشی و قصه در مشاوره کودکان پیش دبستانی / عذرا ذاکریان امیری / ۴۲

معرفی کتاب / راز و رمزهای قصه‌گویی در کلاس / دکتر مرجان گودرزی / ۴۵

با مریبان / اما من! همیشه این قدر نگی چی کار کن، چی کار نکن؟ / نرگس دهستانی اردکانی / ۴۶

نقد و نظر / چون ندیدیم حقیقت ره افسانه زدیم / سیدغلامرضا فلسفی / ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با آموزش پیش دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته و یا ماشین شود (مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی و یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسندگان یا مترجم است. مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.





فضا را برای کودکان بهاری کنیم!

بهار فصل تنش‌زدایی دیداری، شنیداری و روانی

سلام صمیمی و همراه با شادی بهاری را از ما پذیرا باشید. رنگ‌های گرم و پرانرژی گل و گیاهان، سبزه و علفزاران تحریک‌کننده و الهام‌دهنده، روشنی‌بخش و مولد جنب‌وجوش و شادی و فعالیت بیشتر در کودکان می‌شوند. ویژگی مهم روزهای بهاری و زیبایی‌های بهار در ایجاد انبساط فیزیکی و روانی است. این‌گونه است که دقت عمل، تمرکز حواس و شادابی و نشاط را برای کودکان به ارمغان می‌آورد.

در این میان فضا را نیز باید بهاری کنیم تا لذت حاصل از دیدن، شنیدن و هیجان و حس کردن زیبایی‌های این فصل به سرزندگی بیشتر کودکان بینجامد. بهاری کردن فضا برای کودکان، در حقیقت فراهم ساختن فرصت‌ها برای جنب‌وجوش طبیعی، بازی‌های دلخواه و کاوش در طبیعت و زیستگاه دور و نزدیک کودکان است.



باید از خود سؤال کنیم تا چه حد از محیط زیست طبیعی برای گشایش و چالش‌های فکری کودکان بهره گرفته‌ایم و تا چه حد به کودکان فرصت داده‌ایم تا آن‌ها تغییرات در طبیعت به تغییرات حساسی در کودکان از ابعاد گوناگون منجر می‌شود. به آن‌ها فرصت دهیم تا آزادانه در این روزهای زیبا بشنوند، ببینند، لمس کنند، بو کنند، مزه کنند و تجربه کنند.

این نشریه در حقیقت نقطه عطفی برای غلبه بر بسیاری از نادانی‌ها و بدفهمی‌ها دربارهٔ کودکان و برنامه‌های آنان است. ما موریت ما نیز علاوه بر زیباسازی اندیشه دربارهٔ کودکان، با ارزش کردن لحظات کار با آنان می‌باشد. تلاش ما این است که مربیگری را نیز افتخار آفرین بدانیم. مربیان و مادران، مهربانی و دانایی را در کار خود بیامیزند و پیشهٔ اصلی‌شان بدانند. به‌عنوان سردبیر، بار دیگر در این فصل نواندیشی یادآوری می‌کنم، سالی که گذشت شاهد دانش‌افزایی کارگزاران امر تربیت در مراکز پیش‌دبستان از راه نوشته‌ها، مطالب علمی و آموزشی و پژوهشی و نیز تجربه‌های بسیاری از علاقه‌مندان بودیم که جا دارد از همهٔ دانش‌افزایان صمیمانه تشکر کنم. کاستی‌ها را بر ما ببخشایند و ما را همچنان در راه تحقق اهداف این فصل نامه یاری دهند.

روز سلامتی، روزهای بزرگداشت شاهد رویدادهای بسیار در گاه‌نمای اجرایی بسیاری از مراکز تربیتی و آموزشی هستیم از جمله بزرگداشت ائمه اطهار (ع) ولادت حضرت قائم (عج) و... امید است با الهام از فصل بهار و دلگشایی‌های طبیعی بهاران، برنامه‌هایی زیبا را برای کودکان در قالب شعر، قصه، نمایش، بازی و فعالیت‌های آموزشی دیگر ترتیب دهند تا کودکان تغییر را در خود حس کنند و ذهن و فکر سازنده و شادی‌آفرینی در آنان پدید آید.

سردبیر

صدای زنگ قصه

مینامجدی نیا

معلم پیش دبستانی و دبستان فرشتگان، لار، استان فارس

باز پس می‌گیرید!
 زمان دانشجویی (دوره کاردانی) دانشجوی فعالی بودم و بدون اینکه استادان از من تقاضا کنند، خودم با اصرار زیاد و ارائه کارت دانشجویی به مدارس می‌رفتم و کمک مربی یک‌روزه می‌شدم. در آنجا بارها شاهد این مسئله بودم که زمانی که مربی اعلام می‌کرد «بچه‌ها، قصه داریم»، کودکان با بی‌میلی می‌گفتند وای، دوباره قصه... این مسئله برایم تعجب‌آور بود که چرا تا این اندازه میان ما و کودکان این دوره تفاوت وجود دارد. ما با میل فراوان به قصه‌های بزرگ‌ترها گوش می‌دادیم اما اکنون کودکان نسبت به قصه بی‌میل شده‌اند. به دنبال جواب این سؤال خود می‌گشتم که متوجه شدم بسیاری از مربیان بعد از قصه‌گویی از کودکان می‌خواهند که قصه را یک بار دیگر با زبان خودش به والدین منتقل کنند و والدین قصه را برای مربی بنویسند تا کودک آن را به کودکستان ببرد. تازه متوجه شدم که چرا کودکان قصه را دیگر دوست ندارند. قصه برای آنان به یک تکلیف شبانه تبدیل شده بود و شاید اگر من هم شش ساله بودم، دوست نداشتم قصه‌ای را از مادر بزرگم و یا هر بزرگ‌تری بشنوم. نمی‌دانم هدف اصلی این مربیان چیست و این سؤال همیشگی در ذهن من است، اما چون خودم معلم هستم در جلسه‌ای که با اولیا داشتم این مشکل را بیان کردم و گفتم که این روش را مطرود می‌دانم. در

شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی هر فرد دوره پیش دبستان است. در عین حال آموزش‌ها و مهارت‌هایی که کودکان در این دوره دریافت می‌کنند، جایگزین ندارد؛ تا جایی که در برخی کشورهای پیشرفته معلمان دارنده بالاترین مدارک تحصیلی در حوزه آموزش را در این دوره به کار می‌گذارند اما متأسفانه هنوز در کشور ما این امر مهم چندان جدی گرفته نمی‌شود و شاهد این مسئله هستیم که مربیان پیش دبستانی یا به دلیل مسائل اقتصادی جویای کار در این دوره‌اند یا با مدارک غیرمرتبط و اطلاعات کم در این حوزه مشغول به کار می‌شوند و طبعاً با مسائل روان‌شناسی کودک و حیطه‌های یادگیری (عاطفی، شناختی و روانی- حرکتی) و یا مشاوره کودک آشنایی لازم را ندارند. به این ترتیب، شاهد اعمال سلیقه آموزشی در این دوره هستیم و حتی در جلسه‌های معلمان اگر فردی به این آموزش‌ها معترض شود، تنها گوینده است و شنونده‌ای نیست. یکی از مسائل مهم قصه‌گویی مربی است که می‌توان از آن برای انتقال مفاهیم، مهارت‌ها و مسائل فرهنگی یک کشور و یک ملت استفاده کرد. قصه می‌تواند وسیله‌ای برای تعلیم و تربیت باشد اما بیشتر زنگ قصه‌گویی برای وقت‌گذرانی است. قصه‌هایی که از کتاب‌های غیرمعتبر انتخاب و در زنگ قصه‌گویی در کلاس گفته می‌شوند، کوتاه‌اند. در نتیجه، کودکان بقیه ساعت قصه‌گویی را مشغول بازی با اسباب و وسایل کودکان می‌شوند.

در صورتی که بسیار ارزشمند است که مربی قصه‌های اصیل، دارای مفاهیم ارزشی، دینی، انسانی و اخلاقی همراه با نشاط و سرگرمی را برای کودک انتخاب کند. در مرحله دوم نیز حتماً باید درباره فضا سازی (ذهنی) قصه بیندیشد و تصمیمات لازم را بگیرد. مثلاً اگر داستان درباره پاییز و مضمون پاییز است، با برگ‌های زرد، قرمز و طلایی وارد کلاس شود تا نوآموزان جذب او گردند و حس کنجکاوی‌شان برانگیخته شود. بهتر است درباره موضوع قصه با نوآموزان گفت‌وگویی دو جانبه همراه با بازی صورت گیرد. بعد از اینکه کودکان به اوج نشاط و سرگرمی در قالب موضوع داستان به هیجان می‌رسند، مربی قصه‌گویی را شروع می‌کند. در حین قصه‌گویی، از تغییر تن صدا (بالا- پایین- بم و زیر) استفاده می‌کند و با حرکاتی مثل حرکت چشم‌ها و دست‌ها به قصه هیجان بیشتری می‌دهد تا کودک برای گوش دادن به قصه انگیزه پیدا کند. و حس شنیداری و دقت دیداری‌اش نیز تقویت شود. در عین حال، مضمون قصه را بهتر درک کند و زنگ قصه نیز برایش به زمانی پر از شادی تبدیل گردد. در این میان، از جمله موضوعاتی که باعث پریشانی برخی مربیان می‌شود، تکلیفی است که بعد از قصه‌گویی باید به کودکان بدهند؛ کاری که تمام لذت شنیدن قصه را از کودک

یکی از مسائل مهم قصه‌گویی مربی است که می‌توان از آن برای انتقال مفاهیم، مهارت‌ها و مسائل فرهنگی يك

کشور و يك ملت

استفاده

کرد



سال گذشته تجربه‌ای بسیار شیرین با کودکان کلاسم داشتم که مورد استقبال زیاد کودکان و خانواده‌ها قرار گرفت و خوشحالم که کودکان با لذت زیاد به قصه‌هایم گوش می‌دادند.

اگر تمایل داریم خانواده‌ها را در جریان

فعالیت‌ها و آموزش‌های خود قرار دهیم، نباید

کودکان وسیله‌ی این انتقال شوند بلکه هر معلمی باید

در وهله‌ی اول خلاق باشد تا بتواند در امر آموزش موفق عمل کند.

به کمک خدای بزرگ، برای زنگ قصه برنامه‌ریزی کردم که مورد استقبال

کودکان عزیز قرار گرفت و با رعایت تمام جوانب قصه‌گویی زنگ قصه در هفته‌ی اول به پایان رسید. سپس با نامه‌ای به خانواده‌ها، آن‌ها را در جریان کار و هدف آموزشی خود قرار دادم و از آنان خواستم که با کمک خود کودک کتابی مشتمل بر چهار صفحه مقوای رنگی به صورت خلاقانه به نام قصه آماده کنند و با استفاده از نواری رنگی در محلی که چهار صفحه به هم وصل می‌شوند، گلی زیبا درست کنند. تمام کودکان در هفته‌ی دوم کتاب‌هایشان را با ذوق فراوان به کلاس آوردند و من بسیار خوشحال شدم و آن‌ها را برای درست کردن کتاب‌هایشان تشویق کردم. کودکان کتاب‌های خود را به هم‌کلاسی‌هایشان نشان می‌دادند. در زنگ قصه‌ی بعدی (در تاریخ مشخص) تمام کتاب‌های قصه را که به من تحویل داده بودند، به آنان برگرداندم و مدادهای رنگی به آن‌ها دادم و خواستم هر چه در قصه با هم گفته و شنیده‌ایم، در آن چهار برگ مقوایی به صورت خلاصه و در حد رشد شناختی کودکان در کتابچه‌هایشان نقاشی بکشند. مثلاً در صفحه‌ای خرس کوچولوی قصه و در صفحه‌ای دیگر دوستان آن و ... تا صفحه‌ی آخر. (برای ارزیابی حافظه‌ی بلندمدت کودکان، تا متوجه شوم چقدر از قصه و جزئیات قصه یادشان مانده است.)

به‌عنوان معلم باورم نمی‌شد که کودکان چقدر مشغول یک کار مفید همراه با سرگرمی شده‌اند. در آخر به آنان گفتم که دوباره کتاب‌هایشان را به خانه برگردانند و قصه‌ی شنیده شده را برای بزرگ‌ترها تعریف کنند (بالا بردن دامنه‌ی لغات، واژگان و جملات). در آخر به آن‌ها گفتم: به شما افتخار می‌کنم که در این سن، خودتان کتاب‌قصه‌ای را آماده کرده‌اید. کودکان کلاس با غرور و اعتماد به نفس به کتاب‌هایشان نگاه می‌کردند. بعد به آنان گفتم: حالا به من بگویید دوست دارید با کتابی که خودتان آماده کردید، چکار کنید؟ آن‌ها به پدر و مادر هدیه

می‌دهید

یا در کتابخانه

منزل نگهداری می‌کنید؟ (بحث

و گفت‌وگوی دو جانبه به منظور تقویت زبان) در آن زنگ جواب‌هایی شنیدم که انتظار شنیدنشان را نداشتم. بسیار لذت‌بخش بود که با این کار توانسته بودم ذهن کودکان را مشغول کارآفرینی کنم و همچنین کلاسی کودک‌محور داشته باشم نه معلم‌محور و سنتی. در پاسخ به سؤال من، یکی از دانش‌آموزان از گوشه‌ی کلاس دست بلند کرد و گفت: خانم معلم، من می‌خواهم کتابم را خیلی گران بفروشم. بعد هم کتاب‌های دیگری درست کنم و آن‌ها را در کتاب‌فروشی پدرم بفروشم.

ذهن کودکان بسیار خلاق است. فقط

کافی است آنان را تحریک کنیم و زمینه را برایشان آماده سازیم. من و شاگردانم آن روز در آن زنگ بسیار شاد بودیم. تمام کادر دفتری هم از طرح من استقبال کردند و برای دیدن کتاب‌های شاگردانم به کلاس ما آمدند.

دیدگاه نوآورانه دیوید ویکارت

پروژه پیش دبستانی پری چیست؟

داستان یک تحول در زمینه هوش‌بهر کودکان فقیر و بهره‌هوشی پایین

دکتر فرخنده مفیدی

استاد دانشگاه علامه طباطبایی



کلیدواژه‌ها:

دیوید ویکارت، پروژه پری، هوش‌بهر کودکان

این پروژه یکی از مشهورترین تجربه‌های آموزشی در پنجاه سال گذشته است. در این مطالعه پریشی اساسی و مهم مطرح شده است: آیا پیش دبستان نمره‌های هوش‌بهر یا بهره‌هوشی (I.Q) کودکان محروم را افزایش می‌دهد و از شکست و افت تحصیلی آن‌ها در سطوح بالاتر و مدرسه جلوگیری می‌کند؟ نتایج تحقیقات انجام گرفته در این پروژه - که بسیار شگفت‌انگیز نیز بوده است - هم‌اکنون به نحو گسترده‌ای اشاعه یافته و نشان‌دهنده این است که این آموزش‌ها به موفقیت در مدرسه و در کل در زندگی افراد کمک‌های ارزنده‌ای کرده‌اند.

پروژه پیش دبستانی پری^۱ برخاسته از عقاید فردی به نام **دیوید ویکارت^۲** است. او که مدیریت سیستم مدرسه در یکی از شهرهای کوچک ایسیلانتی ایالت میشیگان آمریکا را در اواخر دهه‌های ۱۹۵۰ به عهده داشت، وقتی عهده‌دار این شغل گردید مشتاق کشف این واقعیت شد که چرا، چگونه و تا چه حد عملکرد تعداد زیادی از کودکان آفریقایی تبار آمریکایی در مدارس ضعیف و نامیدکننده است. بسیاری از این کودکان را به همین دلیل به مدارس و کلاس‌های ویژه و استثنایی فرستاده بودند. آن‌ها افت تحصیلی بسیاری داشتند و قادر به ادامه تحصیل در دوره‌های بالاتر و دبیرستان نبودند. دیوید ویکارت علاقه وافری داشت که در این باره کاری انجام دهد ولی

مسئولان و دست‌اندرکاران مدارس در پیشبرد کار و همراهی با او چندان شوقی از خود نشان نمی‌دادند. گویی تمایل نداشتند که تغییری در وضعیت بدهند و حتی حضور او را به این منظور در مدارس خوشایند نمی‌دانستند. بنابراین، دیوید ویکارت به جای تغییر در وضعیت از طریق مدارس تصمیم گرفت نوع جدیدی از مدارس را بنا نهد: مدرسه پیش دبستانی برای کودکان سه و چهار سال. وی بسیار امیدوار بود که پیش دبستان می‌تواند بهره‌هوشی کودکان را ارتقا بخشد و این عقیده و اقدامی نوآورانه بود و به شکل حساس و هیجان‌انگیزی مطرح شد. بسیاری از افراد عقیده داشتند که هر فرد با حد معینی از هوش متولد می‌شود و این بهره‌هوشی هرگز تغییر نمی‌کند. آن‌ها امید و ایمان زیادی به آزمون‌های هوشی برای اندازه‌گیری هوش داشتند و تصور می‌کردند که هوش عاملی مهم و اساسی در موفقیت افراد در مدرسه و زندگی محسوب می‌شود. البته آزمون‌های هوشی نیز قدرت عظیم خود را در آن زمان به دست آوردند. کودکان با نمرات هوش‌بهر پایین معمولاً غربالگری می‌شدند و به کلاس‌های آموزشی ویژه و استثنایی فرستاده می‌شدند. البته امید زیادی به قدرت یادگیری آن‌ها نبود و این اتفاقی بود که برای خیل عظیمی از دانش‌آموزان آفریقایی تبار آمریکایی می‌افتاد. در اواخر دهه ۱۹۵۰ چیزی به نام «پیش دبستان» وجود نداشت بلکه مهدکودک‌هایی^۳ برای خانواده‌هایی که

استطاعت پرداخت شهریه را داشتند، وجود داشت. در این مهدکودک‌ها تنها بازی، محور کار بود و هیچ چیز دیگری در برنامه کودکان منظور نشده بود و به آنان آموزش داده نمی‌شد. تمرکز این مراکز تنها بر رشد عاطفی و اجتماعی کودکان بود. بسیاری از پرورش‌کاران و دست‌اندرکاران تربیتی بر این باور بودند که کودکان سه و چهار سال توانایی یادگیری این موارد را ندارند و مطمئناً آموزه‌های مدرسه واقعی را نمی‌توانند هضم و جذب کنند. به عقیده آن‌ها کودکان خردسال نمی‌توانند آرام بنشینند و تمام روز به معلم گوش فرادهند و تمرکز کنند.

ولی دیوید ویکارت در **مدرسه پری** این امر را محقق ساخت و به عبارت بهتر، نوع تازه‌ای از مدرسه را شناسایی کرد. ویکارت شیوه جدیدی از تفکر درباره آموزش را به تجربه درآورد. در دیدگاه پیشین، کودکان همچون کانال‌ها و مجاری‌ای بودند که با دانش و اطلاعات پُر می‌شدند؛ در حالی که در دیدگاه نوین کودکان را اصلاً نوعی مجرا تلقی نمی‌کردند. آن‌ها شرکت‌کنندگانی فعال در یادگیری‌های خود به حساب می‌آمدند و موجوداتی کنج‌کاو و کاوشگر محسوب می‌شدند که برای یادگیری انگیزه وافری داشتند. بنابراین، وظیفه معلم باید هدایت و اشتغال آن‌ها و نه دیکته کردن و تجویز نمودن به آن‌ها بود.

پیش دبستانی پری، برخلاف مهدهای کودک معمول، بر رشد شناختی و تحریک مغز کودکان و

افزایش گنجینه لغات، و آموزش حروف و اعداد متمرکز بود.

البته هیچ شواهد مستندی مبنی بر افزایش هوش بهر کودک به چشم نمی خورد و نشانه‌ای نبود که به عملکرد بهتر کودکان در مدارس بینجامد. بنابراین، ویکارت مصمم شد پیش دبستانی خود را به صورت یک مرکز تجربی علمی درآورد. به این منظور، گروهی از کودکان فقیر و آفریقایی تبار آمریکایی با نمره هوشی پایین را جست‌وجو کرد و نیمی از آن تعداد را در پیش دبستانی خود جا داد. سپس چگونگی پیشرفت و فرایند تحول یادگیری آن‌ها را طی چند سال دنبال کرد تا دریابد که آیا تفاوت‌هایی بین دو گروه وجود دارد و سرانجام سعی کرد به این سؤال پاسخ دهد که آیا پیش دبستانی کارگر خواهد افتاد.

این مرکز پیش دبستانی در اکتبر ۱۹۶۲ کار خود را آغاز کرد. در حقیقت، دست‌اندرکاران این مرکز تلاش زیادی کردند تا ثابت نمایند که این کودکان آفریقایی تبار آمریکایی عقب مانده ذهنی نیستند. دست‌اندرکاران این برنامه در حقیقت بر رشد شناختی کودکان تمرکز

داشتند و این فرایند را از طریق کارها و فعالیت‌های عملی و دستی و بازی با کودکان صورت می‌دادند. آموزش مستقیم به صورتی که کودکان را با فعالیت‌های ممداد کاغذی در کنار میز و صندلی‌ها مشغول نگه‌دارند و کاربرگ‌های عملی آن‌ها را بازبینی کنند، صورت نمی‌گرفت بلکه در همه حال کودکان در معرض یادگیری فعال قرار می‌گرفتند. معلمان این مراکز عقیده داشتند که آموزش و پرورش کودکان باید به شیوه‌ای باشد که آنان را به پژوهش درباره عقاید و علائق خود در جریان یادگیری وادارد. به گفته بسیاری از مربیان کودکان، نوشتن با کودکان و داستان‌سازی با آن‌ها بسیار صورت می‌گرفت و بازی‌ها با استفاده از پازل‌ها، و معماسازی و فعالیت‌های چالشی بسیار صورت می‌گرفت؛ زیرا سعی داشتند کودکان را به راه‌های پیچیده‌تر حل مسائل محیط خود تشویق کنند.

پروژه پیش دبستانی «پری» به مدت پنج سال ادامه داشت و در هر دوره پاییزی، گروه تازه‌ای از کودکان به آن راه می‌یافتند. بسیاری از آنان به مدت دو سال به این مراکز می‌رفتند و در پایان،

نتایج
حاصل از پروژه پری توانست
برنامه سرآغاز را برای کودکان محروم به
ارمغان آورد

دوباره آزمون‌های هوش از آن‌ها به عمل می‌آمد.

وقتی اولین گروه کودکان با تجربه از آزمون‌های هوشی به عمل آمده به نتیجه رسید، معلمان و محققان بسیار متعجب شده بودند؛ زیرا کودکان به میانگین ۱۵ نمره افزایش هوشی دست یافته بودند و این مقدار برای دور ننگه داشتن آن‌ها از مدارس ویژه کافی بود. البته آزمون‌ها و تجارب پیش دبستانی دیگری به طور هم‌زمان در جریان بودند که آن‌ها نیز سبک بهره هوشی بالاتر را نشان می‌دادند. سرانجام در سال ۱۹۶۵، دولت آمریکا به استناد نتایج این تحقیق و پروژه نتیجه‌بخش توانست برنامه دولتی جدید پیش دبستانی نوظهوری را به نام «Headstart» یا **سرآغاز** و یا **آغاز مطلوب** معرفی کند. با این اقدام، امید فراوانی ایجاد شد که مسئله فقر با مبدل کردن کودکان فقیر به کودکانی «باهوش‌تر» حل شود. البته **شواهد اولیه** هم دلگرم‌کننده بود. کودکانی که به این برنامه راه یافته بودند، توانستند افزایش میانگین ده نمره را در آزمون‌های هوشی و هوش بهر خود تجربه کنند. اگرچه برنامه **سرآغاز** از ابتدا مباحثه برانگیز بود ولی به زودی در شهرهای مختلف اقدامات ارزش‌یابی کودکان در مقیاس بسیار وسیع به منظور اثبات واقعیت این رویداد اشاعه یافت؛ به طوری که دولت توانست گزارش گسترده و جامعی درباره برنامه **سرآغاز** گردآوری کند. این گزارش البته نشان داد که افزایش بهره هوشی کودکان حاصل از برنامه **سرآغاز** نتوانسته است برای مدت زیاد و طولانی ادامه یابد. در حقیقت، نتایج آن دوام و استمرار نداشت و بعد از چند سال تا حدودی کم‌رنگ‌تر می‌شد. به هر حال، این برنامه هنوز هم به قوت خود باقی است و به ویژه برای کودکان محروم و طبقات نیازمند منشأ برکات زیاد و نتایج چشمگیری بوده است.

پی‌نوشت‌ها

1. The Perry PreSchool Project
2. David weikart
3. Nursery Schools





ضرورت آموزش کارآفرینی به کودکان

دکتر بتول سبزه

افزایش

مهارت‌ها برای برقراری ارتباط با دیگران در جامعه نمود پیدا کرد. امروزه در اکثر کشورهای دنیا آموزش کارآفرینی جای خود را در برنامه‌های مدارس و مهدکودک‌ها باز کرده است. از جمله در برخی کشورها نظیر فنلاند، لوگزامبورگ، نروژ و اسپانیا اقدامات آشکاری در برنامه‌های ملی برای آموزش کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی انجام شده است.

اغلب اقدامات در زمینه آموزش کارآفرینی با این قصد شکل گرفته‌اند که این برنامه‌ها بتوانند به شیوه‌های مختلف انگیزه کودکان را جهت یادگیری فعال بالا ببرند و برخی از ویژگی‌های شخصیتی از قبیل خلاقیت، ابتکار و نوآوری را در آن‌ها گسترش دهند. لذا با توجه به اینکه کارآفرینی چیزی نیست که یک‌باره و ناگهانی در ذهن کسی ایجاد گردد بلکه نتیجه فرایندی است که باید از ابتدای کودکی آغاز شود و به تدریج در دوره‌های بالاتر تکمیل گردد، به اختصار، مواردی دال بر ضرورت آموزش کارآفرینی به کودکان پیش‌دبستانی ذکر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری

مقدمه

در حال حاضر کاربرد واژه

کارآفرینی بسیار گسترده است و بر همگان

آشکار شده است که کارآفرینی فقط به حوزه کسب و کار منحصر و

محدود نمی‌شود بلکه در خارج از قلمرو آن نیز، در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آموزشی مطرح شده و تعاریف مختلفی از مقوله کارآفرینی ارائه شده است (صمدآقایی، ۱۳۹۰: ۱۵) که در آن‌ها فقط اشتغال‌زایی یا ایجاد کسب و کار مطرح نیست بلکه افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد در نظر می‌باشد. (مک فرسون ۲۰۰۳، به نقل از پرهیزکار و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۰). از میان تعاریف مختلف کارآفرینی آنچه در رابطه با کارآفرینی کودکان در پیش از دبستان و دبستان مطرح است، تعاریف ارائه شده از دیدگاه روان‌شناسان است که در آن ویژگی‌های کارآفرینان مورد تأکید قرار گرفته است. بیشتر صاحب‌نظران از جمله رایلی (۲۰۰۱، مک کلند ۱۹۶۱) اغلب خصوصیات مشابهی چون اعتمادبه‌نفس، خلاقیت، انگیزه پیشرفت و پذیرش مسئولیت شخصی را به‌عنوان ویژگی‌های مورد نیاز کارآفرینان ذکر کرده‌اند. ویژگی‌های ذکر شده طبق اطلاعیه کمیسیون اروپا در سال ۲۰۰۶ مبنی بر «پرورش بینش کارآفرینانه از طریق آموزش و یادگیری»^۴، باعث شکل‌گیری رویکردهای آموزشی جدید و ضرورت آموزش مهارت‌های بنیادین کارآفرینی از طریق برنامه‌های درسی به کودکان برای توسعه و افزایش خلاقیت در آن‌ها، افزایش اعتمادبه‌نفس جهت انجام وظایف محوله و

ضرورت آموزش کارآفرینی به کودکان

همه والدین می‌دانند که یادگیری خواندن، نوشتن و ریاضیات برای فرزندانشان ضروری و مهم است اما موضوعات مهم دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند به‌طور مؤثری کودکان را برای زندگی آینده آماده کنند و از جمله آن‌ها کارآفرینی است. کارآفرینی می‌تواند مهارت‌های مختلفی را که لازمه پیشرفت زندگی کودکان است به آن‌ها بدهد. حتی اگر آن‌ها در بزرگسالی هم کارآفرین نشوند، مهارت‌های آموخته شده در این زمینه به بهبود زندگی آن‌ها کمک خواهد کرد. در این رابطه، گستین^۵ (۲۰۱۱) هشت دلیل برای آموزش کارآفرینی به کودکان و نتایجی را که کودکان از یادگیری کارآفرینی به دست می‌آورند، بیان کرده است که به شرح زیر می‌باشند.

● **رشد خود یا اعتماد به نفس:** کودکانی که آموزش‌های کارآفرینی را دریافت می‌کنند، اعتماد لازم را در خود پرورش می‌دهند و برای انجام دادن کارهای مختلف منتظر لطف و کمک دیگران نمی‌نشینند. در واقع، آن‌ها در صندلی رهبری قرار می‌گیرند.

● **خودکنترلی و اداره زندگی خود:** آموزش کارآفرینی به کودکان کمک می‌کند تا بتوانند بر آینده زندگی خود کنترل واقعی داشته باشند. با آموزش کودکان درباره اینکه چگونه خود را برای شروع و گرداندن یک زندگی و کسب و کار آماده کنند، در حقیقت آن‌ها را به توانایی مراقبت از زندگی خود و همچنین برآوردن نیازهای اقتصادی تجهیز خواهید کرد و این یک کنترل واقعی است.

● **رهبر بودن:** قدرت هدایت دیگران از مهارت‌های مهم در زندگی است. آموزش کارآفرینی مهارت‌های رهبری بسیار مطلوبی را در کودکان ایجاد می‌کند. آن‌ها می‌آموزند که چگونه خواسته‌ها و نظرات دیگران را در نظر بگیرند و هدایت کنند.

● **مسئولیت‌پذیری و خوداتکایی:** دیدن رابطه مستقیم بین سعی و کوشش و موفقیت در زندگی بسیار آسان است. این ارتباط کمک می‌کند تا کودک ارزش پذیرش مسئولیت را درک کند و در درازمدت این ویژگی را در خود پرورش دهد و به موفقیت برسد.

● **انگیزش:** نگاهی به اتاق خواب کودک خود ببیند و از خود پرسید که چه زمان طولانی‌ای صرف شده است تا به او بگویید آن را تمیز کند. او در این مورد انگیزه چندانی ندارد. آموزش کارآفرینی به کودکان باعث ایجاد انگیزه در آن‌ها می‌شود، زمینه را برای انجام دادن کارهای مختلف و دریافت بازخورد موفقیت یا عدم موفقیت آماده می‌کند و در صورت لزوم بر تلاش آن‌ها می‌افزاید.

● **مهارت‌های ارتباطی:** بسیاری از جوانان و نوجوانان در تلاش برای برقراری ارتباط با هرکس غیر از دوستان خود هستند. صحبت کردن با بزرگسالان معمولاً شامل اجتناب از تماس مستقیم چشمی و دادن پاسخ‌های کوتاه است. آموزش کارآفرینی راه بسیار خوبی برای بهبود مهارت‌های ارتباطی کودکان است. این تعامل منظم

به کودکان کمک می‌کند تا برخورد‌هایشان را با مردم - از همه نوع و نه فقط همسالان خود - بهبود بخشند، اعتماد به نفس خود را در هنگام برقراری ارتباط افزایش دهند و شاهد مستقیم نتیجه این تعامل خوب در زمینه‌های مختلف زندگی باشند.

● **مهارت حل مسئله:** آموزش کارآفرینی درک درستی از اهمیت حل مشکلات و روند آن به کودکان می‌دهد و توانایی آن‌ها را برای تجزیه و تحلیل عوامل مختلف و دستیابی به نتایج بهتر در زمینه‌های مختلف بهبود می‌بخشد.

● **تنظیم مهارت انتقال و تعمیم آموخته‌ها:** آموزش کارآفرینی این فرصت را برای کودکان فراهم می‌آورد تا موضوعات مختلفی مانند ریاضیات، علوم، تاریخ و زبان را که به صورت مداوم می‌آموزند، در زندگی واقعی به کار گیرند و از آن‌ها لذت ببرند. علاوه بر این، بسیاری از مهارت‌های ارتباطی نیز در آن‌ها توسعه پیدا می‌کند و در برخورد با افراد مختلف عملاً به کار گرفته می‌شود.

□□□

آموزش کارآفرینی به کودکان فقط برای راه‌اندازی کسب و کار نیست بلکه هر کودکی می‌تواند از یادگیری کارآفرینی مزایای مختلفی به دست آورد. به‌طور کلی، این آموزش‌ها می‌توانند از کودکان، رهبرانی قوی و سالم و حل‌کنندگان برتر مسائل و مشکلات در مراحل مختلف زندگی بسازند و کیفیت زندگی آن‌ها را بهبود بخشند. شروع کارآفرینی در کودکان متفاوت است. این شروع می‌تواند با شکل‌گیری انگیزه در آن‌ها همراه باشد و از کارهای ساده‌ای مانند تمیز کردن اتاق خود و علاقه‌مندی به انجام این کار شروع شود و به اغلب بخش‌های زندگی آن‌ها راه یابد. به این ترتیب، حس کاوش در کودکان ترغیب می‌شود و مسئولیت‌پذیری و خوداتکایی در فعالیت‌های آن‌ها نمایان می‌گردد. کسب این ویژگی شروعی خوب برای یک زندگی پرچالش اما سالم و موفق است.

پی‌نوشت‌ها

1. McPherson
2. Reilly
3. Commission of the European Communities
4. Fostering entrepreneurial mindsets through education and learning.
5. Gastin

منابع

1. Commission of the European Communities (2006). Implementing the Community Lisbon Programme: Fostering entrepreneurial mindsets through education and learning. Communication from the commission to the council, the European parliament, the European economic and social Committee and the committee of the regions. <http://eur-Lex.europa.eu>
2. Gastin, Mike. (2011) Eight Reasons to Teach your Child Entrepreneurship. available on www.MikeGastin.com. on 16 Jun.
3. پرهیزکار، مرتضی، قباد شیرازی و عطیه مقدم شهیدی؛ آموزش و تدریس کارآفرینی. سازمان همیاری اشتغال فارغ‌التحصیلان، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۲.

چرا آموزش و پرورش دوره پیش دبستانی مهم است؟

دکتر رخساره فضل‌ی
مدیر کل دفتر آموزش پیش دبستانی

مقدمه

ارتقای جایگاه آموزش و پرورش، به مثابه مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی انسانی و مولد سرمایه اجتماعی و عهده‌دار اجرای سیاست‌های مصوب و هدایت و نظارت بر آن (از مهدکودک و پیش دبستانی تا دانشگاه) به‌عنوان امر حاکمیتی، با توسعه همکاری دستگاه‌ها، بند سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور است که اردیبهشت ۱۳۹۲ توسط مقام معظم رهبری به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شده است. براساس آن و با توجه به اینکه تربیت در دوره پیش دبستانی می‌تواند بسترساز ارتقای کارکرد فرهنگی - تربیتی آموزش و پرورش باشد، وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد حاکمیتی مؤثر در روند فرهنگ‌سازی، با همراهی ارگان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی، در صدد است تلاش مضاعفی برای اعتلای فرهنگ و تربیت ایرانی - اسلامی با توجه ویژه به دوره پیش دبستانی مبذول نماید. انتقال و اعتلای فرهنگ و شکل‌گیری هویت ایرانی - اسلامی چیزی نیست که با تغییرات سطحی و سریع بتوان بدان دست یافت. اهتمام به امور فرهنگی مستلزم فعالیت‌های هماهنگ و مؤثر تربیتی است. کودکان سرمایه‌ها و پشتوانه‌هایی هستند که براساس روایات، احادیث دینی و یافته‌های علمی در حساس‌ترین مرحله رشد و تکامل قرار دارند. در این دوران حساس و مهم، علاوه بر رشد جسمانی، یادگیری کودکان نیز سریع‌تر، عمیق‌تر و آسان‌تر انجام می‌شود. اهمیت تربیت در دوران کودکی به حدی است که مولای متقیان علی (ع) آن را چون حکاکی بر سنگ می‌داند (بحارالانوار، ج ۲: ۲۲۴) و حضرت امام سجاد (ع) در تربیت فرزندانش از خداوند استمداد می‌طلبد (صحیفه سجادیه) و حضرت امام صادق (ع) نیز بهترین میراث پدران را برای فرزندان «ادب» می‌داند نه مال و ثروت. (میزان‌الحکمه، ج ۱: ۱۰۱)

بررسی‌ها نشان می‌دهد کودکانی که دوره پیش دبستانی را گذرانده‌اند، در دوره‌های تحصیلی بالاتر در زمینه‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی پیشرفت مطلوب‌تری داشته‌اند. به بیان دیگر، سال‌های پیش از دبستان مهم‌ترین سال‌های سرمایه‌گذاری برای توسعه انسانی هستند و هزینه کردن در این دوره سرمایه‌گذاری زیربنایی در مسیر پیشرفت و تعالی کشور و تحقق اهداف پیش‌بینی شده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش پیش دبستانی، زبان آموزی

اهداف و ضرورت

بنیان‌های دانش، مهارت، نگرش و ارزش‌ها از دوره پیش دبستانی شکل می‌گیرند. بنابراین، ضروری است که هر تحول و نوآوری آموزشی از سال‌های اولیه کودکی مورد توجه قرار گیرد و برنامه‌ریزی برای دوران کودکی و بعد از آن بر پایه‌ای قوی بنا نهاده شود. دوران پیش از دبستان از مهم‌ترین دوره‌های زندگی هر فرد است که حساسیت آن ناشی از اهمیت و تأثیر تربیت در دوره کودکی است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳)

تحقیقات مختلف مبین این مطلب است که بیشترین رشد و تکامل سلول‌های مغزی و رشد هوشی تا قبل از هشت سالگی اتفاق می‌افتد. اساس تکامل مغز نیز در این دوران است و سال‌های اولیه عمر مهم‌ترین زمان مؤثر در زندگی هر فرد محسوب می‌شود. کودکانی با توانایی جسمانی، اجتماعی و روانی متولد می‌شوند که به ایشان امکان برقراری ارتباط، رشد و آموختن می‌دهد. آموزش و پرورش دوره پیش دبستانی به متخصصان سنجش استعداد و توانایی‌های تحصیلی کودکان اجازه می‌دهد که توانایی‌ها و ناتوانی‌های ذهنی و میزان آمادگی کودکانی را که نیازمند آموزش‌های جبرانی هستند، به موقع شناسایی کنند و مداخلات مؤثر را به موقع انجام دهند.

تأثیر مثبت آموزش پیش از دبستان در رشد همه‌جانبه کودکان از یک سو، و کاهش تبعات منفی روانی و اقتصادی ناشی از شکست تحصیلی آنان برای دولت و خانواده‌ها از سوی دیگر، مسئولان سطوح بالای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری را به توجه ویژه در زمینه توسعه کمی و ارتقای کیفی این دوره هدایت کرده است. (حج‌فروش، مهدوی و طلائی، ۱۳۹۱)

برخی از کارکردهای دوره پیش دبستانی بر اساس یافته‌های پژوهشی عبارت‌اند از: الف. رشد و تقویت زبان آموزی

زبان در خدمت بسیاری از هدف‌های زندگی بشر است و در همدلی و ارتباط مناسب با دیگران نقش مهمی ایفا می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد کودکانی که در محیط‌های فرهنگی مناسب پرورش می‌یابند، مهارت‌های زبانی بهتری کسب می‌کنند و بر غنای زبان آن‌ها و توانایی درک و فهم، برقراری ارتباط متقابل مؤثر، اعتمادبه‌نفس و خودپنداره مثبتشان افزوده می‌شود. بر این مبنای نیاز است همه کودکان - به‌ویژه گروهی که زبان مادری آن‌ها با زبان معیار متفاوت است - قبل از ورود به دبستان، به زبان فارسی تسلط نسبی پیدا کنند. بدون شک، کلاس‌های پیش دبستانی محیط مناسبی برای آشنایی کودکان با زبان رسمی کشور است؛ چرا که در مراکز پیش دبستانی فرصت لازم پیش می‌آید که کودکان با حرف زدن بتوانند احساسات و عقاید و خواسته‌های خود را بیان کنند.

ب. پیشرفت تحصیلی

نتایج تحقیقات در کشورهای مختلف جهان حاکی از آن است که دوره پیش دبستان نه تنها سبب کاهش افت تحصیلی به‌ویژه در پایه اول دبستان در مناطق دوزبانه می‌شود بلکه سبب پیشرفت تحصیلی در همه دوره‌ها و نیز عامل موفقیت در زندگی و شغل افراد نیز هست. (حج‌فروش، مهدوی و طلائی، ۱۳۹۱) در کل، پژوهش‌هایی که در کشور ما انجام پذیرفته است این نظر را با قوت تأیید می‌کنند که موفقیت در سایر سطوح تحصیلی و ماندگاری در دوره‌های آموزشی، متأثر از برخورداری کودکان از برنامه‌های آموزشی و مراقبتی پیش از دبستان است. (مفیدی، ۱۳۸۶)



ج. رشد مهارت‌های عاطفی - اجتماعی

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش پیش از دبستان، علاوه بر مزایای متعدد، رشد اجتماعی کودکان را برای پیشرفت در دوره ابتدایی تسهیل و تسریع می‌کند. عضویت در گروه، پذیرش دیگران، پذیرش اشتباهات خود، وظیفه‌شناسی، احساس مسئولیت، شناخت، پذیرش و رعایت ضوابط و مقررات، ابراز همدردی و همفکری با دیگران از جمله مهارت‌هایی هستند که کودکان قبل از ورود به دبستان لازم است یاد بگیرند. بنابراین، مراکز پیش از دبستان را نباید کم‌اهمیت‌تر از مدارس ابتدایی قلمداد کرد (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۵) بلکه لازم است توجه بیشتری به این دوره تحصیلی معطوف گردد.

د. سرمایه‌گذاری و توجیه اقتصادی

امروزه آموزش پیش از دبستان، فعالیتی اقتصادی پربازده و سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود و از حدود ۲۰۰ سال پیش در ردیف مهم‌ترین آموزش‌های عمومی بسیاری از کشورهای پیشرو قرار گرفته است. برای مثال، در کشور هلند از سال ۱۹۹۰، آموزش کودکان چهار سال به بالا همگانی شد و کشورهای آلمان، استرالیا، فرانسه، کره جنوبی، تایوان، کانادا، مالزی و آفریقای جنوبی نیز کم و بیش آموزش کودکان را زیر پوشش آموزش همگانی درآورده‌اند. (مفیدی، ۱۳۸۶) با توجه به کارکردهایی که مطرح شد، دفتر آموزش پیش‌دبستانی وزارت آموزش و پرورش مصمم است جایگاه تربیت در دوره مهم و سرنوشت‌ساز پیش‌دبستانی را ارتقا دهد. این امر مهم به همراهی و هم‌اندیشی مسئولان همه دست‌اندرکاران این حوزه نیاز دارد.

منابع

۱. حج‌فروش، احمد، صدیقه مهدوی و ابراهیم طلایی (۱۳۹۱). توسعه دوره پیش‌دبستانی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (عوامل پیش‌برنده و بازدارنده). شورای عالی آموزش و پرورش.
۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۹۰.
۳. سند برنامه درسی ملی. شورای عالی آموزش و پرورش. ۱۳۹۱.
۴. سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور. ۱۳۹۲.
۵. کول، ونیتا (۱۹۹۱). برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. مترجم: فرخنده مفیدی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ نهم.
۶. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش. ۱۳۹۱.
۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. بررسی وضعیت پیش‌دبستانی با تأکید بر اسناد قانونی و وظایف سازمان بهزیستی و وزارت آموزش و پرورش. ۱۳۹۳.
۸. مفیدی، فرخنده (۱۳۸۷). اصول و مفاهیم آموزش و پرورش پیش از دبستان. کتاب درسی رشته کودک‌پاری. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش.

کلیدواژه‌ها: نظام

رسمی، عدالت آموزشی، برنامه مصوب، رشد همه‌جانبه

با تصویب سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰) و به دنبال آن تنظیم و تصویب برنامه درسی ملی در شورای عالی آموزش و پرورش، «دوره پیش‌دبستان دوره‌ای رسمی و غیراجباری اطلاق می‌شود که کودکان گروه سنی ۵ و ۶ سال را تحت پوشش برنامه‌های آموزشی و تربیتی قرار می‌دهد.» (برنامه درسی: ۴۶)

رسمی شدن دوره پیش‌دبستان و تحقق چنین نگرشی از گام‌های بسیار مؤثر و مبارکی است که برای این مقطع بنیادین تعلیم و تربیت برداشته شده است. اکنون لازم است منظور از رسمی بودن این دوره معلوم شود. یکی از اصلی‌ترین جلوه‌های رسمی بودن دوره پیش‌دبستان پایبندی برنامه‌ریزان، مدیران و مربیان مراکز و مؤسسات، به ویژه فعالان قرآنی، به برنامه‌های مصوب شورای عالی آموزش و پرورش است. این توجه و پایبندی ما را به هماهنگی و استاندارد شدن برنامه‌ها و فعالیت‌ها در سطح کشور سوق می‌دهد، که در نهایت به بهره‌گیری عموم نوآموزان از برنامه‌های مناسب منجر خواهد شد. تنها در این صورت است که می‌توانیم بگوییم در مسیر تحقق عدالت آموزشی - که از اساسی‌ترین اهداف سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران است - گام برداشته‌ایم.

صرف‌نظر از دیدگاه‌ها و تعاریف متعددی

رسمی شدن دوره پیش دبستان پایان اعمال سلیقه‌ها

مسعود تهرانی فرجاد

همه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، اعم از مربیان، مدیران و به‌ویژه برنامه‌ریزان و تولیدکنندگان محتوا و طراحان فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، موظف‌اند برای تحقق عملی چنین نگرش مهمی بیش از پیش در مسیر متناسب‌سازی و استاندارد نمودن برنامه‌ها و فعالیت آموزشی و پرورشی خود به‌طور جدی و آگاهانه گام بردارند. گرچه دوره پیش‌دبستان از جهات گوناگون هنوز با مشکلات و موانعی مواجه است، بحمدالله با رسمی شدن این دوره در سند مذکور و تصویب برنامه و اهداف آموزشی و پرورشی آن در شورای عالی آموزش و پرورش (مصوب جلسه ۷۷۰ - مورخ ۱۳۸۷/۴/۲۵) دیگر دلیلی برای اعمال سلیقه و پراکنده‌کاری وجود ندارد و این دوره با وجود همه مشکلات و مسائل، دست‌کم از نظر برنامه‌های آموزشی به‌صورت رسمی و استاندارد - یعنی پایبند به برنامه مصوب - اداره می‌شود تا کودکانمان به دور از افراط و تفریط و متناسب با ویژگی‌های سنی خود در ابعاد مختلف به‌طور همه‌جانبه و متوازن رشد کنند.

سخن آخر

لازم است مدیران و مربیان با کسب آگاهی از برنامه مصوب این دوره و به‌دنبال آن توجیه صحیح والدین زمینه‌های لازم برای رسمیت دادن به این دوره را از طریق اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های مناسب هرچه بیشتر و بهتر فراهم نمایند. ان‌شاءالله در ادامه این مطلب به ارائه و تعیین اصول و چارچوب برنامه مصوب دوره پیش‌دبستان خواهیم پرداخت.

که از «تعلیم و تربیت رسمی» در نظام آموزشی و پرورشی وجود دارد، از نقاط مشترک در تبیین نظام رسمی، تأکید بر عدالت آموزشی و اجتماعی و هماهنگی در برنامه‌هاست. (سند تحول بنیادین، آذرماه ۱۳۹۰: ۲۵۰)

رابطه نظام رسمی با عدالت آموزشی در سند مذکور برای تحقق عدالت آموزشی و تربیتی اجتماعی در نظام رسمی موارد زیر تصریح شده است: «عدالت تربیتی ناظر به فراهم آوردن کیفیت مطلوب و قابل قبول - استاندارد و مصوب - در ارائه خدمات تربیتی است.

- مرتبه دیگر عدالت تربیتی نیز انطباق - هماهنگی و تناسب - جریان تربیت با خصوصیات فردی و مشترک متربیان (فراگیرندگان) است.

- یکی دیگر از مراتب عدالت تربیتی، وجود اعتدال و توازن در جریان تربیت است. باید به رشد همه‌جانبه متربی، کودک پیش‌دبستانی، به‌صورت هماهنگ و متوازن توجه شود و در پرداختن به برخی از جنبه‌ها افراط و تفریط صورت نگیرد. به عبارت دیگر، در اقدامات تربیتی و آموزشی برای توسعه و تکوین هویت متربیان باید تمامی ابعاد وجودی آنان را به شکل متوازن و متعادل در نظر گرفت.» (همان: ۲۵۱ و ۲۵۲)

بدیهی است تحقق چنین نگرشی در سنین حساس پیش از دبستان به مراتب ضروری‌تر از دوره‌های بالاتر است. به همین منظور، باید از پراکنده‌کاری و اعمال سلیقه‌های مغایر با اصول و چارچوب برنامه‌های رسمی یا همان مصوب پرهیز شود.

گفت و گو با فاطمه رادپور، تصویرگر کتاب کودکان



می خواهیم فلسفه زندگی را برای کودکان تصویر کنیم

افلدار محمدزاده صدیقی

تفسیر متنی است که

در اختیار هنرمند قرار می‌گیرد.

در واقع، هنرمند باید به گونه‌ای هماهنگ و موازی با متن حرکت کند و یا باید به گونه‌ای با آن کار کرد که تکمیل‌کننده متن باشد. بنابراین، واقعاً متن را تفسیر یا ترجمه می‌کند، اما به شکل تصویری. می‌توان گفت که این پاسخی کلی درباره تصویرگری بود اما تصویرگری در حوزه‌های مختلف صورت می‌گیرد و هر کدام مقتضیات خاص خودش را دارد. به هر حال، تصویرگر باید ذهنی بالنده داشته باشد، قدرت خیال‌پردازی داشته باشد و فراتر از آن چیزی را که در متن است از نظر تصویری ارائه دهد. تصویرگر باید امانت‌دار متن و محتوای آن باشد. یک متن ممکن است جنبه آموزشی داشته باشد و تصویرگر باید به طور کامل امانت‌دار آن باشد.

تصویرگری چه نوع کارهایی را برای کودکان می‌پسندید؟

ما همواره در ذهنمان سؤال‌های متعددی درباره دنیا و چگونگی آن داریم و هر قدر هم

اختیار

او می‌گذاریم، باید به او اجازه دهیم که برداشت‌های ذهنی خود را بیان کند. بارادپور گفت و گویی داشته‌ایم که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید.

تصویرگری برای کودکان را چگونه آغاز کردید؟

خودم مستقیماً به دنبال این کار نرفتم بلکه دوستانی داشتم که در این زمینه مشوقم بودند و از طریق ایشان این فعالیت را شروع کردم. علاقه‌مندی من بیشتر به هنر نقاشی بود. به این دلیل که کاری که در هنر نقاشی ارائه می‌شود، در خدمت ایده‌های ذهنی آدمی است.

به نظر شما آنچه برای کودکان تصویرسازی و نوشته می‌شود، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

تصویرسازی یا تصویرگری ترجمه و

فاطمه

رادپور تصویرگری

کتاب‌های کودکان را در سال ۱۳۶۸ و در انتشارات افق آغاز کرد و با مجلات «رشد» و «کیهان بچه‌ها» به کارش ادامه داد. رادپور از جمله کارشناسان و دست‌اندرکاران تألیف کتاب هنر دوره ابتدایی در دفتر تألیف سازمان پژوهش بوده و علاوه بر تصویرگری در زمینه نقاشی و کاردستی‌های خلاقانه برای کودکان فعالیت کرده است. وی کتاب «آموزش هنر به کودکان برای مربی» را به عنوان کتابی مرجع آماده چاپ دارد. رادپور معتقد است که تصویرسازی یا تصویرگری ترجمه و تفسیر متنی است که در اختیار هنرمند قرار می‌گیرد. در واقع، هنرمند باید به گونه‌ای هماهنگ و موازی با متن حرکت کند و یا به گونه‌ای با آن کار کند که تکمیل‌کننده متن باشد. او معتقد است که کودک در سیر تکاملی ذهنی‌اش از تصاویر برداشت‌هایی می‌کند و وقتی تصاویر را در

که سنمان بیشتر می‌شود و یا معلومات بیشتری کسب می‌کنیم و جلو می‌رویم، از تعداد این سؤال‌ها کاسته نمی‌شود بلکه افزایش پیدا می‌کند. کودک هم به نوعی وقتی وارد این جهان می‌شود، برایش سؤال‌های بسیاری پیش می‌آید که دلش می‌خواهد پاسخ آن‌ها را بداند. من، به شخصه، دلم می‌خواهد در رابطه با فلسفه زندگی برای کودک تصویرگری کنم یا مثلاً دانش را به گونه‌ای به او انتقال بدهم که از تصاویری که می‌بیند لذت ببرد و یا چیزی ورای آن چیز ظاهری که در تصویر است به او انتقال داده شود. به هر حال، هم از تصویرگری لذت ببرد و هم از متن برداشت ظاهری نداشته باشد بلکه چیزی عمیق‌تر از چیزی را که وجود دارد، حس کند. برای همین احساس می‌کنم که اگر تصویرگر بتواند فلسفه زندگی را انتقال دهد موفق بوده است، ولی همیشه انتقال دادن این مفاهیم کار ساده‌ای نیست. توانایی من به عنوان یک فرد، ممکن است متفاوت با توانایی دیگری باشد. تصویرگر باید بتواند چیزی را که درون خودش است بیرون بریزد و بیان کند، نه اینکه به شکل دیگری بخواهد خود را تکذیب کند.

به نظر شما، هماهنگی تصویر، رنگ و فرم در کارهای کودک چگونه باید باشد؟

کودک برای درک آنچه پیرامونش وجود دارد، چه از نظر تصویری و چه از نظر فهم مطالب، مرحله به مرحله رشد می‌کند. این نشان‌دهنده آن است که همیشه کار از ساده به سمت پیچیده می‌رود. برای همین، نوع ادبیاتمان هم از سنین پایین به بالا باید بسیار ساده باشد و این پیچیدگی آرام صورت بگیرد تا او درکش کند. مواردی مثل لیوان، چاقو و میوه قابل دیدن و لمس کردن هستند اما کودکی که تازه زبان باز می‌کند، به حرف زدن می‌افتد و آرام آرام جلو می‌رود که کلمات و واژه‌ها و زبان را یاد بگیرد، هنوز مواردی مثل کم، زیاد، بالا، پایین، سنگین و سبک را درک نمی‌کند. بنابراین، باید این مفاهیم به صورت بسیار ساده به او آموزش داده شود. تصویر نیز

همین گونه است. زمانی که کودک در سنین پایین است، باید چیزی که به او انتقال داده می‌شود به ساده‌ترین شکل باشد، این ساده‌ترین شکل یعنی اینکه ما جزئیات را کاهش می‌دهیم و می‌رسیم به موجزترین شکل هر شیء و موجود و پدیده‌ای که می‌خواهیم در تصویر ارائه دهیم. پس همه چیز به ساده‌ترین شکل باید انتقال داده شود. حتی آموزش اشکال هندسی مثل دایره، مربع و مثلث را باید از همین مراحل شروع کنیم و آرام آرام به اشکال پیچیده برسیم. این در شناخت رنگ هم اتفاق می‌افتد. ما در آموزش کودک مقطع زیر دبستان معمولاً رنگ‌ها را خیلی ملایم‌تر و آرام‌تر و یا به تعداد کمتر استفاده می‌کنیم تا او بتواند این درک را نسبت به مفاهیم رنگ هم پیدا کند. در مورد رنگ حتی می‌گویند کودک در سنین نوزادی رنگ را به آن شکل نمی‌بیند و بیشتر سیاه و سفید را می‌تواند درک کند و این برمی‌گردد به سیستم عصبی که می‌خواهد کامل شود و آنچه را در پیرامونش هست دریافت کند. بنابراین، ما همه این‌ها را از ساده می‌گیریم و آرام آرام به مراحل پیچیده می‌رسیم. در مورد فهم مطالب هم همین طور است. آنچه پیچیده است باید با مفاهیم ساده انتقال داده شود.

برای تصویرسازی کتاب‌ها و مطالب برای کودکان چه توصیه‌هایی دارید؟

در شرایط کنونی نگاه مثبتی به تصویرگری در حوزه کودکان دارم، به این دلیل که کسانی که در این حوزه کار می‌کنند، نگاه تخصصی به آن دارند. شاید در گذشته این‌گونه نبوده است. اما چیزی که باید اتفاق بیفتد یک حرکت گروهی است، در حرکت گروهی چون تخصص‌ها تقسیم می‌شوند، کار هم به درستی انجام می‌گیرد. برای مثال، وقتی یک مدیر هنری در جایگاهی قرار می‌گیرد که تصمیم‌گیرنده است، مطالب و متونی را که در اختیارش قرار می‌گیرد، در حوزه تصویرگری به متخصصان آن بخش انتقال می‌دهد. تصویرگرها در حوزه‌های مختلف به کار خود از نظر سبک، ارائه تصویر و ویژگی‌های تکنیکی پایبندند و با اعتقاد کار

را جلو می‌برند. من به عنوان تصویرگر در حوزه کارم گونه‌های مختلف را شناسایی کنم و با توجه به این گونه‌ها کارم را انجام دهم اما این اتفاق به درستی در حوزه آموزش نمی‌افتد. هرکس در تخصص خودش پایبند به اصولی است و این در حوزه کار یک مدیر هنری است که نباید افرادی را که می‌توانند گونه‌های مختلف تصویرگری را به درستی انجام دهند شناسایی کند و کار در اختیارشان قرار دهد و گرنه ما بسیاری مواقع می‌بینیم که کاری در اختیار کسی قرار گرفته است که شاید نگاهش غیرتخیلی است اما آن متن باید در چارچوب تخیلی مطالب را بیان کند. بنابراین، در نهایت کار چنین کسی گویا نیست و او نمی‌تواند جوابگوی مخاطب خودش باشد. این‌ها باید به درستی صورت بگیرد.

به عنوان یک تصویرگر کتاب کودک، کارهای سفارشی را ترجیح می‌دهید و یا کارهای دلخواه را؟

هر تصویرگری دوست دارد کارهای دلخواه خودش را انجام دهد. به نظر من تصویرگر - مؤلف اصولاً در کار خودش موفق‌تر است؛ چون به ذهنیات و زبان متن خود واقف است، لایه‌های درونی متن و ویژگی‌های آن را می‌شناسد و به همین دلیل آن را راحت‌تر به تصویر می‌کشد.

آثار کدام تصویرگرها را می‌پسندید و کدام تصویرگرها در کار شما مؤثر بوده‌اند؟

از جمله تصویرگرهای قدیمی می‌توانم به آقایان **زیرنگر، مثقالی، دادخواه** و **کلانتری** اشاره کنم. به نظرم اولین تصویرهایی که در ذهن هر آدمی باقی می‌ماند، تصویرهای کتاب‌های درسی است که همچنان در ذهن ما تثبیت شده و چیزهایی از آن‌ها مانده است؛ به ویژه در سن من که همه چیز به لایه‌های پایین ذهن می‌رود. به نظر من کارهای این تصویرگرها در ذهن‌ها زنده‌اند؛ چون تصویر را به شیوه و شکلی ارائه می‌دادند که از نظر تکنیکی و ویژگی‌ها بسیار مناسب بود. امروزه شاید به دلیل گسترش امکانات ارتباطی نگاه تصویرگرها بسیار متفاوت و گاهی عوض



است. هم اکنون در فضای اینترنتی می‌توان از کار یکدیگر آگاهی یافت، شاید در گذشته من از تصویرگری‌هایی که در کشورهای دیگر صورت می‌گرفت، خیلی خبر نداشتم. امروزه فضای دیجیتالی و اینترنتی شرایطی را ایجاد کرده است که همه به کار هم واقفانند و تأثیری که گذاشته هم مثبت و هم منفی بوده است. منفی از این جهت که به نوعی ویژگی‌های شخصی، ملیتی و بومی را از بین برده است. به هر حال، کاری به خوب و بدش ندارم، اما فضای تصویری را گسترده کرده است. در این حوزه کسانی هستند که نگاه شخصی و فردی‌شان به قدری قوی و مؤثر است که هم کارشان حالت جهانی پیدا می‌کند و هم کاری را که انجام می‌دهند، ویژگی‌های جالبی دارد. در حوزه تصویرگری از نمونه‌های خارجی شاید در حوزه کودک پیش‌دبستان به کارهای «اریکا»، «واید اسمیت»، «لئو لئونی» و «شانتن» خیلی علاقه دارم و آن‌ها را می‌پسندم.

وضعیت کنونی تصویرگری را در کتاب‌ها و مجلات کودکان چگونه می‌بینید؟

خیلی از تصویرگرهای ما خوشبختانه پایبند کار با ویژگی‌های شخصی هستند و این پایبندی از نظر تکنیکی و بیان وجود دارد. اما برخی از تصویرگرهای جوان برای انجام کار، با بهره‌مندی از فناوری دیجیتالی سریع ارتباط برقرار می‌کنند و متأسفانه قبل از اینکه به آن نگاه شخصی برسند، خیلی درگیر این وسیله و ویژگی‌های آن

می‌شوند. یکی از ایرادهایی که به نظر من خیلی حاکم است، یک‌دست شدن کارهاست و اینکه دیگر کارها نشان‌دهنده ویژگی‌های فردی نیستند. یعنی در حقیقت آن ماشین، دستگاه و نرم افزار است که جای کسی را که دارد فکر می‌کند، تصویر می‌کشد، رنگ می‌گذارد و فرم‌ها را ارائه می‌دهد گرفته است. این برای هنر تصویرگری خطرناک است و تصویرگری را از ویژگی‌های فردی خارج کرده و یک‌دستی ایجاد کرده است که آدم را به آن حس نمی‌رساند و حاصل کار هم هرچند شیرین و قشنگ باشد، اما ماشینی است.

با توجه به اینکه مخاطبان این مجله مریبان دوره پیش‌دبستانی هستند، چه انتظاری در انتقال مفاهیم از طریق تصاویر بچه‌ها دارید؟

کودک با توجه به رشد ذهنی‌ای که در او اتفاق می‌افتد، با تصاویر ارتباط برقرار می‌کند. برای مثال، وقتی خودش چیزی را تصویر می‌کند، ابتدا خط خطی می‌کند و بعد به حرکت‌های مدور می‌رسد و آرام آرام این حرکت‌ها شکل پیدا می‌کنند که این شکل اولش می‌تواند شعاع‌گونه و خورشیدگونه باشد. در مراحل که او طی می‌کند، آرام آرام آن شعاع و آن خورشیدگونگی کاهش پیدا می‌کند. آن خطوط آن شعاع به دو حرکت عمودی و افقی می‌رسد که برایش ویژگی انسانی دارد. اما در این حوزه یک اتفاق می‌افتد؛ آنجا که کودک دارد کارش را جلو می‌برد، زمانی که از او می‌پرسید چه چیزی کشیده است، شاید بگوید گل است و شاید در سؤال دیگری همان شکل را بگوید ماهی و یا خانه است. وقتی تصاویر را در اختیار او می‌گذاریم و می‌خواهیم برداشت‌هایش را بیان کند و یا تصویری بکشد، مهم این است که اجازه دهیم او مراحل ذهنی خود را تصویر کند تا به دریافت‌هایی که در واقعیت‌های پیرامون خود با آن‌ها مواجه می‌شود، برخورد کند.

مجله رشد پیش‌دبستانی را از نظر تصویرگری و صفحه‌آرایی به‌منظور

برقراری ارتباط بهتر با مخاطب چگونه می‌بینید؟

با توجه به اینکه چند شماره اخیر رشد پیش‌دبستانی را بررسی کرده‌ام، ذکر مواردی را لازم می‌بینم. زبان تصویری مجله تا حد زیادی با نیاز مخاطب همخوانی دارد. و برای این کار تدابیری همچون تلطیف رنگ‌ها و نرمی فرم‌ها به کار رفته است. در خصوص تصاویر مجله، به نظرم، می‌توان از عملکرد کودکان بیشتر بهره گرفت. لذا، در انتخاب تصاویر باید نگاه هوشمندانه‌تری اتخاذ شود.

در پایان اگر مطلبی ناگفته مانده است، بیان کنید.

در آموزش تصویرگری باید مقداری در عناوین آموزشی حساس‌تر، دقیق‌تر و در عین حال تخصصی‌تر عمل کرد. ما هنوز در حوزه‌هایی از تصویرگری ضعف داریم؛ زیرا در حوزه‌های علمی بیشتر از منابع خارجی استفاده می‌کنیم و عمدتاً آن‌ها را ترجمه و از تصویرگری آن‌ها استفاده می‌کنیم. بنابراین، فکر می‌کنم باید به نگاه تخصصی‌بها و ارزش داده شود و در تصویرگری هر کس در حوزه خاص خودش کار کند. اگر کسی تصویرگری شعر انجام می‌دهد، تخصصش هم در همین حوزه باشد. ادبیات تخیلی، علمی، مذهبی، سرگرمی و آموزش و ... هر کدام جایگاه خودش را دارد. در غیر این‌صورت در برابر آنچه از طریق کتاب انتقال می‌دهیم و ضعفش را احساس می‌کنیم مسئول هستیم. همانطور که گفتیم، اگر برای من آن تصاویر کتاب‌های قدیمی ماندگاری پیدا کرده است، برای کودک هم این اتفاق می‌افتد. گاهی اوقات ممکن است نگاه ما از تصویرگری عامل بازدارنده باشد به جای اینکه نگاه تکمیل‌کننده باشد. بنابراین، باید درباره آن چیزی که انتقال می‌دهیم مقداری امانت‌دار باشیم که متأسفانه این ضعف وجود دارد.



فریده عصاره

بازی در سفر

اشاره

چند روزی همراه خانواده به یکی از روستاهای استان اصفهان رفته‌ایم. مقاله‌ای که طی چند صفحه زیر می‌خوانید مربوط به نیم روزی است که در گشت و گذار در طبیعت سرسبز و مصفای آنجا با نوه‌ام - که دو و نیم سالش است - سپری کرده‌ام. در این چند ساعت سعی کرده‌ام او را در طبیعت آزاد بگذارم و با بازی‌ها و کارهای نسبتاً خودجوشش فرصتی برای کسب تجربه در اختیارش قرار دهم تا از طبیعت آنجا لذت ببرد و آموزش‌هایی هم دریافت کند؛ به‌ویژه مفهوم‌آموزی.

برنامه‌ای را از قبل برایش طراحی نکرده‌ام و بیشتر او بوده که مرا به انواع بازی‌ها رهنمون کرده است. در جاهایی قدری هدایتش کرده‌ام. این‌ها خاطرات و تجربه‌های لذت‌بخشی برای من است که امیدوارم که مورد استفاده شما مخاطبان عزیز نیز قرار گیرد. از نظرها و پیشنهادهای خود ما را بهره‌مند سازید. نظرهای خود را می‌توانید به نشانی سایت مجله بفرستید.

کلیدواژه‌ها: بازی، کودک دو و نیم ساله، گردش در طبیعت، بازی خودجوش، زبان‌آموزی در بازی، اکتشاف در بازی

بازی در رستوران

مشغول صرف صبحانه در رستوران هستیم. بعد از صرف صبحانه، دری که به بالکن باز می‌شود، توجهش را جلب می‌کند. دستم را می‌گیرد و از پشت میز بلند می‌کند. به بالکن می‌رویم؛ می‌گوید: «بازی کنیم». کف آنجا با ریگ‌ها و سنگ‌های ریز و درشتی فرش شده است. در آنجا که هیچ‌کسی هم نیست، ابتدا با یکدیگر قایم باشک بازی می‌کنیم. در حین بازی توجهش به قفس‌های انتهای بالکن جلب می‌شود. به آن سمت روانه می‌شود، من هم دنبالش می‌روم. قفس چند خرگوش و بچه خرگوش آنجاست. اول به چشم آن‌ها اشاره می‌کند می‌گوید: «نگاه کن چشم‌ماشون قرمز». از او می‌پرسم: «مادر خرگوشا چه رنگیه؟» می‌گوید: «سیاهه». بچه خرگوشا چه رنگی اند؟» - «سفید».

«مامان جون، نگاه کن هویج می‌خورن». چند سنگ از کف بالکن بر می‌دارد و داخل قفسشان پرت می‌کند. بچه خرگوش‌ها فرار می‌کنند و به گوشه‌ای می‌خزند. به او می‌گوییم: «بین بچه خرگوشا ترسیدن و به اون گوشه رفتن؛ اذیت شدن». اولین بار است که

کلمه «گوشه» را می‌شنود. خودش هم مراتب تأسفش را اعلام می‌دارد و با لحن تأسف‌باری می‌گوید: «آره... اوخ شدن!» بعد به سمت سگی که لانه‌اش کنار قفس خرگوش‌هاست و در لانه‌اش بسته است، می‌رود. من هم به دنبالش می‌روم. سنگ درشتی برمی‌دارد و به سمتش پرت می‌کند. سگ از لانه‌اش بیرون می‌آید و او فرار می‌کند. سگ قصد حمله دارد ولی چون بسته است نمی‌تواند.

روی سنگ‌های کف بالکن می‌نشیند و می‌گوید: «بشین. درست بشین» من هم روبه‌رویش، چهار زانو می‌نشینم. به او می‌گوییم: «دوست داری سنگ بازی کنیم؟» چشمانش برقی می‌زند و با خوشحالی می‌گوید: «بله!»

کف پوشیده شده از سنگ‌های ریز و درشت و شن و ماسه است. ابتدا با هم سنگ‌ها را کنار می‌زنیم؛ شن‌هایی که زیر سنگ‌ها هستند نمایان می‌شوند. به شن‌ها اشاره می‌کنم: «اینجا چی هستن؟!» او هم دستش را در آن‌ها فرو می‌کند و می‌گوید: «شن هستن» به او می‌گوییم: «بیا بگرد و پیدا کن بازی کنیم. اول کی برگرد و پیدا کنه؟» می‌گوید: «اول مامان چون بعد من.»

بازی را شروع می‌کنیم. سنگ‌ها را از



مشغله‌های زیاد پدران و مادران، مانع از آن می‌شود که کودکان لحظاتی را با آزادی و آسودگی خیال در دامان طبیعت بکر، بدون تذکرات مکرر و فارغ از چارچوب‌ها و خط‌قرمزها، سپری کنند

به

گونه‌ای خودم

را از شر زنجیر خلاص می‌کنم و از بازی‌اش کنار می‌روم. روی تخت روبه‌رویش می‌نشینم، می‌گذارم تا خودش آزادانه بازی کند. سنگ‌های ریز و درشت را در مشتش می‌گیرد، روی شلوارش می‌گذارد و با خودش زمزمه می‌کند: «این کوچولوئه. این بزرگه، نه درشته. اه اینم که کرده. اینم خال خالی خوشگله. همه خوشگلن».

موشی‌اش (عروسکش) را از روی سنگ‌ها برمی‌دارد. یکی از سنگ‌های درشت را از روی شلوارش برمی‌دارد و به او می‌دهد و می‌گوید: «بگیر... توهم یه چیز پیدا کن».

دو ظرف از مسئول رستوران می‌گیرم و کنارش می‌گذارم. یکی از آن‌ها را پر از شن و سنگ و ماسه می‌کند و در ظرف دیگر می‌ریزد. چند بار این کار را انجام می‌دهد.

در پایان، مشت‌مشت شن و ماسه و ریگ از زمین برمی‌دارد روی شلوار و کفشش می‌ریزد. چند تا از سنگ ریزه‌ها و شن‌ها داخل جوراب و کفشش می‌رود. با انگشتانش تلاش می‌کند آن‌ها را بیرون آورد.

بیش از یک ساعت است که از بازی ما می‌گذرد. هنوز در تکاپوی بیرون آوردن سنگ‌ها و ماسه‌هاست که مادرش می‌آید و او را برای شست‌وشو بیرون می‌برد.

بازی در باغ

به باغ‌های دور و اطراف می‌رویم و با هم به جست‌وجو و گشت‌وگذار می‌پردازیم. در طول راه، چشمش به یک نهال درخت آلو می‌افتد. می‌ایستد. مرا صدا می‌زند و با شگفتی می‌گوید: «مامان جون نهال! ببین این نهاله!» چند ماه پیش در پارک نهال را به او معرفی کرده‌ام و یادش مانده است.

کمی جلوتر می‌رویم. به گل پلاسیده‌ای که روی شاخه است، اشاره می‌کند و می‌گوید: «گل پژمرده شده» در آنجا دقیقه‌ای توقف می‌کند و چند بار با تأسف می‌گوید: «متأسفانه گل پژمرده شده!» این جمله را در خرداد ماه وقتی در حیاط با هم قدم می‌زدیم و به گل‌های پژمرده رسیده بودیم، گفته بودم.

سپس برگ‌های خشک را مشت‌مشت از روی زمین برمی‌دارد به جای دیگری انتقال می‌دهد. در اینجا وارد بازی‌اش می‌شوم. زیردرختی می‌نشینم و از او می‌خواهم تا باز هم برگ خشک بیاورد و در پای درخت بریزد. شتابان پشت سر هم مشت‌مشت برگ‌ها را می‌آورد و در آنجا می‌ریزد. تپه‌ای از برگ در آنجا تشکیل می‌شود. می‌گویم: «نگاه کن چقدر برگ! تلی از برگ تشکیل شده.» او هم تکرار می‌کند «تلی از برگ!» سپس با پایش لگدی

روی

کف کنار می‌زنم و یک

سنگ خال خالی بیرون می‌آورم و نشانش می‌دهم و می‌گویم: «ببین یه سنگ خال خالی پیدا کردم». آن را دستش می‌گیرد، نگاهش می‌کند و تکرار می‌کند: «سنگ خال خالی چه خوشگله!» حالا نوبت اوست. او هم دستانش را درون سنگ‌ها می‌برد و سنگ دیگری را که نوکش تیز است، پیدا می‌کند و با خوشحالی نشانم می‌دهد. می‌گویم: «اه... یه سنگ نوک تیز پیدا کردی؟ دست بزن ببین چه تیزه.» می‌گوید: «آره نوکش تیزه. اینم خوشگله!» دوباره سنگ ریزی را برمی‌دارد و نشانم می‌دهد. می‌گویم: «اه... چقدر کوچولوئه!» در حالی که سنگ ریز در دستش است، سنگ بزرگ‌تری را برمی‌دارد و می‌گوید: «ولی این بزرگه». می‌گویم: «آره درشته.» تکرار می‌کند: «آره درشته».

می‌گوید: «مامان جون، بازم بگرد چیزی پیدا کن.» سنگ گردی پیدا می‌کنم می‌گویم: «اه... این گرده» آن را دستش می‌گیرد. نگاهش می‌کند و دستش را روی آن می‌مالد: «چه خوشگله!» حالا نوبت اوست. این بار از زیر سنگ‌ها تکه زنجیری را درون شن‌ها پیدا می‌کند. قلاب آن را می‌کشد و بیرونش می‌آورد. با حس پیروزمندانه‌ای آن را نشانم می‌دهد و داد می‌زند: «ببین مامان جون چی پیدا کردم» می‌گویم: «به‌به! یه زنجیر فلزی!» می‌گوید: «آره زنجیر فلزی» می‌گویم: «بذار قلاب زنجیر را دور انگشتم بگذارم». آن را دور انگشت اشاره‌ام می‌گذارم و از انگشتم آویزان می‌کنم. او هم تکرار می‌کند: «قلاب زنجیر».

دستم را حرکت می‌دهم. تکه زنجیر هم پاندولی حرکت می‌کند. آن را تکان می‌دهد و حرکتش را نگاه می‌کند و می‌خندد. سنگی را در آخرین حلقه آویزان آن می‌گذارم که چون کوچک است و در حلقه جا نمی‌شود می‌افتد. حالا خودش سعی می‌کند سنگ دیگری را در حلقه بگذارد. آن هم می‌افتد. سنگ دیگری را امتحان می‌کند و باز سنگ‌های دیگر.

آخرین حلقه زنجیر را دور انگشت اشاره‌اش می‌گذارم. ابتدا دستش را حرکت می‌دهد و می‌خندد. خودکار را از کیفم بیرون می‌آورم و داخل قلاب می‌گذارم. سر می‌خورد و می‌افتد. سپس جاکلیدی‌ام را از کیفم درمی‌آورم و زنجیر آن را روی قلاب می‌گذارم. دستش را حرکت می‌دهد و از اینکه دسته کلید روی قلاب تاب می‌خورد و صدای شنگ‌شنگ کلیدها نیز به گوش می‌رسد، غرق در خنده می‌شود.

زنجیر را می‌برد و از سوراخ قفس خرگوش‌ها آویزان می‌کند. بعد سعی می‌کند آن را لبه تحت چوبی کنار بالکن بگذارد که موفق نمی‌شود.

به برگ‌ها می‌زند و آن‌ها روی زمین می‌ریزند. بعد هر دو روی زمین می‌نشینیم. با هم برگ‌ها را روی زمین می‌چینیم و به اشکال مختلف درمی‌آوریم. هر بار که شکل جدیدی درست می‌شود، نگاهم می‌کند؛ می‌خندد و می‌گوید: «چه خوشگل شد!» بنا به تقاضایش چندین بار این کار را انجام می‌دهیم.

در لابه‌لای برگ‌های روی زمین گردوی تازه‌ای از زیر درخت گردو پیدا می‌کند. آن را برمی‌دارد. نشانم می‌دهد. آن را نمی‌شناسد. اولین باری است که چنین چیزی می‌بیند. می‌پرسد: «این چیه؟» می‌گویم: «این گردوست. می‌خواهی اون رو بشکنیم و بخوریم؟» می‌گوید: «بشکنیم». پوست سبزش را درمی‌آورم. ابتدا آن را روی تخته سنگ می‌کوبد که نمی‌شکند. آن را از دستش می‌گیرم و روی تخته سنگی قرار می‌دهم. سنگی هم کنار گردو می‌گذارم. سنگ را برمی‌دارد و روی آن می‌زند که گردو از روی سنگ می‌جهد و تقریباً یک متر آن طرف‌تر می‌افتد. دنبالش می‌رود. آن را می‌آورد و روی تخته سنگ می‌گذارد که قل می‌خورد و می‌افتد.

باز روی آن می‌کوبد. دوباره همان اتفاق قبلی می‌افتد. دو تا سنگ می‌آورم و در دو طرف گردو قرار می‌دهم و با هر دو دست آن‌ها را نگه می‌دارم. گردو در میان دو سنگ ثابت می‌شود. با چند ضربه - که یک بار هم روی دستم می‌خورد، بالاخره گردو شکسته می‌شود. با قاه قاه خنده و بالا و پایین پریدن‌ها، پیروزی‌اش را جشن می‌گیرد.

به جویباری که در پای درخت‌ها جاری است می‌رسیم. سنگ‌های ریز و درشت را از روی زمین برمی‌دارد و در آب می‌اندازد. بعد به جویبار نزدیک می‌شود. از صدای افتادن سنگ در آب خوشش می‌آید و می‌خندد. چندین بار این کار را تکرار می‌کند. هر بار گوش‌هایش را تیز می‌کند و بر صدای افتادن انواع سنگ متمرکز می‌شود و از تفاوت صدای برخورد سنگ‌ها با آب لذت می‌برد. با انداختن سنگ‌های مختلف و پیاپی، شدت خنده‌اش بیشتر می‌شود و گوش طبیعت را می‌نوازد. از افتادن سنگ‌های کوچک خنده کوتاه‌تری سر می‌دهد. انگار این بازخوردها را با هم مقایسه می‌کند.

روی زمین در کنار جویبار به شکم می‌خوابد و سعی می‌کند دستش را در آب آن بزند ولی دستش به آب نمی‌رسد. با خودش زمزمه می‌کند: «دستش نمی‌رسه». بلند می‌شود؛ چوبی را که روی زمین انداخته بود برمی‌دارد. کنار جوی می‌نشیند و در حالی که با خودش حرف می‌زند می‌گوید: «حالا چوب را مبارم» که چوب به آب و کف جویبار می‌رسد. نگاهم می‌کند و خیالش راحت شده است. حالا به تکرار چوب را در آب می‌زند. بعضی وقت‌ها کناره‌های جویبار را با چوب می‌مالاند و بعضی وقت‌ها چوب را به آب می‌زند. در آخر، چوب را در آب می‌اندازد که خودش هم متأسف می‌شود.

به راهمان ادامه می‌دهیم. سر راه، چشمش به چوب دیگری می‌افتد. آن را از روی زمین برمی‌دارد و بر سر تخته سنگ‌ها و

بوته‌ها می‌کوبد. به او می‌گویم: «درختا دردشون می‌گیره.» خودش می‌گوید: «آره اوخ میشن». و این حرکت خشن را متوقف می‌کند.

زیر درختی می‌نشینیم. سنگ‌ها را از روی زمین برمی‌دارد و پرت می‌کند ابتدا بی‌هدف می‌اندازد. بعد تخته سنگی را نشانه می‌گیرد. سنگ‌های ریز و درشت را از زمین می‌کند و پرت می‌کند. توجهش را به یک قوطی کنسرو خالی که درش باز است و روی زمین افتاده است، جلب می‌کنم. سنگ را به سمت قوطی نشانه می‌گیرد. بعد از چند بار که تیرش به خطا می‌رود، بالاخره سنگ در قوطی کنسرو می‌افتد. در حالی که قاه قاه می‌خندد، نگاه پیروزمندانه‌ای به من می‌اندازد.

دیگر قوطی برایش نشانه و هدف می‌شود. به تکرار سنگ را با نشانه قوطی می‌پراند. با سنگ‌های ریز و درشت آن را نشانه می‌گیرد ولی هیچکدام در قوطی نمی‌افتند. با این حال، ناامید نمی‌شود و بارها و بارها سنگ‌ها را به سمت آن پرتاب می‌کند. بالاخره سنگ بزرگی برمی‌دارد و روی قوطی می‌اندازد. با سر دادن قاه قاه پیروزمندانه‌اش فضای طبیعت آنجا را هم مسرور می‌کند. انگار هدفش تنها داخل قوطی نبوده است.

یک قطعه شیلنگ فلزی پیدا می‌کند. آن را از روی زمین برمی‌دارد؛ نگاهش می‌کند با خود زمزمه می‌کند: «این قدقه... دست نزن به قدقد!» و چند بار این جمله را با خودش تکرار می‌کند گویی شیلنگ را یک مرغ فرض کرده است!

کلام آخر

آنچه در این مقاله خواندید، حاصل نیم روزی است که در سفر با نوه‌ام گذرانده‌ام. گشت‌وگذار توأم با بازی. هدف اصلی ایجاد فضایی مفرح و آزاد برای او بوده است. زیرا کودکان در زندگی‌های آپارتمانی امروز دائم در معرض فرمان‌هایی چون بکن، نکن، دست نزن اوخ می‌شی، آنجا را کثیف نکن و بسیاری بایدها و نبایدها و خط‌قرمزهای دیگر هستند.

از طرفی مشغله‌های زیاد پدران و مادران، مانع از آن می‌شود که کودکان لحظاتی را با آزادی و آسودگی خیال در دامان طبیعت بکر، بدون تذکرات مکرر و فارغ از چارچوب‌ها و خط‌قرمزها، سپری کنند. ما در دوران کودکی خود چنین دنیای آزاد و مفرحی را تجربه کرده‌ایم. در کوچی با همبازی‌های هم‌محله‌ای خود جست‌و‌خیز می‌کردیم و به هر جا که حس کنجکاو ما را جلب می‌کرد، سرک می‌کشیدیم؛ بدون اینکه ممانعتی از طرف اولیا باشد. هنوز هم مزه شیرین و دل‌نشین آن خاطرات را حس می‌کنیم و هزاران آموزش و تجربه و مهارت زندگی را در آن دنیا آموخته‌ایم.

حال، به نظر شما در چندساعتی که شرح آن گذشت، چه کمکی به رشد جنبه‌هایی از شخصیت نوه‌ام شده است؟ کدام جنبه مورد توجه قرار گرفته است: رشد شناختی، عاطفی، زبان و گسترش گنجینه واژگان، رشد اجتماعی و... و به چه اهدافی از راهنمای برنامه‌درسی کودکان پیش‌دبستانی توجه شده است؟



فریبار استگو

کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش از دبستان

فضای فیزیکی مهدهای کودک و مراکز پیش از دبستان

آنچه باید باشد تا آنچه هست

بررسی می‌کند و سه ساختار اصلی در طراحی بنای کودکانه ارائه می‌دهد:

۱. ساختار اول: تعبیه فضاهای مورد نیاز کودک
۲. ساختار دوم: عملکرد هر فضا براساس نیازهای کودک
۳. ساختار سوم: تصورات کودک از فضای تعبیه شده. یکی از کامل‌ترین این فضاها مهدکودک «شاهزاده کوچولو» در هلستینکی کشور فنلاند است. معماران این مکان معتقدند در ساخت آن برای آشنایی با رشد کودکان از کتاب «شاهزاده کوچک» کمک گرفته‌اند. آن‌ها می‌گویند: «این کتاب کنش و واکنش کودکان را بین دو دنیای داخلی و خارجی، در بخش ناخودآگاه کودک، به کار می‌اندازد و دنیای جدیدی را برای او باز می‌کند». از طرفی، جاری بودن طبیعت در این مکان را عامل اصلی تناسب این فضا با نیاز کودکان می‌دانند. طبیعتی واقعی که ایمن شده است و علاوه بر تحریک حس خیال‌انگیزی کودک به او احساس آرامش نیز می‌دهد.

استانداردهای جهانی وجود فضاهای زیر را در مهدکودک و مراکز پیش از دبستان لازم شمرده‌اند:

- ورودی‌های مجزا براساس سن کودکان ● اتاق‌های تفکیک‌شده براساس رده سنی ● اتاق مخصوص کودکان معلول (فیزیوتراپی) ● اتاق مربیان و معلمان ● اتاق مدیر (ساختمان اداری) ● اتاق نمایش ● اتاق موسیقی ● اتاق همگانی یا اتاق چندمنظوره ● اتاق مطالعه ● اتاق بهداشت ● اتاق

کلیدواژه‌ها: مرکز پیش دبستانی، مهدکودک، فضا

احمد خوشنویس در پیش‌گفتار ترجمه کتاب «معماری برای کودکان» نوشته والتر کرومر چنین می‌نویسد: «کودکان دنیای تخیلی خاص خویش را دارند. بسیاری از ایشان در طبقات سنی زیر هفت سال دنیا را آن‌طور تجسم می‌کنند که باید باشد، نه آنکه هست و همین امر باعث می‌شود محیط طراحی برای کودکان آن فضایی نباشد که معمار بدون شناخت آن را طراحی می‌کند». شاید بتوان گفت معماری امروز مراکز آموزشی دنیا از جمله مهدهای کودک و مراکز پیش‌دبستانی بر پایه چهار معیار زیر شکل می‌گیرد:

۱. اقتضانات فرهنگی هر کشور
 ۲. نیازها و ویژگی‌های گروه مخاطب
 ۳. بافت جغرافیایی حاکم بر کشور
 ۴. نوع مصالح متناسب با ساختار جغرافیایی کشور
- فضا با تمام ویژگی‌هایش در شکل‌گیری شخصیت افراد نقش مؤثری ایفا می‌کند. همین فضا به‌طور خاص‌تر برای رشد کودکان عامل مهمی محسوب می‌شود. عاملی که می‌بایست تأثیر مثبتی بر رشد جسمی و عقلی کودک داشته باشد. (آزموده، ۱۳۹۱: مقدمه)

کرومر در کتاب «معماری برای کودکان» سی‌وهفت نوع معماری برگرفته از فرهنگ‌های گوناگون کشورهای مختلف را

قرنطینه • اتاق ملاقات والدین • اتاق کنفرانس (گردهمایی) • اتاق‌های دنج کوچک بازی • نمایشگاه • کتابخانه • کارگاه • فضای بازی داخلی و خارجی • سرویس بهداشتی عمومی و اختصاصی براساس گروه سنی • آشپزخانه اصلی و کودک • انبار • استخر و بازی‌های آبی.

حال سؤال این است که به راستی فضاهای مهدکودک و پیش‌دبستانی مامتناسب با نیازهای کودکان طرح‌ریزی شده‌اند؟ و اصلاً سازندگان این فضاها کودک و نیازهایش را می‌شناسند. کافی است سری به مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی در کشورمان بزنیم. به جرئت می‌توان گفت به‌جز معدودی از آن‌ها بقیه عمدتاً منازل مسکونی هستند که تغییر کاربری داده شده‌اند. دست کم در پایتخت و مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ کانون‌های متعددی برای پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی، هنری، فرهنگی و علمی شهروندان چون موزه‌ها، فرهنگسراها و نگارخانه‌ها می‌توان یافت ولی آیا در همین مراکز نیز توجهی به کودک و نیازهایش شده است؟ آیا فضایی به او اختصاص یافته

است که متناسب با خواسته‌هایش باشد؟ مسلم است که می‌توان پاره‌ای از فضاهای تعبیه شده در فهرست بالا را به صورت غیرمتمرکز در فصل‌های گوناگون سال به تناسب نیاز جایگزین کرد، ولی در این فهرست مواردی دیده می‌شود که حذف آن‌ها در فضاهای مهدکودک و پیش‌دبستان امکان‌پذیر نیست و متأسفانه مهدهای کودک و مراکز پیش‌دبستانی کشورمان دارای حداقل این فضاها هم نمی‌باشند.

فرهنگ غنی ایرانی از زمانی که رنگ اسلامی گرفت بر غنایش افزوده شد. پیامبر بزرگ اسلام (ص) توجه ویژه‌ای به کودکان داشت؛ پس چرا کشور ما در این زمینه بسیار ضعیف‌تر از کشورهای دیگر عمل می‌کند؟

آیا نباید همچنان که برای احراز پست مدیریت یک مهدکودک شرایطی لازم است، برای فضای اختصاص یافته به آن نیز شرایطی قائل شد؟ در ماده شش اساسنامه دوره پیش‌دبستانی چنین آمده است:

تعیین صلاحیت‌های نیروی انسانی و استانداردهای فضا، تجهیزات و مواد آموزشی دوره پیش‌دبستانی و نظارت بر حسن اجرای فعالیت‌های آموزشی و پرورشی این دوره به عهده وزارت آموزش و پرورش است. با توجه به اینکه طبق تبصره یک ماده ۴ این اساسنامه، دوره پیش‌دبستانی توسط اشخاص حقوقی و حقیقی با اخذ مجوز از وزارت آموزش و پرورش تشکیل می‌شود، تأسیس این‌گونه مراکز قبل از کسب مجوز از وزارت آموزش و پرورش ممنوع است. بنابراین، مسئولیت تام این مراکز با وزارت آموزش و پرورش می‌باشد.

باید بپذیریم که کشور ما نیز به تحولی اساسی در طراحی و ساخت مراکز آموزشی نیاز دارد. بنابراین، سازمان نوسازی مراکز آموزشی با از بین بردن بافت‌های فرسوده و ساخت ساختمان‌های جدید سهم بسزایی در این زمینه دارد. البته به شرط اینکه تأمین بودجه لازم در این زمینه صورت گیرد و معماری روز دنیا جانشین معماری سنتی شود. باید متذکر شد گرایش به سمت معماری نوین به هیچ‌وجه نفی قابلیت‌ها و جذابیت‌های معماری سنتی نیست بلکه به این معناست که مخاطب‌شناسی باید جزء لاینفک معماری ما شود. اکنون که دولت با صرف هزینه‌های بسیار بالا دست‌اندرکار نوسازی مراکز آموزشی است، دیگر نباید مراکز آموزشی با نقشه‌های غیرمهندسی و غیرکارشناسانه ساخته شوند. جذب معماران مجرب، خوش‌قریحه و با ذوق باید از اولویت‌های اول سازمان نوسازی مراکز آموزشی باشد. در بخش‌های تحقیقی نیز باید از متخصصان مجرب و به‌روز بهره برد. در بخش خصوصی پرداختن به این مهم باید در اولویت‌ها قرار گیرد.

منابع

۱. کرومر، والتر؛ معماری برای کودکان، مترجمان: احمد خوشنویس و المیرا میررحیمی، گنج هنر، ۱۳۹۰.
۲. آزموده، مریم؛ معماری و طراحی برای کودکان، علم و دانش، ۱۳۹۱.
۳. راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزش و پرورش دوره پیش‌دبستانی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.

نیازهای کودک در فضا براساس هرم مزلو

نیازها	مابازای نیازها در فضای ویژه کودک
نیازهای جسمانی	راحتی / آسایش / سلامت / تسهیلات کافی / تعادل مبتنی بر شرایط اکولوژیک
نیاز به ایمنی و امنیت	نظارت و مراقبت / محصوریت / سلسله مراتب / وضوح و قابل پیش‌بینی بودن / کودک‌واری / رعایت عرصه‌های خصوصی نفوذپذیری
نیاز به محبت و وابستگی	ایجاد حس تعلق به مکان / سازگاری بصری / هویت / امکان برقراری روابط اجتماعی با سایر کودکان / امکان بازی مشارکتی کودکان و بزرگسالان
نیاز به عزت نفس	مالکیت / فردیت / تعلق به گروه و مکان / مقیاس کودکانه / انعطاف‌پذیری
نیاز به خودشکوفایی	تنوع / چالش برانگیزی / فرصت‌هایی برای شخصی سازی / مشارکت کودک در ساخت منظر



فواید ماساژ برای کودک

ماساژ گردش خون را بهبود می‌بخشد که این امر باعث شاداب شدن پوست کودک می‌شود. ماساژ سیستم ایمنی را نیز تقویت می‌کند و همچنین موجب کاهش بسیاری از دردها مزمن در بدن کودک می‌شود. از دیگر فواید ماساژ محکم کردن عضلات و انعطاف مفاصل است. معمولاً کودکانی که از کودکی توسط والدین ماساژ داده می‌شوند، کمتر گریه می‌کنند و در برابر بیماری و ناراحتی‌ها مقاوم‌ترند. با ماساژ دستگاه گوارش تقویت می‌شود، هضم و دفع بهتر انجام می‌گیرد و کودکان کمتر به قولنج، بیبوست، اسهال و کولیت (دل دردهای شبانه) مبتلا می‌شوند. ماساژ همچنین به بهتر خوردن کودکان کمک می‌کند. کودکانی که ماساژ را تجربه می‌کنند، آرام‌تر به خواب می‌روند و شب‌ها کمتر پدر و مادر خود را دچار مشکل می‌کنند. در هنگام بیداری نیز سر حال‌تر و خوش اخلاق‌ترند. ماساژ به بهبود کار دستگاه تنفسی نیز کمک می‌کند.

ماساژ نه تنها برای کودکان بلکه برای والدین هم مفید است. این عمل ضمن ایجاد آرامش در والدین باعث بالا رفتن حساسیت آن‌ها نسبت به حرکات کودکان می‌شود. این دسته از والدین به دلیل تماس چشمی که در طول ماساژ با کودک خود دارند، شناخت و درک بهتری نسبت به عکس‌العمل‌های او پیدا می‌کنند که این درک ویژه به نگهداری بهتر از کودکان منجر می‌شود.

شرایط ماساژ کودک

- کودک را روی یک پتو یا حوله نرم روی زمین یا تخت قرار دهید.
- کودک را وقتی سر حال است، برای ماساژ آماده کنید. او نباید گرسنه یا کاملاً سیر باشد. (یک ساعت بعد از خوردن غذا و پس از استحمام فرصت مناسبی برای این کار است.)
- زیورآلاتی را که ممکن است هنگام ماساژ به کودک آسیب برسانند، از دست خود خارج کنید.
- ناخن دست‌هایتان را کوتاه کنید.
- مکانی ساکت و گرم برای ماساژ دادن کودک پیدا کنید.
- قبل از ماساژ دست‌هایتان را با آب و صابون بشوید. همچنین دست‌ها را با به هم مالیدن یا قرار دادن در آب ولرم به مدت سه تا چهار دقیقه گرم و سپس خشک کنید.
- دمای اتاق بهتر است حدود ۲۶ درجه سانتی‌گراد باشد تا کودک بدون پوشش هم در آن احساس راحتی کند.
- برای ماساژ دادن بهتر است از روغن‌های مخصوص بچه یا روغن بادام شیرین استفاده کنید.
- اگر کودک دارای نیازهای خاص و یا شرایط ویژه است، حتماً با پزشک مشورت کنید.

نحوه اعمال ماساژ

ماساژ بالا تنه: مقداری روغن ماساژ در کف دست‌های خود بریزید، دست‌ها را به هم بمالید و روی شانه، کودک بگذارید. از مفصل سرشانه تا دست‌های کودک را به آرامی بمالید.



ماساژ کودک ناشناخته‌ای دلپذیر در دنیای امروز

گردآورنده: محبوبه فیض‌نژاد،
کارشناس ارشد پیش‌دبستان

مقدمه

نخستین رابطه کودک با دنیای خارج از طریق لمس کردن حاصل می‌شود. لمس کردن نوزاد تأثیر بسزایی در ارتباط عاطفی، احساس امنیت و اعتماد او به محیط اطرافش دارد. کودکانی که از سوی پدر و مادر با محبت لمس می‌شوند، احساس آرامش بیشتری می‌کنند. والدین می‌توانند با ماساژ دادن و تماس‌های محبت‌آمیز با کودک خود به او ابراز محبت کنند و از همان ابتدا به شکل‌گیری اعتماد به نفس او کمک کنند.

کلیدواژه‌ها: ماساژ، نوزاد، آرامش

کودکستان مادرانه

مرئضی طاهری

رئیس گروه پیش دبستان دفتر تألیف

اشاره

در یکی از شماره‌های پیشین مجله، مطلبی با عنوان «پیش دبستان خانگی» درج شده و در آن از صاحب نظران و مربیان محترم درخواست شده بود که دیدگاه‌های خود را در این زمینه اعلام کنند. اینک از زاویه‌ای دیگر نگاهی به موضوع خواهیم داشت.

نهضت مدرسه در خانه (مدرسه خانگی Home schooling)، در حال فراگیر شدن است و از غرب و شرق، خبر می‌رسد که افراد، شخصیت‌ها و اقوام مختلفی، با وجود دیدگاه‌های متفاوت و به علت نگرانی‌هایی که از برنامه‌های رسمی مدارس (مدارس رسمی) دارند، تحصیل کودکان خود را در خانه دنبال می‌کنند. دوره آمادگی و پیش دبستانی که در اهمیت، تأثیر و ضرورت آن تردیدی نیست، با وجود آنکه در برنامه درسی ملی، دوره‌ای رسمی و اختیاری تعریف شده است، به علل گوناگون (قواعد و دستورالعمل‌های جاری، نیروی انسانی، مسائل مالی و اقتصادی، فضا و امکانات و نیز دیدگاه‌ها) در کشور ما فراگیر نشده و میزان پوشش کودکان در ایران، فراز و نشیب زیادی را طی کرده است و هم‌اکنون چیزی در حدود نیمی از کودکان مشمول این دوره را در برمی‌گیرد.

از این روی، فراتر از علل موجدۀ Home schooling – گسترش این شیوه تا فراگیر شدن این دوره مهم موضوعی است در خور اعتنا.

در این مسیر و فرایند گسترده چند نکته و پرسش مورد توجه است که پاسخ به آن‌ها مشارکت فکری و عملی مربیان گران قدر و کارشناسان برجسته را می‌طلبد.

۱. نقش مادران در ایفای این وظیفه سترگ در خانه چیست؟
۲. نقش نظام آموزش و پرورش و سایر نهادهای مرتبط در این زمینه چیست؟
۳. استانداردهای آموزشی برای تحقق اهداف مورد نظر چگونه خواهد بود؟
۴. خلأ تجمیع کودکان و تربیت اجتماعی در این زمینه چگونه قابل جبران است؟
۵. نحوه نظارت و ارزش‌یابی از روند کار چگونه باید باشد؟

ماساژ بازوها: یک دست کودک را در دست بگیرید و کمی بلند کنید، سپس با دست دیگر زیر ساعد و بازو را از پایین به طرف بالا نوازش کنید.

ماساژ انگشتان دست: با یک دست مچ کودک را نگه دارید و با دست دیگر پشت دست کودک را تا نوک انگشتان ماساژ دهید. در انتهای هر بار ماساژ، یکی از انگشتان کودک را ورز دهید.

ماساژ انگشتان پا: با یک دست یکی از پاهای کودک را نگه دارید و با دست دیگر روی پا را از مچ تا انگشت پا ماساژ دهید و در انتهای مسیر یکی از انگشتان پا را ورز دهید.

ماساژ ران‌ها: یک پای کودک را در دست بگیرید و از مچ پا تا باسن او را ماساژ دهید. سپس دست را دوباره به مچ پا برگردانید. این حرکت را سه بار انجام دهید.

ماساژ پشت: برای این امر کودک را بغلتانید تا روی شکم قرار بگیرد. کمی روغن ماساژ به دست‌ها بمالید و دست‌ها را روی باسن کودک بگذارید. به آرامی شروع به نوازش پشت کودک کنید و این حرکت را تا شانه‌ها در امتداد پهلوها سه بار تکرار کنید.

نکات مهم در هنگام ماساژ

- دقت کنید سطحی که کودک را برای ماساژ روی آن قرار می‌دهید، خیلی نرم نباشد که کودک در آن فرو برود.
- هرگز کودک بیمار، به‌ویژه تب‌دار، را ماساژ ندهید. در آغوش گرفتن کودک در این شرایط برایش لذت‌بخش تر است.
- هیچ‌گاه کودک تازه غذا خورده را ماساژ ندهید؛ زیرا ممکن است استفراغ کند. البته ماساژ کودک گرسنه نیز موجب بی‌قراری او می‌شود.

- زمانی که کودک تمایل به بازی دارد، از ماساژ دادن او پرهیز کنید؛ زیرا زیر دستان شما آرام نمی‌گیرد.
- ماساژ را می‌توانید از ۵ تا ۱۵ دقیقه ادامه دهید و این بستگی به تمایل کودک دارد.

ماساژ

گردش خون را بهبود

می‌بخشد که این امر باعث شاداب شدن پوست کودک می‌شود. ماساژ، سیستم ایمنی را نیز تقویت می‌کند و همچنین موجب کاهش بسیاری از دردهای مزمن در بدن کودک می‌شود

منابع

۱. شوت، کارین؛ ماساژ درمانی. ترجمه محمد طاهر طاهر، پیدایش، ۱۳۸۸.
۲. هیت، آلن؛ ماساژ کودک، ترجمه ناهید آزادمنش، آگاه، ۱۳۹۰.
3. www.green message.net
4. www.tebyan.net
5. www.mybabys niniweblog.com
6. www.koodakan.akairan.com

یونیفورم یا لباس هم شکل آری یا نه؟

دکتر مرجان گودرزی
پزشک عمومی

کلیدواژه‌ها: یونیفورم، پوشش، لباس یک‌شکل (یکسان)، روپوش

● مسائل و حاشیه‌ها

همان‌گونه که شاهدیم، در مراکز آموزشی، مهدهای کودک، کودکانها دوره‌های آمادگی نیز بچه‌ها اغلب لباس‌های یک‌رنگ، یک‌شکل و البته زیبایی به تن می‌کنند. متخصصان تعلیم و تربیت و روان‌شناسان درباره پوشش یکسان کودکان این سنین چه می‌گویند؟

● ضرورت‌ها و محاسن

- یا پوشیدن لباس یکسان در این سن خوب است؟
- آیا پوشش کودکان در این سنین در رفتار و شخصیت آن‌ها تغییراتی پدید می‌آورد؟
- آیا پوشش کودکان به میزان موفقیت و

تمرکز درسی آن‌ها می‌افزاید؟
- آیا پوشش کودکان در نگرش آن‌ها نسبت به یادگیری، مرکز آموزشی و فضای یادگیری تأثیر دارد؟

- آیا لباس یک‌شکل در میزان راحتی و آزادی بدنی آن‌ها تأثیر دارد؟
...

به این سؤال‌ها و دیگر کنجاوی‌های اجتماعی و خانوادگی پاسخ‌هایی از ورای تحقیقات و تجربه‌های کنونی داده شده است که در اینجا به پاره‌ای از آن‌ها نظر می‌افکنیم.

● پوشیدن لباس یکسان کاری بسیار پسندیده است؛ زیرا از جذابیت‌های کاذب می‌کاهد و رقابت‌های ناسالم را بین کودکان به حداقل می‌رساند.

● بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که این عمل به بهبود و ارتقای سطح نظم، حضور و حتی پیشرفت

کودکان کمک می‌کند.
● وقتی کودکان در مدرسه، آزادانه، هر چه را بخواهند بپوشند و با رنگ‌های گوناگون، مدل‌ها و فرم‌های مختلف ظاهر شوند، طول توجه آن‌ها به علم‌آموزی کاهش می‌یابد، محل آموزش و یادگیری به سالن مد لباس تبدیل می‌شود و این امر به گرایش‌های چشمی و ذهنی خاصی می‌انجامد.

● پوشیدن یونیفورم، سبب می‌شود کودکان نسبت به مدرسه و محیط یادگیری و فضای آموزش ذهن کارآمدتری پیدا کنند و بر مدرسه و رویدادهای آن و نه بر ظاهر خود تمرکز داشته باشند.

● بسیاری از والدین احساس راحتی بیشتری می‌کنند و از مشکلات انتخاب لباس کودکان رها می‌شوند و دیگر نگران نیستند که کودکانشان باید چه بپوشند و هر روز صبح و بعد از ظهر چه لباسی را



بگیرند که شخصیت افراد و قضاوت درباره آن‌ها به ظاهر آن‌ها بستگی ندارد.

● یونیفورم به اخلاق ارتباطی کودکان و خانواده‌ها کمک می‌کند.

● کودکان در مدارس با پوشش یکسان موفقیت‌های تحصیلی و اجتماعی بیشتری دارند.

البته مراکز آموزشی خوب و مطلوب مقررات و محدودیت‌هایی را نیز از نظر پوشش کودکان بنا می‌گذارند که به سادگی و رفاه بدنی کودکان نیز می‌افزاید. مثل نپوشیدن لباس نامرتب، آویزان نکردن وسایل تزئینی، گل‌سره‌های عجیب و غریب و مدل‌های آرایش موی نامناسب.

نظر شما چیست؟

- از تجربیات و دیدگاه‌های خود در این باره برایمان بنویسید.

- عکس‌ها و تصاویری از پوشش کودکان در مراکز خودتان برایمان ارسال کنید.

پوشیدن یونیفورم، سبب می‌شود کودکان نسبت به مدرسه و محیط یادگیری و فضای آموزشی ذهن کارآمدتری پیدا کنند و بر مدرسه و رویدادهای آن و نه بر ظاهر خود تمرکز داشته باشند

انتخاب کنند.

● معلمان می‌گویند آموزش و یادگیری کودکان در مدرسه‌ای که کودکان لباس یکسان دارند راحت‌تر است. دیگر تشریح‌های عجیب و غریب با عکس‌ها و مدل‌های مختلف و کوتاهی و بلندی و نوع پارچه و رنگ لباس کودکان اطرافیان را نگران نمی‌کند و کودکان با برچسب‌ها و انگ‌های کلامی و رفتاری دیگران کمتر مواجه می‌شوند.

● پوشیدن لباس یکسان به کودکان و خانواده‌ها این ایده را می‌دهد که محیط یادگیری و آموزش، مکانی جدی و قابل احترام است و به احساس غرور و افتخار کودکان درباره معلم، محتوای آموزش و فضای ارتباطی می‌افزاید.

● پوشیدن لباس یکسان به کودکان فرصت می‌دهد تا فارغ از محرکات بیرونی، درون‌سازی کنند و در شناخت خود موفقیت بیشتری پیدا کنند و یاد

دوست بزرگ بچه‌ها

مراسم بزرگداشت جبار باغچه‌بان در دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد

سمانه آزاد

نام خانوادگی خود را از «عسگرزاده» به «باغچه‌بان» تغییر داد و با روش‌های مبتکرانه آموزشی به تعلیم کودکان پرداخت. او برای کودکان تبریزی ترک زبان شعرهایی را به زبان ترکی می‌نوشت و برنامه‌های نمایشی اجرا می‌کرد. در آن زمان، سه کودک ناشنوا که مدارس عادی آن‌ها را نمی‌پذیرفتند در کوچه و خیابان از آزار کودکان دیگر هم در امان نبودند، در «باغچه اطفال» پذیرفته و پناه داده شدند. وجود این چند کودک ناشنوا، پدرم را به فکر یافتن راهی برای نجات این محرومان جامعه انداخت و بالاخره با کسب تجربه از آزمون‌ها و روش‌های ابداعی خود، در دل تاریکی مشعلی افروخت و به قول خودش: «ز اندیشه برای خود رهی یافته‌ام/ نقش دگری را به ره انداخته‌ام/ از چشم برای دیدن چهره صوت/ با دست هنر آینه‌ای ساختم.»

باغچه‌بان به بخشی از نوشته‌های پدر اشاره کرد و ادامه داد: «باغچه‌بان خود می‌گوید به رمز تعلیم معنای مجهول دست یافته است: «آموزش به کودکان کر و لال را آغاز و تجربه کردم و متأسفانه در مقابل این ادعا با ناباوری و مخالفت شدید جامعه و تهمت‌های ناروای بسیار و مخالفت مقامات دولتی روبه‌رو شدم، ولی دست از پیکار برنداشتم و برای اثبات ادعای خود و امتحان سه کودک ناشنوایی که تعلیم داده بودم در آخر سال جشن مفصلی در فضای حیاط ترتیب دادم. علمای داخلی و خارجی در آن مجلس حضور داشتند و جمعیت بسیاری برای مشاهده نتیجه این ادعا

اشاره وقتی صحبت از آموزش ناشنوایان در ایران به میان می‌آید، نام و یاد جبار باغچه‌بان نیز زنده می‌شود. مردی که در سراسر زندگی پر فراز و نشیب خود، بزرگ‌ترین دغدغه‌اش تعلیم و تربیت صحیح کودکان بود. او در آموزش به

کودکان هر منطقه توجه به فرهنگ و زبان بومی را سرلوحه کار خود قرار می‌داد؛ نکته‌ای که اکنون در برنامه‌ریزی برای دوره پیش‌دبستان هم مورد تأکید کارشناسان است. البته نوآوری‌های این «دوست بزرگ بچه‌ها» به همین ختم نمی‌شود. وی بنیان‌گذار نخستین کودکستان و مدرسه ناشنوایان در ایران، مبتکر آموزش ناشنوایان و نیز از نخستین مؤلفان و ناشران تولیدکننده کتاب برای کودکان ایرانی است. البته او برای به سرانجام رساندن ایده‌های خود با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده است و گاه حتی دوستانش او را تنها گذاشته‌اند. شاید در مورد او نیز حق با **شفیعی کدکنی** باشد؛ آنجا که می‌گوید: «باید بچشد عذاب تنهایی را/ مردی که ز عصر خود فراتر باشد»

دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی به همت انجمن علمی پیش‌دبستان و دبستان این دانشگاه و گروه آموزش و پرورش برای بررسی فعالیت‌های این مربی بزرگ بر آموزش و پرورش پیش از دبستان - دبستان و آموزش ناشنوایان نشستی با حضور کارشناسان، دانشجویان و نیز فرزند و نوه جبار باغچه‌بان، **پروانه باغچه‌بان** و مریم کریم برگزار کرد. آنچه می‌خوانید گزارشی از این نشست است.

ëëë

مردی که ز عصر خود فراتر بود

پروانه باغچه‌بان، که یکی از سخنرانان این نشست بود، پس از ارائه زندگی‌نامه مختصری از پدرش گفت: «باغچه‌بان بعد از جنگ جهانی اول مانند بسیاری دیگر، با خانواده از ایران به مرند کوچ کرد و در مرند به آموزگاری مشغول شد. **ابوالقاسم پیرزاد**، وزیر فرهنگ وقت، با توجه به توانایی‌ها و نوآوری‌های وی در آموزش کودکان به او پیشنهاد کرد کودکستانی در تبریز تأسیس کند. به این ترتیب، نخستین کودکستان ایران در سال ۱۳۰۳ و با نام «باغچه اطفال» در تبریز دایر شد. پس از آن پدرم





جمع شده بودند و حیاط مدرسه مملو از شرکت‌کنندگان بود. همه با حیرت و ناباوری شاهد حرف زدن و نوشتن و خواندن این سه کودک ناشنوا شدند.»

وی با اشاره به سختی‌های بسیاری که باغچه‌بان متحمل شده است گفت: «او با اندیشه‌های بسیار راه آموزش به ناشنوایان را پیدا کرد و با عزم راسخ در جوی نامساعد قدم در راه دشوار و پر پیچ و خم این کار گذاشت ولی متأسفانه این کار به دلیل جهل و تعصب حاکم بر آن روزگار با ناباوری مردم رو به رو شد که این عمل را دروغ و دخالت در کار خدا و گناه

داشتم.

می‌پنداشتند و حتی برخی از دوستان وی را سرزنش و از او دوری می‌کردند. به هر حال، مسئله کودکان ناشنوا و محرومیت و جدایی آن‌ها از جامعه و لزوم آموزش به این کودکان همواره فکر پدرم را به خود مشغول می‌داشت. تا سال ۱۳۱۰ که ناچار به ترک شیراز شد و به تهران آمد و مدرسه کر و لال‌ها را با یک کلاس و چند کودک ناشنوا تأسیس کرد. بالاخره با کوشش بسیار این کلاس چندین سال بعد به یک آموزشگاه بزرگ با ۲۸۰ شاگرد تبدیل شد. در این مدرسه با کمک و سرپرستی خواهرم ثمین، دانش‌آموزان تحت تعلیم آموزگاران دوره‌دیده تا دوره متوسطه تحصیل می‌کردند.»

یک دست صدا دارد!

جبار باغچه‌بان در کودکان‌ها و مدارس که در تبریز، تهران و شیراز تأسیس کرده بود، همه کارها، از تعلیم کودکان تا تولید محتوا و برنامه، را خود به عهده داشت. پروانه باغچه‌بان در این باره گفت: «پدرم در زندگی نامه خود می‌گوید: خوشبختانه خاصیت هزارپیشگی من که از هر استعداد نمونه‌ای در من وجود داشت به کمک آمد. از آن جمله علاوه بر معلمی استعداد شاعری و ذوق نقاشی

بیان اینکه فعالیت‌های باغچه‌بان پس از او هم توسط فرزندانش پیگیری شد گفت: «بعد از پدرم به همت خواهرم، ثمین، تا سال ۱۳۵۷ چهار دبستان دیگر در مناطق مختلف تهران دایر شد. به این ترتیب، تعداد شاگردان در مجموعه مدارس ناشنوایان در تهران به ۵۰۰ نفر رسید. دامنه این فعالیت‌ها به جایی رسید که ایران از سوی سازمان ملل برای برنامه‌ریزی آموزش ناشنوایان و تربیت معلم کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا برگزیده شد که افتخار بزرگی برای کشور ما بود. این برنامه در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ با پذیرش چهار داوطلب از این کشورها آغاز شد.»

بذری کوچک، درختی بزرگ

گرچه نام جبار باغچه‌بان بیشتر با آموزش به ناشنوایان گره خورده است اما یکی دیگر از مهم‌ترین خدمات او ابداع روش آموزش خواندن و نوشتن برای کودکان عادی و بزرگسالان بی‌سواد است. پروانه باغچه‌بان در این باره گفت: «پدرم مانند همسالانش خواندن و نوشتن را در مکتب‌خانه‌ها و با روخوانی قرآن و گلستان آموخته بود. او مانند رشديه و

روزنامه‌نویس و طنز بودم و هنرپیشگی می‌دانستم. البته قسمت بزرگی از توانایی خود را مدیون پدرم هستم که بنایی، گچ‌بری، قالب‌کاری و مجسمه‌سازی را از او آموخته بودم. می‌توانستم برای بدن و صورت بچه‌ها در قالب موش و زنبور طرح‌هایی بسازم که کودکان بتوانند به راحتی در آن‌ها حرکت کنند. دکور نمایش‌ها را خودم درست می‌کردم. کسانی که نمایش‌های مرا در تبریز، شیراز و تهران دیده‌اند شاهد این ادعا هستند. ناگفته نماند در تمام این سال‌ها مادرم در کنار پدر، و یار و یاور او بود. ما هم در اتاق‌هایی در این مدرسه‌ها و کودکان‌ها به دنیا آمدیم و بزرگ شدیم. برادرم، ثمین، در کتاب «چهره‌هایی از پدرم» می‌گوید: «در واقع، خانه ما هیچ وقت خانه نبود، همیشه یکی دو تا از اتاق‌های کودکان‌ها پدرم خانه ما بود. بعدها هم یکی دو تا از اتاق‌های آموزشگاه کر و لال‌ها...»

ورزش و نرمش در کوه و صحراء، قصه‌گویی، بیان فعالیت‌های روزانه، نقاشی، منبت‌کاری، کارهای گلی، دوختن، بریدن تصاویر و درست کردن آلبوم از جمله برنامه‌های باغچه‌بان برای کودکان کودکان‌ها بود. پروانه باغچه‌بان با



دیگر پیشروان فرهنگ نو به این نتیجه رسید که راه سوادآموزی این نیست و باید راهی یافت تا خواندن و نوشتن آسان شود. لذا روش خود را ایجاد کرد. او متوجه شده بود که روش‌های متداول طولی‌وار مکتبی نه تنها خواندن و نوشتن را دشوار می‌کند بلکه تأثیر بدی هم در رشد قوای فکری و ساختن شخصیت کودکان می‌گذارد. لذا تصمیم گرفت با نوآوری‌های خود روش تدریس و آموزش را اصلاح کند. در نتیجه همه این فعالیت‌ها در سال ۱۳۱۴ کتاب «دستور تعلیم الفبا» را نوشت. سرانجام در سال‌های ۲۴-۱۳۲۳ برای اثبات کاربرد روش خود، همکاری وزارت کار را جلب کرد و آموزش روش تدریس خواندن و نوشتن و تربیت معلم را با گروهی از کارمندان آن وزارت‌خانه آغاز کرد. این افراد دوره‌دیده مسئول سوادآموزی به کارگران در کارخانه‌ها شدند. علاوه بر این، در اواخر سال ۱۳۳۰ در دبستان «فرهاد» با مدیریت و سرپرستی خانم **توران میرهادی**، روش باغچه‌بان به کار گرفته شد و با موفقیت تداوم یافت.»

وی با بیان اینکه این ابتکارات بالاخره پس از سختی‌های بسیار مورد قبول وزارت فرهنگ وقت قرار گرفت ادامه داد: «پس از مبارزات و مشکلات بسیار برای

معرفی و قبولاندن این روش و موفقیت آن در اواخر سال ۱۳۳۱ وزارت فرهنگ تصمیم گرفت تغییرات اساسی در کتاب‌های درسی ایجاد شود. خوشبختانه، بعد از چهل سال مبارزه و پایداری سرانجام تغییرات بنیادی و فرهنگی آغاز شد و به این منظور سازمان کتاب‌های درسی در مؤسسه انتشارات فرانکلین

در سال ۱۳۳۳ در تهران آغاز به کار کرد. در ادامه این فعالیت‌ها خواهرم ثمینه که از گذشته در آموزش ناشنویان و پیشبرد اهداف عالی دوشادوش پدر و همکار و همراه او بود، تألیف کتاب‌های درسی کلاس اول و تربیت معلم را نیز به عهده گرفت.»

پروانه باغچه‌بان در ادامه گفت: «امیدوارم از این پس این مشعل را کسانی با همان عشق و صداقت و خلوص باغچه‌بان به دست گیرند و دنیای ناشنویان را همچنان روشن نگه دارند.»

بذر تعلیم و تربیت انسان

توران میرهادی، از بنیان‌گذاران شورای کتاب کودک، با اشاره به تأثیر جبار باغچه‌بان بر خود گفت: «اشخاصی هستند که شخصیت فوق‌العاده تأثیرگذاری دارند و برای من باغچه‌بان این‌گونه بود. در سال ۲۵ - ۱۳۲۴ من و تعدادی از دانشجویان دانشکده علوم تصمیم گرفتیم برای با سواد کردن مردم فعالیت کنیم. در همان زمان برای نخستین بار در مدرسه «سعدی» با آقای باغچه‌بان رو به رو شدم و آنچه ایشان از عشق و صداقت و هدف در ذهن ما کاشتند هنوز هم هست. او به ما نشان داد که به عنوان یک انسان باید تا حد ممکن تلاش کنیم و این تلاش هم‌اکنون هم که من ۸۷ ساله‌ام ادامه دارد. او نوعی حساسیت

نسبت به پیشرفت و مردم این سرزمین در ما ایجاد کرد. در واقع، ابعاد تعلیم و تربیت و انسان‌سازی را آقای باغچه‌بان در مجموعه آثار و نحوه ارائه کارهایش برای همه ما روشن کرد.»

نویسنده «آن که رفت، آن که آمد» در ادامه گفت: «در جوانی برای ادامه تحصیل به اروپای بعد از جنگ جهانی دوم رفتم. در آنجا به فجایعی برخورد می‌کردم و از خود می‌پرسیدم علت این جنگ چه بوده است؟ چرا این شرایط به وجود آمده است؟ مگر آلمانی‌ها فرهنگ و ادبیات نداشته و به انسانیت توجه نمی‌کرده‌اند؟

مادر آلمانی‌ام به من آموخته بود که ادبیات آلمان ادبیات انسان است، پس چرا آن‌ها درگیر چنین جنگی شدند؟ در آن زمان به این نتیجه رسیدم که اگر تعلیم و تربیت مسیر خود را به درستی طی نکند بدون شک از انسان برده می‌سازد و در این جنگ نیز نظام تعلیم و تربیت بسیار تأثیرگذار بوده است. وقتی در اروپا بودم با خود عهد کردم که به ایران بازگردم و نظامی در تعلیم و تربیت ایجاد کنم که انسان‌وار و انسان‌ساز باشد. مادرم به ما آموخته بود که غم بزرگ را باید به کار بزرگ تبدیل کرد و من هم همین را شعار خود قرار دادم. در سال ۱۳۳۴ به عشق مردم و نسل جوان و نظام تعلیم و تربیت انسان‌سازی که به آن اعتقاد پیدا کرده بودم مدرسه‌ای ساختم. بذر چنین نظام تعلیم و تربیتی را باغچه‌بان در وجود من کاشته بود.»

میرهادی تأکید کرد: «باغچه‌بان با اهداف بزرگی که داشت دانه‌ای از اصالت و انسانیت در ذهن ما کاشت و استاد همه ما شد.»

دست خالی، فکر پر

دکتر **فرخنده مفیدی**، سردبیر مجله آموزش پیش‌دبستانی و استاد دانشگاه علامه طباطبایی، از دیگر سخنرانان این نشست با بیان اینکه خاطرات افراد ماندگاری مانند باغچه‌بان از ذهن تربیتی

میرهادی: باغچه‌بان با اهداف بزرگی که داشت دانه‌ای از اصالت و انسانیت را در ذهن ما کاشت و استاد همه ما شد

و در اولویت دادن بهداشت و تغذیه جسمی و روحی با خواهران مک میلان شباهت‌هایی دیده شود اما باغچه‌بان، «باغچه‌بانی» کرد. او عقیده داشت که تربیت کودک باید در فضایی طبیعی، ظریف، لطیف و خاص کودک شکل گیرد؛ زیرا کودک مانند گل لطیف و ظریف است و کسانی می‌توانند به کار آراستن و پیراستن او بپردازند که باغچه‌بان باشند و الحق باغچه‌بان اینگونه بود.»

راه تعلیم و تربیت از پیش‌دستانی می‌گذرد

رخساره فضلی، مدیرکل دفتر پیش‌دستانی وزارت آموزش و پرورش، نیز با پیشرو دانستن جبار باغچه‌بان در حوزه تعلیم و تربیت پیش‌دستانی گفت: «کاری که ژان پیاژه برای کودک خود انجام داد و او را تبدیل به نظریه‌پرداز کرد که همه دنیا از نظریه‌هایش استفاده می‌کنند، باغچه‌بان برای کودکان ناشنوی کودکستان خود انجام داد. او هم مانند پیاژه این کودکان را بخشی از وجود خود می‌دانست و بر این اساس با طراحی الگویی در مدت شش ماه توانست خواندن و نوشتن را به آن‌ها بیاموزد.»

وی با بیان اینکه باغچه‌بان از تفاوت‌های فردی کودکان آگاه بود گفت: «او هنگام ثبت‌نام پرونده‌ای برای بچه‌ها تشکیل می‌داد که اطلاعات کامل آنان در آن ثبت می‌شد. او معتقد بود که تفاوت‌های بچه‌ها باید ثبت شود؛ از جمله شرایط خانوادگی، موقعیت فردی و دیگر مواردی که در آموزش مهم بودند. او در یکی از آثارش تأکید می‌کند هنگامی

با وجود مشکلات فراوان کتاب‌هایی را با تصویر و شعرهایی از خودش تولید کرد. این کتاب‌ها با در نظر گرفتن روحیه شاد، پر تحرک و نشاط کودکان توانست مخاطب‌یابی کند.»

محوریت بازی در طراحی فعالیت‌های کودکان از دیگر نکاتی بود که سردبیر فصلنامه رشد آموزش پیش‌دستانی به آن اشاره کرد: «محور برنامه آموزشی باغچه‌بان بازی بود. شاید بسیاری از دانشجویان بازی را از دید طبیعت‌گرایی **فردریک فروبل** بشناسند اما واقعیت این است که در جامعه ما نیز بازی راهی برای آموزش الگوی فکری مریبان بوده است. شعر و سرود که بخش دیگری از برنامه‌های آموزشی باغچه‌بان بود زاویه‌ای به خود گرفت که کودکان در هنگام دیگر فعالیت‌هایشان بسیاری از این اشعار را تکرار می‌کردند. شاید بسیاری از دانشجویان کتاب ایشان با عنوان «من هم در دنیا آرزو دارم» را دیده باشند. این کتاب حاوی اشعاری همراه با تصویر ساده‌ای از طبیعت، محیط پیرامون و آنچه در جامعه ساده آن روزگار می‌گذشته و نیز خدانشناسی است. محور بسیاری از این اشعار توجه به خود، خدا، طبیعت و نیازهای انسان است. اشعار کوتاه و ساده‌ای که برای ارتقای درک کودکان از محیط پیرامون سروده شده‌اند.»

توجه به حقوق کودک و خانواده از دیگر محورهای فعالیت‌های باغچه‌بان بود. مفیدی در این باره توضیح داد: «باغچه‌بان توجه به کودک نیازمند، بیمار و ناتوان را وظیفه خود در مدرسه می‌دانست، حقی که در آن دوران شناخته شده نبود. بسیاری از دانش‌آموزان مدارس باغچه‌بان قدرت مالی چندانی نداشتند و این معلم پرتلاش با توجه به تغذیه آنان توانست مدرسه خود را به محلی برای توجه به مشکلات جسمی، روحی و سلامت کودکان تبدیل کند. شاید بین فعالیت‌های باغچه‌بان در زمینه بازی با فردریک فروبل، در آموزش کودکان عادی و استثنایی با **ماریا مونته‌سوری**

و اجتماعی جامعه ما زوده نخواهد شد، درباره خصوصیات کاری و تربیتی باغچه‌بان گفت: «محورهایی مانند ایثار در تربیت انسان‌ها از سال‌های اولیه، حمایت حقوقی و انسانی از کودکان، توجه به تغذیه و بهداشت در سال‌های اولیه در مراکز آموزشی کودکان، احترام به حقوق کودکان نیازمند و کودکان ناشنوا و نیز ابتکار در نحوه تدریس به کودکان و نوآوری‌های بسیار با امکانات محدود از جمله مواردی هستند که زنده‌یاد باغچه‌بان در فعالیت‌های خود به کار می‌برد.»

این استاد دانشگاه گفت: «باغچه‌بان زمانی مبادرت به تهیه محتوا برای کودکان و ایجاد روش خاصی در تدریس کرد که امکانات بسیار محدود بود. ما امروزه با امکانات بسیار و نمودهای سرشار فکری ممکن است در برخی زمینه‌ها ضعف‌هایی داشته باشیم اما باغچه‌بان با دست خالی و در زمینی بکر آغازگر شیوه‌های بسیار مبتکرانه بود. روش الفبای دستی که او برای کودکان ناشنوا به کار بُرد، از پیشرفته‌ترین روش‌ها در زمانه خودش و امروز است. او همچنین در زمینه وجود آوردن و زنده کردن برنامه و محتوا برای آموزش کودکان بسیار تلاش کرد که قابل قیاس با شرایط آن دوره نیست. درباره فعالیت‌های باغچه‌بان همین بس که او این باور را در ذهن جامعه به وجود آورد که کودکان مهم‌اند، سال‌های اولیه زندگی کودک با ارزش‌اند و کودک باید در این دوره تحت تعلیم و تربیت صحیح قرار گیرد.»

وی با اشاره به فعالیت‌هایی که باغچه‌بان برای تعلیم کودکان در کودکستان طراحی کرده بود افزود: «در کودکستان و باغچه اطفال باغچه‌بان برنامه‌های متنوعی مانند کاردستی، نقاشی، بازی، شعر و سرود، نمایش و قصه با خلاقیت خود او طراحی می‌شد. نکته مهم این است که این محتوا با امکانات محدود ساخته می‌شد. باغچه‌بان را می‌توان نخستین مؤلف و ناشر کتاب کودک نیز دانست. او از سال‌های نخست فعالیتش

پروانه باغچه‌بان: در واقع خانه ما هیچ وقت خانه نبود؛ همیشه یکی دو تا از اتاق‌های کودکان پدروم خانه ما بود. بعدها هم یکی دو تا از اتاق‌های آموزشگاه کرو لال‌ها....



و بعد از گذشت سال‌ها علم برنامه‌ریزی درسی به آن رسیده است؛ به طوری که در برنامه درسی پیش‌دبستانی مصوب وزارت آموزش و پرورش حوزه دوزبانگی پیش‌بینی شده است. در این حوزه تأکید می‌شود که مربیان پیش‌دبستانی در مناطق دوزبان باید از منابعی که به زبان محلی آن منطقه نوشته شده است استفاده کنند. این در حالی است که باغچه‌بان سال‌ها پیش بر این موضوع تأکید داشته است.»

او در ادامه افزود: «جالب اینجاست که گرچه او در کودکان تبریز از سروده‌هایی به زبان ترکی استفاده می‌کند، وقتی به شیراز می‌رود فارسی زبان می‌شود. همه نمایشنامه‌هایی که در شیراز برای کودکان نوشته است به زبان فارسی‌اند؛ چرا که با بچه‌های فارس زبان سر و کار دارد. ضمن اینکه در این نمایشنامه‌ها حتی به لهجه و فرهنگ شیرازی هم توجه شده است.»

مجدفر پس از نام بردن از آثار جبار باغچه‌بان و بیان فعالیت‌های روزنامه‌نگاری او گفت: «باغچه‌بان در جایی می‌گوید ما برای همه چیز واحد اندازه‌گیری داریم و از خود سؤال می‌کند که واحد اندازه‌گیری آدمیت چیست. او می‌گوید این واحد، کار است و سه دسته کار را عنوان می‌کند: «سه نوع کار داریم که بر اساس آن‌ها می‌توانیم آدمیت را اندازه بگیریم. کار کرم‌وار که از روی اسارت و اجبار انجام می‌شود. کار گاووار که آزادانه اما به عشق منفعت فردی انجام گیرد و کار آدم‌وار کاری که با عشق و در جهت خدمت به خلق انجام می‌شود.»

پیش‌دبستانی

در کشور ما فراز و نشیب‌های زیادی را گذرانده است؛ در دوره‌هایی مورد توجه قرار گرفته است و در دوره‌هایی مورد بی‌توجهی. تعداد کودکان در دوره پیش‌دبستانی ۵۰ درصد کل بچه‌های پنج‌ساله کشور است اما آیا کیفیت همان است که انتظار می‌رود؟ ضمن اینکه در مدیریت آموزش‌های پیش‌دبستانی یکپارچگی وجود ندارد و بچه‌ها در این دوره آموزش‌های پراکنده‌ای را دریافت می‌کنند. در حال حاضر تلاش بر این است که دوره پیش‌دبستانی به عنوان یک دوره تخصصی مورد توجه قرار گیرد و از روش‌های آموزشی‌ای که باغچه‌بان ۹۰ سال پیش مطرح کرده است در فضای پیش‌دبستانی استفاده شود.»

اولویت باغچه‌بان، توجه به فرهنگ و زبان

مرتضی مجدفر، آخرین سخنران این نشست، با اشاره به استفاده باغچه‌بان از زبان محلی هر منطقه گفت: «جبار باغچه‌بان به دنبال توسعه انسانیت بود و در هر محلی که قرار می‌گرفت با توجه به فرهنگ آنجا فعالیت می‌کرد. نکته قابل توجه در کارهای او توجه به ادبیات بومی در آموزش به کودکان بود. باغچه‌بان در سال ۱۳۰۲ می‌نویسد کودکان به قصه‌ها، سرودها، نمایش‌ها، بازی و فرهنگ خودشان نیاز دارند و این ابزارها باید به زبان محلی خود کودکان تهیه شود. این موضوعی است که اکنون

که با کودکی مواجه می‌شوید بنا را بر دانستن او نگذارید. گام اول برقراری ارتباط با کودک این است که بدانید او در چه موقعیتی قرار دارد. اما متأسفانه در فضای پیش‌دبستانی حال حاضر هم به این موضوع توجه نمی‌شود. ما فکر می‌کنیم هر آنچه را می‌توان، باید به کودک آموزش داد. غافل از اینکه باید بپرسیم ضرورت آموزش موضوع چیست و آیا کودکان پیش‌نیازها را برای یادگیری عمیق دارند. این نکته عمیقی است که باغچه‌بان به آن پرداخت. او به خصوص در آموزش الفبا پیش‌نیازهایی را مطرح می‌کرد که نتیجه آن لوحه‌های فارسی اول ابتدایی شد که با وجود تغییرات زیادی که در فضای کتاب‌های درسی ایجاد شده است هنوز هم حفظ شده‌اند.»

فضلی در ادامه گفت: «اکنون دنیای امروز بر آنچه باغچه‌بان سال‌ها پیش رسیده بود تأکید می‌کند. در نوشته‌های باغچه‌بان این نکته را بسیار می‌بینیم که ورود بچه‌ها به فضای آموزشی دوران مهمی است. دنیای امروز هم به این نکته پی برده است که اگر می‌خواهید راه توسعه را طی کنید باید از انسان آغاز کنید. اگر می‌خواهید به انسان فکر کنید راه آن از تعلیم و تربیت می‌گذرد و راه تعلیم و تربیت از سال‌های اولیه زندگی آغاز می‌شود.»

مدیر کل دفتر پیش‌دبستانی وزارت آموزش و پرورش ادامه داد: «دوره



فرزندم عذرخواهی نمی کند

ناگهان انجام می دهند چنان هول و دستپاچه می شوند که نمی توانند از این کلمات استفاده کنند و گاهی نیز دوست ندارند اشتباه خود را به گردن بگیرند. یا احساس می کنند که واقعاً حق با خودشان است. گاهی هم از عکس العمل مادر و پدر یا دوست خود می ترسند که نمی توانند عذرخواهی کنند.

به هر حال وقتی فرزندتان کار نادرستی انجام می دهد یا کسی را کتک می زند و اذیت می کند معذرت خواهی ساده کافی نیست و باید به او یاد دهید که کتک زدن و آزار دادن دیگران اصولاً درست نیست و اجازه ندارد مثلاً اگر کودک دیگر دوست ندارد در بازی با او شرکت کند، او را بزند و یا وسایل بازی او را به هم بریزد، بلکه باید به او بگوید که بد رفتاری خود را بپذیرد و تا حد ممکن کار را به درستی انجام دهد. مثلاً به دوستش کمک کند تا مجدداً اسباب بازی هایش را مرتب کند. در ضمن بهتر است از کودک دلیل رفتارش را بپرسید و حتی اگر توجیه او هم درست نیست به او گوش کنید. این گوش دادن نوعی احترام به کودک است که بدانند اگر در دفعات دیگر دلیل رفتارش را به شما بگوید او را مورد آزار قرار نمی دهید و صبر و حوصله قبل از انجام خطا را نیز یاد می گیرد. **الگو بودن** شما نیز بسیار مهم است. اگر شما نیز در هنگام انجام رفتاری مثل تنه زدن به دیگری و یا عصبانی شدن و غیره در جلوی کودک از طرف مقابل عذرخواهی کنید و رفتار نادرست خود را بپذیرید، کودک نیز از شما الگو می گیرد. در هر صورت تربیت فرزندتان و کسب مهارت های اجتماعی حوصله می خواهد که امیدوارم شما نیز موفق باشید.

سوال: من مادر کودکی ۵ ساله هستم که اصلاً معذرت خواهی را قبول نمی کند و وقتی رفتارهایش باعث بروز مشکلاتی می شود نمی خواهد اشتباه خود را بپذیرد. آیا باید او را مجبور کنم تا معذرت خواهی کند؟

پاسخ: سلام به مادر عزیز. سؤال خوبی را مطرح کردید. خوب، معمولاً از جمله مهارت های اجتماعی در این سن، یادگیری کلمات مؤدبانه مثل: لطفاً، متشکرم، ببخشید و معذرت می خواهم و مانند اینها، است. کودکان باید یاد بگیرند که وقتی رفتار محبت آمیز و خوبی برایشان انجام می شود، سعی کنند از کلمات مؤدبانه استفاده کنند و همین طور، وقتی رفتار بدی از آن ها سر می زند، که باعث ناراحتی و آزار دیگر افراد می شود، بپذیرند که رفتارشان درست نبوده و یا حداقل معذرت خواهی کنند. اما به کارگیری زور درست نیست. همان طور که در مورد فرزند شما اتفاق افتاده، گاهی کار به این راحتی هم پیش نمی رود، یعنی ممکن است کودکی که مثلاً دوستش را آزرده به سختی به گفتن عبارت ببخشید و یا معذرت می خواهم تن می دهد و از حالت چهره او کاملاً مشخص است که از کارش پشیمان نیست و پیش خودش ممکن است فکر کند که کار اشتباهی را انجام نداده است. از آنجا که کودکان این سن هنوز خودمخو هستند و به خواسته های دیگران توجه ندارند، گاهی یکدیگر را می زنند و اسباب بازی های یکدیگر را می گیرند و یا حرف های بدی می زنند. در این شرایط بزرگترها آن ها را مجبور به معذرت خواهی می کنند. به شما

مادر عزیز یادآور می شوم که نباید فرزندتان را مجبور به معذرت خواهی کنید، بلکه بهتر است برایش **حد و حدودی** را در نظر بگیرید تا کودک رفتارش را کنترل کند. زیرا در این حالت یک معذرت خواهی ساده گاهی نمی تواند کار خطا را جبران کند. بلکه باید به کودک تان یاد دهید که رفتار درستی را با دیگران داشته باشد و از روش های دیگری مشکل خودش را حل کند. البته معذرت خواهی بدون اجبار که کودک به نوعی به تأثیر کار خود بر دیگران و نه به دلیل رفتار ناشایست خود پی ببرد همیشه بهتر از معذرت خواهی به زور و اجبار است. ضمناً باید دانست که گاهی نیز کودکان از کاری که



کدام مرکز پیش دبستانی زیباتر است؟

لیلا محمدی

کارشناس ارشد پیش از دبستان

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی عناصر زیبایی شناختی در طراحی فضای آموزشی مراکز پیش از دبستان براساس دستورالعمل سازمان بهزیستی کشور و تطبیق با استانداردهای موجود است. طراحی فضای آموزشی، تحقیق و مطالعه در فضای مناسب کودک و جست و جوی راهی در طراحی مجموعه به منظور ایجاد علاقه و دل بستگی کودکان و ایجاد فرصت‌های لازم برای کودکان برای انجام فعالیت‌های اجتماعی و آشنایی با محیط زیست و جذاب کردن آموزش برای آنان.

روش تحقیق توصیفی و روش نمونه‌گیری، تصادفی ساده است. از بین ۶۸ مهدکودک واقع در منطقه پنج تهران، ۲۰ مهدکودک به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد که در اختیار مدیران این مهدکودک‌ها قرار گرفت. برای تکمیل اطلاعات نیز از فهرست و آرسی استفاده شد که پژوهشگر آن را کامل کرد.

نتایج با استفاده از جدول‌ها، نمودارها، درصد و میانگین تحلیل شد. آمار به دست آمده نشان داد که بین عناصر زیبایی شناختی در مراکز پیش از دبستان و استانداردهای سازمان بهزیستی مطابقت وجود ندارد و اصول زیبایی شناختی در این مراکز رعایت نشده است.

با توجه به نقش مهم کالبد معماری در آموزش کودکان و اهمیت استفاده از عناصر زیبایی شناختی در این معماری و نزدیکی آنان به طبیعت این طرح براساس تلفیق معماری و روان‌شناسی برای ایجاد حس زیبایی شناختی تعلق در کودکان و باروری استعدادها و همچنین به وجود آوردن امکاناتی برای ایجاد روحیه کشف و تحقیق در آنان شکل گرفته است. نتایج همچنین نشان داد که کاربرد عناصر زیبایی شناختی در طراحی فضای آموزشی مهدکودک‌ها در سطح ضعیفی است و به اصلاح و تغییر نیاز دارد.

مقدمه

کلیدواژه‌ها: عناصر زیبایی شناختی، فضای آموزشی مراکز پیش از دبستان، دستورالعمل سازمان بهزیستی

سرنوشت انسان از کودکی با محیط و فضای اطرافش عجین شده است. انسان به واسطه یک دوران یادگیری طولانی - که تمام کودکی او را در بر می‌گیرد - می‌آموزد بر فضا تسلط پیدا کند. نحوه به وقوع پیوستن این یادگیری بر پایه تعادل درونی او استوار است. به همین دلیل، اولین تجربه‌های کودک در این رابطه بسیار مهم است. این تجارب در محیط زندگی و فضای آموزشی‌ای که برای کودک تدارک دیده شده است، به دست می‌آید. کودکی اولین و مهم‌ترین دوره زندگی آدمی است. از آنجا که در این دوره ساختار شخصیتی و رفتاری انسان بنیان گذاشته می‌شود، دوران کودکی را دوران سرنوشت‌ساز دانسته‌اند. «رابرت اُون»، جامعه‌شناس، عقیده داشت که شخصیت فرد تحت تأثیر عوامل محیطی است و از این رو در سنین اولیه محیط آموزشی غنی را تعیین کننده شخصیت مؤثر و سازنده دانست.» (مفیدی، ۱۳۷۲: ۳). منظور از فضای آموزشی تنها یک محدوده هندسی نیست بلکه منظور فضایی فعال و تأثیرگذار است که در شکل‌گیری شخصیت فرد نقش مهمی را ایفا می‌کند. فضا محیطی عادی نیست بلکه واقعیتی روان شناختی و زنده و پویاست. این فضا نباید خود را به انسان تحمیل کند بلکه باید متناسب با شخصیت او شکل گیرد. (با رشادت، ۱۳۸۶: ۱) فضای خشک و بی‌روح و رسمی نه تنها برای کودک جذاب و دلپذیر نیست بلکه بر اثر سازمان‌دهی نامناسب، ارتباط لازم را نیز با او برقرار نمی‌کند و بدتر از آن، در او اضطراب و دلزدگی ایجاد می‌کند، بی‌تردید چنین فضایی موفق به نگه داشتن انسان نخواهد شد. در محیطی بارور که از گوشه و کنار آن بازتاب‌های مثبت و سازنده به کودک داده شود، سنگ بنای شخصیت سازگار و خلاق کودک در آن

بررسی عناصر زیبایی شناختی در طراحی فضای آموزشی مراکز پیش از دبستان بر اساس دستورالعمل سازمان بهزیستی کشور و تطبیق با استانداردهای موجود

پیشنهادهای حاصل از تحقیق در زمینه رنگ

- لمس رنگ برای کودکان شادی بخش است. شرایطی فراهم شود تا کودک بتواند فضایی را رنگ کند.
- مکان‌های متفاوتی برای فعالیت‌های گوناگون کودکان ایجاد شود یا اینکه فضای مورد نظر قابلیت تغییر برای فعالیت‌ها را داشته باشد. برای مثال، فضاهایی برای خوردن غذا، ورزش، مطالعه و نقاشی و تغییرات به صورت تغییر رنگ فضا یا استفاده از انواع نور (مصنوعی و طبیعی) در طول روز برای فعالیت‌های مختلف و همین طور تغییر فرم فضا متناسب با فعالیت.
- برای رنگ آمیزی اتاق غذاخوری کودک رنگ‌هایی را برگزینید که با رنگ‌های طبیعی غذا همگون باشند. از آنجا که رنگ‌های خیلی پریده رنگ، مانند انواع رنگ‌های سبز و زرد، یادآور بیماری و ناخوشی هستند بهتر است از انتخاب آن‌ها برای اتاق غذاخوری پرهیز

گذاشته می‌شود. فضاها و محیط‌های آموزشی یکی از بخش‌های زیربنایی فرایند یادگیری هستند و مریدان و کودکان در هر سنی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. (لیندون، ۱۳۸۹: ۱۲)

دیدگاه **مونتسوری** زیبایی فضای اطراف کودک را وابسته به ابزار و وسایل می‌داند و اهمیت ویژه‌ای برای کیفیت و زیبایی این وسایل قائل است. از نظر او نه تنها وسایل و ابزارها بلکه زیبایی فضای اطراف بسیار اهمیت دارند. زیبایی محیط، پاسخ‌های مثبت و خودجوش کودک را به زندگی تحریک می‌کند. همه چیز باید خوب طراحی شده و از کیفیت بالا برخوردار باشد. کلاس درس و محیط آموزشی در روش مونتسوری به طور ایده‌آلی رنگی، با کیفیت، زیبا و جذاب است. (صمدی، ۱۳۸۷: ۱۹۱)

در آموزش‌های رسمی و غیررسمی زیباشناسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالی که این بُعد یادگیری را مادام‌العمر می‌کند. به علاوه، پیش‌نیاز

زندگی است و رسیدن

به درک کلی از آن را پوشش می‌دهد. این بعد تأثیر عمیقی بر رفتار کودک می‌گذارد. عدم رشد کودک در حوزه زیبایی‌شناسی مانع دستیابی او به فرصت‌های شکوفا در زندگی می‌شود و قابلیت‌های وی را در یادگیری و سایر زمینه‌های زندگی کاهش می‌دهد. توجه به این بُعد سبب کاهش فاصله میان هدف‌های آرمانی و هدف‌های رفتاری می‌شود. (بازرگان، ۱۳۸۴: ۸۹)



کودکان به فرم‌های متنوع و بی‌قاعده بیشتر گرایش دارند، امکانات یک زمین طبیعی فرصت‌های بیشتری را برای بازی به آن‌ها می‌دهد.

● کودکان نیز بایستی در کنار توسعه اقدامات برنامه‌ریزی و طراحی معماران، گفته و نظرات خود را ارائه دهند.

● در قسمت‌هایی که از نظر احساسی باید حرکت القا شود، می‌توان از فرم‌های پویا مثل مستطیل کشیده و در فضاهایی که امکان مکث و تصمیم‌گیری است، از فرم مشابه مربع که دارای ایستایی بیشتری است، استفاده کرد. فرم راهرو به صورت نرم، شکسته و به حالت‌های متفاوت و ترکیبی می‌تواند در مجموعه حضور پیدا کند که این مسئله تنوع فضایی را بسیار زیاد می‌کند و هم راه پله به علت ارتباطات بصری بین طبقات و کشش قوی بین بالا و پایین باعث تحریک تخیل کودکان می‌شود. (رجبی موسی آباد، ۱۳۸۹: ۷۵)

● فرم راهرو در عین حال باید صریح و خوانا باشد و امکان ارتباط مناسب بین فضاهای مختلف را برقرار کند.

● طبیعت بهترین و غنی‌ترین منبع کاوش آزاد کودک، جهت کشف زیبایی‌های نور و فرم و شگفتی‌های آفرینش است. حضور در طبیعت برای بچه‌ها مهیج است و به آن‌ها یاد می‌دهد که رشد کردن به زمان احتیاج دارد و طبیعت نمی‌تواند شتاب کند.

● هر چه بتوانیم ارتباط کودک را با آسمان، فضای سبز، طبیعت، زمین باز و وسیع بیشتر برقرار کنیم، محیط دلخواه‌تر و جذاب‌تری برای او فراهم کرده‌ایم.

● فضای در نظر گرفته شده برای کودک بایستی انعطاف‌پذیر باشد؛ یعنی بتوان در مواقعی رنگ و نور و فرم آن را تغییر داد.

● فضای طراحی شده برای کودک بایستی دارای تنوع باشد.

● ایجاد قابلیت توسعه‌پذیری از دیگر مواردی است که بایستی رعایت شود (ترکیب کردن واحدهای هندسی مشابه و یا ایجاد ریتم تکرار شونده در نماد حجم).

● فضا بایستی برای کودکان خوانا باشد (شاخص کردن ورودی فضاهای خاص، استفاده از تجهیزات خاص مختص هر فضا).

● رعایت سلسله مراتب فضایی در طراحی فضاهای کودکان (کودکان از واحدهای کوچک‌تر به واحدهای بزرگ‌تر وارد شوند، قرار دادن کلاس‌های بچه‌های کوچک‌تر در نزدیکی ورودی اصلی، قرار دادن فضاهای نیمه‌باز در کنار فضاهای آموزشی، وارد کردن کودکان از

شود. به‌طور کلی، در پی یافتن درجات

روشن رنگ‌ها باشید تا بدین طریق رنگ غذاها

به‌خوبی به چشم بیاید.

● برای اتاق خواب کودک استفاده از رنگ‌های ملایم و ملیح پیشنهاد می‌شود. در نظر گرفتن آب و هوای مکان مورد نظر نیز اهمیت دارد. در کشورهای سردسیر رنگ‌های گرم انتهای طیف رنگی رنگ‌های مناسبی هستند و در مناطقی که آب و هوای گرم‌تری دارند، رنگ‌های سرد انتهای دیگر طیف، رنگ‌های نیروبخشی به حساب می‌آیند.

● استفاده از رنگ برای بهره‌وری بهینه از فضا.

کلاس درس و محیط آموزشی در روش مونته‌سوری به‌طور ایده‌آلی رنگی، با کیفیت، زیبا و جذاب است

پیشنهاد‌های مربوط به نور

● استفاده صحیح از نور با توجه به قابلیت‌های نور در ایجاد سایه روشن و در نتیجه ایجاد تصاویر دیداری دارای تضاد شدید (تنش زیاد) و یا هماهنگ و ملایم (تنش کم) و با توجه به مواردی که در زمینه تمایل کودک است در فضای آموزشی کودک

● از نورپردازی‌های دارای تضاد بسیار شدید (چه مصنوعی و چه طبیعی) که ایجاد تنش و خستگی کند باید پرهیز کرد.

● همان‌طور که می‌توانیم بازی‌های صدا دار ایجاد کنیم، می‌توانیم عناصری طراحی کنیم که جلوه‌های نوری یا بصری خاص داشته باشند؛ مانند عدسی‌های محدب، عناصر انعکاس‌دهنده، منشورها و شیشه‌های رنگی.

● از نور طبیعی با منظر و دید به فضای باز استفاده شود.

● نور طبیعی در فضای آموزشی به کمک سایه‌بان، پرده، پوشش گیاهی، تراس، پیش‌آمدگی سقف، شیشه بازتاب نور و دریچه‌های چوبی پشت شیشه و... کنترل شود.

● در فضای آموزشی از آینه‌کاری استفاده شود.

پیشنهاد‌های مربوط به فرم

● استفاده از فرم‌های متنوع و بی‌قاعده (از آنجا که

منظور از فضای آموزشی تنها یک محدوده هندسی نیست بلکه منظور فضایی فعال و تأثیرگذار است که در شکل‌گیری شخصیت فرد نقش مهمی را ایفا می‌کند

فضاهای بسته به فضای باز و آرام و سپس به فضاهای پرسروصدا)

- اختصاص دادن قلمروها و حریم‌های فضایی به کودکان با رعایت تقسیم‌بندی سنی آن‌ها
- استفاده از عناصر زیبایی‌شناختی برای ایجاد نشانه و عناصر تأثیرگذار (پلکان گرد یا سقف گنبدی یا شیب‌دار، تأکید روی عنصری خاص مثل قرارگیری در مکان مهم)
- ایجاد ارتباط بصری بین دو فضا (داخل و خارج، بالا و پایین و دو فضای همجوار)

- ایجاد فضای خالی، ترکیب راهرو با فضاهای ارتباطی، استفاده از پله در فضاهای باز و پنجره در ارتفاع مناسب بین فضای داخل و خارج

- حداکثر استفاده از فضای نیمه‌باز و باز در طبقات مختلف ساختمان (شکستن حجم ساختمان و ایجاد نیمه طبقه‌هایی به صورت بالکن، ایجاد فضای نیمه‌باز در طبقات به صورت ایوان در کنار کلاس‌ها، طراحی ساختمان به گونه‌ای که قسمتی یک طبقه و قسمتی دو طبقه باشد).

حداکثر استفاده از صندلی و مبلمان انعطاف‌پذیر در تجهیز فضا (قابلیت تفکیک و ترکیب مبلمان، استفاده از مبلمان چندمنظوره، استفاده از حجم فضا) استفاده از فرم‌های مناسب در فضاهای مختلف و مطابقت فرم فضا با شخصیت فضا (استفاده از فرم‌های پویا برای فضاهای ارتباطی و مسیرها، فرم‌های ایستا برای فضاهای آموزشی و مکت، فرم

مقعر - که دعوت‌کننده است - برای ورودی، فرم‌های بی‌قاعده برای کتابخانه، تک‌فرم خاص برای سالن چندمنظوره یا سالن ورزشی، سالن قوس‌دار برای گوشه‌ها، فرم‌هایی که جهت عمودی دارند در نقاط تأکید، فرم استوانه‌ای برای پلکان، فرم‌های باقاعده سنگین برای نمازخانه و مکان‌های دارای فضاهای با ایهت، استفاده فرم‌های آشنا برای کودکان تا فضای آموزشی را خانه دوم خود تلقی کنند.

استفاده از بافت مناسب در کلیه عناصر تشکیل‌دهنده فضا اعم از کف، دیوار و سقف (بافت نرم برای دیوار، بافت مقاوم برای کف، بافت

چوبی که کودکان بسیار دوست دارند، بافت موکت و چمن در فضای باز)

- استفاده چندگانه از فضای ارتباطی
- طراحی نما به صورت با هویت و همچنین دارای شخصیت (برای کودکان)
- بهترین فضای بازی در داخل و بیرون از ساختمان فضایی است که بتوان آن را تغییر داد. برای افزایش دامنه بازی بچه‌ها باید وسایل و ابزار لازم در آن گذاشته شود.

منبع

۱. بارشادات، نگین؛ «در جست‌وجوی فضای آموزشی بهینه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (مقطع پیش‌دبستان)، دانشگاه هنر و معماری، ۱۳۸۶.
۲. بازگان، سیمین؛ مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی چندبعدی؛ ماتریس زندگی، انتشارات مدرسه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۹.
۳. رجبی موسی‌آباد، الهه؛ «طراحی فضای آموزشی برای کودکان پیش از دبستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳۸۹.
۴. صمدی، علی؛ ماریا مونته‌سوری، دانژه، تهران، ۱۳۸۷.
۵. لیندون، جین؛ سازماندهی فضاهای فیزیکی؛ برای کودکان از تولد تا سه سالگی، طراحی اتاق و تجهیزات، با همکاری جین لیندون و آن لنگستون؛ مترجمان: زهره دهقانی، فرخنده مفیدی، جوانه رشد، تهران، ۱۳۸۹.
۶. مفیدی، فرخنده؛ آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و دبستانی، پیام نور، تهران، ۱۳۷۲.



لکنت زبان؛ بیماری یا اختلال؟

زهرامبر محمدی
کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش دبستان

شش تا هفت سالگی که مصادف با آغاز مدرسه می‌باشد - به دلیل ویژگی‌های عاطفی - سازگاری اجتماعی خاص این دوره سنی موقعیت مناسبی است برای بروز لکنت زبان در کودکانی که بیشتر مستعد چنین اختلالی هستند. در سن بلوغ و دوران بلوغ نیز افرادی که قبلاً به نحوی لکنت زبان داشته‌اند، دچار لکنت زبان می‌شوند! در واقع، سن و شرایط و ویژگی‌های بلوغ احتمالاً در تغییر شکل و تشدید لکنت مؤثر است. لکنت زبان در پسران به مراتب بیشتر از دختران است (در پسران ۷۰ درصد و در دختران ۳۰ درصد).

انواع لکنت

۱. لکنت کلونیک یا حالت تکراری در بیان کلمه (تشنجی):

در این نوع از لکنت زبان عضلات تکلمی بیشتر به ارتعاش درمی‌آیند و کودک مجبور می‌شود یک هجا از کلمه‌ای را - که معمولاً اولین هجاست - با سرعت و تشنج تکرار کند. مثلاً کلمه «پدر» را چنین بیان می‌کند: پ پ پ پدر.

۲. لکنت تونیک یا توقف در تلفظ (انقباضی):

فرد در حالت تونیک بر اثر انقباض حرکت دستگاه گویایی برای تلفظ یک کلمه چند ثانیه دچار وقفه می‌شود. کودک دچار گیر و وقفه در تلفظ و ادای کلمه، همراه با فشار و کوشش و حرکات خاصی است.

کودک مبتلا به این نوع لکنت برای ادای کلمه به شدت به خود فشار می‌آورد و بعد از لحظاتی سکون، کلمه را ناگهانی و با تشنج ادای می‌کند.

این گونه کودکان در بیان برخی حروف و کلمات مشکلات بیشتری دارند. از جمله در بیان حروف و کلماتی که با بستن لب‌ها تلفظ می‌شوند، مثل: «ب، پ، مام» و نیز حروف و کلماتی که با حرکت زبان ادای می‌شوند؛ مثل «ت، س، ط».

مراحل مختلف لکنت

۱. لکنتی که کودک آن را پذیرفته است (دو تا چهار سالگی):

کودک در این مرحله متوجه می‌شود که برخی از حروف و کلمات را به‌طور غیرطبیعی تکرار می‌کند اما به نظر نمی‌رسد نگران حالت گویایی خویش باشد و کوششی هم برای رفع آن از خود نشان نمی‌دهد!

در این مرحله، لکنت کودک همراه با اختلالات تنفسی و یا علائم و عوارض بیماری نمی‌باشد.

به‌طور کلی به جز موارد استثنائی، لکنت در دوران خردسالی (معمولاً دو تا پنج سالگی) آغاز می‌شود و پدیده‌ای مربوط به دوران کودکی است. تقریباً از هر صد نفر یک نفر مبتلا به لکنت زبان است و حدود هشتاد درصد از کودکانی که مبتلا به لکنت زبان‌اند، به تدریج مانند افراد دیگر به‌طور طبیعی صحبت می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: لکنت زبان، اختلال، بیماری



نوع لکنت کودک در این مرحله بیشتر از نوع لکنت کلونیک یا تکراری است که با گفتار درمانی حل می‌شود.

۲. لکنتی که کودک در برابر آن عکس‌العمل نشان می‌دهد (لکنت

پس‌رانده - شش تا هفت سالگی)

این مرحله با آغاز مدرسه و مرحله دبستان همراه است. آغاز مرحله دبستان برای چنین کودکی حساسیت فوق‌العاده‌ای دارد. این مرحله خود مستلزم آمادگی، سازگاری عاطفی و اجتماعی جدیدی است و بالطبع، همه کودکان - به‌ویژه کودکانی که لکنت دارند - با فشارهای مختلفی روبه‌رو می‌شوند. توسعه روابط اجتماعی برای کودک، انتظارات معلم در کلاس درس، نگاه‌ها و خنده‌ها و تمسخر شاگردان و ازدیاد لغات و کلمات همه موجب می‌شود که کودک مبتلا به لکنت با مشکلاتی روبه‌رو گردد.

کودک در این مرحله به اختلال گویایی خویش کاملاً واقف است و علاقه شدیدی در تهییج و بهبود تکلم خود نشان می‌دهد. تلاش فوق‌العاده و افراطی کودک برای جلوگیری از لکنت خود باعث ایجاد اضطراب و هیجاناتی در او می‌شود و بالطبع لکنتش را تشدید می‌کند.

یکی از خصوصیات این مرحله از لکنت زبان بروز رفتارهای نامطلوب الحاقی است. به عبارت دیگر، کودک تصور می‌کند که با نشان دادن حالت یا حرکات ضمنی و بی‌پهوده مانند حرکات ژست کوچک (خم کردن ابرو، فشار آوردن به عضلات پیشانی، گونه و صورت، چشمک زدن، انقباض عصبی دست‌ها و ارتعاش) می‌تواند جلو لکنت خود را بگیرد.

۳. لکنت پیچیده و شدید (دوران بلوغ)

در این مرحله به علت تغییرات هورمونی، فیزیولوژیک و روانی لکنت تشدید می‌شود و به تدریج حرکات و رفتارهای ضمنی همراه با لکنت کودک به صورت غیرارادی ظاهر می‌شود. در این شرایط لکنت روز به روز پیچیده‌تر و شدیدتر می‌شود.

لکنت به صورت اختلالات تنفس، حرکات عضلات

چهره و گردن و یا لرزش و حرکات غیرارادی دست و پاها و سر جلوه می‌کند. در این مرحله لکنت به صورت ارادی درمی‌آید، سه یا چهار روز بسیار تشدید می‌شود و برای مدتی دچار وقفه می‌گردد.

علائم و نشانه‌ها

گوشه‌گیری مهم‌ترین نشانه رفتاری کودکان مبتلا به لکنت است که بر اثر آن احساس حقارت می‌کنند، ساکت و آرام گوشه‌ای می‌نشینند، از طرح هر گونه پرسش خودداری می‌کنند و در نتیجه استعدادهایشان شکوفا نمی‌شود. معلمان نباید کودکان دارای لکنت زبان را نادیده بگیرند.

این کودکان هنگام صحبت کردن حرکات کمک‌کننده بسیاری انجام می‌دهند و بدان وسیله مقصود خود را بیان می‌کنند. از جمله این حرکات می‌توان از حرکات غیرطبیعی چشم، فشردن عضلات پیشانی، لرزش چانه، حرکات اضافه سر و گردن، تغییر در عضلات صورت و به هم زدن سریع پلک‌ها نام برد.

کودکان دارای لکنت در حضور جمع دچار هیجان می‌شوند و لکنت آنان افزایش می‌یابد. این عده در مواجهه با افراد برجسته و سرشناس دچار هیجان بیشتری می‌شوند و مشکل‌تر تکلم می‌کنند. از این‌رو، معلم نباید از این کودکان در موقعیت اضطراب‌آور و هیجان‌انگیز در حضور جمع درس بپرسد.

نشانه‌های دیگر نظیر تکرار یا کشیده گفتن غیر عادی تعدادها و هیجان‌ها و مکث‌های غیرعادی در تکلم، تشویش، بیان کلمات با فشار و دشواری، ترس، اضطراب، حساسیت فراوان، اختلالات تنفسی، ناامیدی، یأس، عدم اعتماد به نفس، افت تحصیلی، عوض کردن جمله یا فکر برای جلوگیری از لکنت و اختلال خواب در برخی از این کودکان مشاهده می‌شود.

علل

در واقع دلایل لکنت زبان در کودکان تاکنون به طور دقیق روشن نشده اما علت‌های بی‌شماری برای آن مطرح شده است. به‌طور کلی می‌توان علل لکنت زبان را در عوامل عضوی، کنشی و عدم طرفی مغز خلاصه کرد.

عوامل عضوی: در این حالت وجود ضایعاتی در مغز و یا در قسمت‌های مختلف دستگاه گویایی ممکن است کودک را از تکلم عادی باز دارد. ضایعات مغزی ممکن است در دوره قبل از تولد بر اثر عواملی نظیر بیماری‌های عفونی مادر، عکس برداری به وسیله اشعه ایکس و اختلالات متابولیکی مادر پدید آیند. در لحظه تولد بر اثر ضربه‌های وارد شده بر جمجمه نوزاد و نیز نرسیدن اکسیژن به نوزاد احتمال صدمات مغزی وجود دارد. اختلالات متابولیکی، سوراخ در کام دهان، مسمومیت‌ها، سوء تغذیه، و ضربات وارد آمده بر سر کودک هم از جمله عواملی هستند که ممکن است در دوره بعد از تولد باعث صدمات مغزی و احتمالاً لکنت زبان شوند.

عوامل کنشی: لکنت زبان گاهی اکتسابی است و عاملی غیر حضوری موجب پیدایش آن می‌شود. در این حالت، هیچ‌گونه ضایعات مغزی وجود

گوشه‌گیری
مهم‌ترین نشانه
رفتاری کودکان مبتلا
به لکنت است که بر
اثر آن احساس حقارت
می‌کنند، ساکت و آرام
گوشه‌ای می‌نشینند،
از طرح هر گونه پرسش
خودداری می‌کنند و در
نتیجه استعدادهایشان
شکوفا نمی‌شود

جلوگیری از لکنت خود باعث ایجاد اضطراب و هیجاناتی در او می‌شود و بالتبع لکنتش رانندید می‌کند

ندارد و ضایعه بر اثر مشکلات اجتماعی و محیطی، ناراحتی‌های روانی، ترس شدید، تقلید از دیگر افراد دارای لکنت زبان، ممانعت از ابراز عقیده، تهدید ناگهانی، جدایی از والدین در سنین اولیه کودکی، تشویش و احساس حقارت، احساس ناامنی، کشمکش‌های درونی، خجالت و کم‌رویی، فقر فرهنگی، نزاع و اختلافات والدین، تولد فرزند سرزنش و شماتت از طرف والدین، بچه‌گانه صحبت کردن والدین با کودک، تبعیض قائل شدن بین فرزندان خانواده، تنبیه شدید کودک و سواسی بودن والدین به وجود می‌آید.

عدم غلبه طرفی مغز: عده‌ای عدم غلبه طرفی مغز را در پیدایش لکنت زبان مؤثر دانسته‌اند. مغز انسان از دو نیمکره تشکیل شده است. هر کدام از این دو نیمکره فرمان‌ها را در جهت مخالف به اعضای بدن می‌فرستند؛ یعنی اعضای سمت راست بدن از نیمکره چپ مغز و اعضای سمت چپ بدن از نیمکره راست فرمان‌ها را دریافت و اجرا می‌کنند. برای اینکه هر یک از اعضای بدن بتوانند وظایف خود را به درستی انجام دهند، لازم است یکی از نیمکره‌ها فعالیت مسلط خود را از دست بدهد و نیمکره دیگر فعال شود. در غیر این صورت، در یک زمان دو فرمان به یک عضو خواهد رسید و بر اثر ایجاد تعارض، فرمان صادره قابل اجرا نخواهد بود.

در تحقیقات انجام شده در ۹۰ تا ۹۵ درصد افراد غلبه با نیمکره چپ مغز است و آنان از اعضای سمت راست بدن استفاده بیشتری می‌کنند. غلبه طرفی در دو تا پنج سالگی اتفاق می‌افتد. مریبان و والدین باید بدانند که اگر بخواهند کودک چپ دست را به زور به نوشتن و کار کردن با دست راست مجبور سازند، احتمال پیدایش لکنت زبان وجود دارد. از این رو، بر معلمین واجب است که اعضای بدن کودک را در بدو ورود به مدرسه به دقت بشناسند.

درمان

لکنت زبان گروه کثیری از کودکان قابل درمان است. برای درمان لکنت زبان باید خیلی زود اقدام کرد. ابتدا باید وضعیت زندگی و نوع لکنت به خوبی شناخته شود. اطلاع دقیق از زمان آغاز تکلم، نحوه سخن گفتن و خصوصیات شخصیتی اطرافیان و چگونگی آغاز و علل لکنت زبان ضروری است.

روش‌های اصلاح و درمان لکنت زبان

● **روش‌های زبانی یا تلفظی:** در این روش که بیشتر در مورد کودکان هفت سال به بالا به کار می‌رود، توجه و تأکید بر اصلاح تلفظ و بازپروری تنفسی است.

● **روش دو جانبه و مکمل:** بازپروری و پرورش جنبه‌های دوگانه فکری - زبانی، یعنی پرورش قدرت و صحت تفکر و زبان (از سه تا هفت سال).

● **روش روان‌درمانی:** افرادی که دچار کشمکش‌های عاطفی، اختلالات روانی و عصبی هستند.

● **روش دارو درمانی:** یکی از عوامل لکنت تنش‌ها، اضطراب‌ها و هیجان‌های عاطفی است. داروهای آرام‌بخش می‌توانند کودک را تا حدودی از اضطراب‌ها و هیجانات عاطفی دور کنند و لکنت او را تقلیل دهند.

● **رفتار درمانی:** یکی دیگر از روش‌های متداول و نسبتاً جدید در اصلاح و بازپروری لکنت زبان روش تغییرات و اصلاحات رفتاری است. در این روش درمانی، علل لکنت زبان رفتارهای سازش‌نا یافته و ناپه‌نجا است.

در این روش سعی در اصلاح رفتار و تقلیل لکنت زبان کودک است.

● **روش خود درمانگری:** نوعی رفتار درمانی است. مدافعان این روش معتقدند که لکنت زبان چیزی است که فرد انجام می‌دهد و می‌تواند در آنچه انجام می‌دهد تغییرات و اصلاحات ایجاد کند. فرد در صورتی که منظم و مصمم باشد، می‌تواند با اراده قوی در خود تغییراتی به وجود آورد. علاوه بر روش‌های ذکر شده موارد زیر باید در کودکان دارای لکنت زبان مورد توجه قرار گیرد.

کودک دارای لکنت زبان به هیچ‌وجه مورد ترحم اطرافیان قرار نگیرد و لکنت زبانش به او بازگو نشود. در موارد بسیار باید به گونه‌ای عمل شود که گویی هیچ‌گونه اختلالی وجود ندارد. در عین حال، از انجام دادن هرگونه عملی که احساس حقارت و تمسخر او را تشدید می‌کند به شدت خودداری شود.

کودک دارای لکنت زبان تشویق شود که آهسته و شمرده صحبت کند، کلمات را به آرامی بگوید و به صدای بلند در جمع سرود بخواند.

باید با او هنگام سخن گفتن تماس چشمی برقرار ساخت، به گفته‌هایش با دقت گوش فرا داد، او را با حرکات غیرکلامی به سخن گفتن تشویق کرد و به هیچ‌وجه نباید حرفش را قطع کرد.

والدین نباید نگرانی خود را از نحوه تکلم کودکانشان بروز دهند و نباید او را تحقیر و مسخره کنند!

کودک دارای لکنت زبان باید از رژیم غذایی خاصی استفاده کند و از خوردن غذاهای تند و محرک بپرهیزد.

منابع

۱. دلاکانو، کارل، اچ؛ تشخیص و درمان دشواری‌های گفتاری و خواندن، مترجم: نینتاج زرین قلم - ما، تهران، ۱۳۷۱.
۲. شفیع‌آبادی، عبدالله؛ راهنمایی و مشاوره کودک، سمت، تهران، ۱۳۸۸.
۳. پیشون، ادوارد؛ لکنت زبان، ماهیت و درمان آن، مترجم: الما داوودیان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۵.
۴. سلیکووتیز، مارک؛ اختلال در خواندن و سایر مشکلات یادگیری، مترجمان: احمدی و براتیان، سازمان انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۸۱.
۵. کولای‌نژاد، جمال‌الدین؛ روان‌شناسی آموزش خواندن، پیام‌نور، تهران، ۱۳۸۹.
۶. گروسی، مهشید احمد میرکافی و اشرف‌السادات حسینی؛ «بررسی تأثیر روش درمانی تعدیل شده»

خواب کودکان

فاطمه حصارکی

کارشناس مسئول مقطع ابتدایی، منطقه ۵ تهران

اشاره

آرزوی هر پدر و مادری است که فرزندشان راحت به خواب رود، خواب شیرین داشته باشد، صبح بشاش و خندان از خواب برخیزد و هنگامی که این نظم به هر دلیل بهم می‌خورد، در حقیقت خواب شیرین از پدر و مادر نیز سلب خواهد شد. بسیاری از والدین با این مشکل مواجه و دچار دستپاچگی و نگرانی می‌شوند، اگرچه خود در پاره‌ای از موارد در به‌وجود آوردن آن نقش دارند. برخی از کودکان حتی وقتی نیاز به تغذیه شبانه ندارند، در خوابیدن مشکل دارند. در اینجا شیوه‌هایی را برای حل مشکل خواب کودکان ارائه می‌کنیم.

زیرا او پس از یک هفته یا چند روز از آب ساده خسته می‌شود و به تدریج آن را کنار می‌گذارد. (اتاق خبر شفاف، ۱۳۹۱)

دوره‌های خواب در دوران جنینی

جالب است بدانید که جنین هم می‌خوابد و هم به نور واکنش نشان می‌دهد. در سه ماهه سوم بارداری و از هفته ۲۴ به بعد، خواب رؤیا در جنین شروع می‌شود و او حتی می‌تواند رؤیا ببیند. مدتی بعد حتی او خواب آرام را هم تجربه می‌کند. جنین در رحم برنامه خواب روزانه و شبانه ندارد اما برای چند ساعت استراحت می‌کند و برای چند ساعت بعد بیدار می‌ماند.

کودکان یک تا دو ماهه

در نوزادانی که تازه متولد شده‌اند، خواب روزانه در ماه‌های اول تولد بسیار زیاد است و آن‌ها تنها برای شیر خوردن از خواب بیدار می‌شوند. نوزدان در ماه‌های اول بین ۱۰/۵ تا ۱۸ ساعت در روز می‌خوابند و فقط چند ساعت در روز بیدار هستند. مدت خواب در این کودکان از چند دقیقه تا چند ساعت است. آن‌ها به شیوه‌هایی گوناگون نیاز به خوابشان را نشان می‌دهند، گریه می‌کنند و بعضی‌ها چشم‌هایشان را می‌مالند. کودکان در این سن به سرعت خوابشان می‌برد و

شود نیز به آنچه می‌بیند عادت دارد و می‌تواند دوباره بخوابد. می‌توانید وقتی او را در تخت می‌گذارید تا پنج دقیقه نیز در کنارش باشید سپس اتاق را ترک کنید. اگر او گریه کرد، بازگردید و پنج دقیقه دیگر او را همراهی کنید و دوباره اتاق را ترک کنید. آن قدر این کار را تکرار کنید تا بتواند خودش بخوابد. به تدریج آرام کردن‌های شما کوتاه شده و فاصله بین آن‌ها طولانی‌تر می‌شود. نکته دیگر اینکه وقتی کودکان در حال خوردن مایعات در شیشه است او را نخوابانید. دادن شیشه به کودک مانند تکان دادن و راه بردن نوعی وابستگی در او ایجاد می‌کند. به این ترتیب، بدون شیشه نمی‌خوابد و در نیمه‌شب هم اگر بیدار شود دوباره شیشه می‌خواهد. به این ترتیب یک مشکل دیگر نیز به مشکل خواب او افزوده می‌شود، آن هم مشکل خیس شدن پوشک در نیمه‌شب و نیاز به تعویض آن است. از طرفی ورود کالری‌های بیشتر در هنگام خواب تحریکی برای دستگاه گوارش است و استراحت و وضعیت آرام آن را مختل کند. در ضمن ممکن است مایع در طول خواب و حالت دراز کشیده به درون گلوئی کودک بپرد و موجب تحریک و سرفه و مشکلات دیگر شود. اگر هم کودک به شیشه خوردن عادت دارد سعی کنید در پایان شب به او آب ساده در شیشه بدهید،

کودک در سه ماهگی از نظر فیزیولوژیکی نیاز به تغذیه در طول شب ندارد اما بسیاری از کودکان حتی در پنج تا هفت ماهگی نیز برای به خواب رفتن و داشتن خواب راحت مشکل دارند و در طول شب چندین بار از خواب بیدار می‌شوند. بیشتر اوقات والدین برای آرام کردن و خواباندن دوباره کودک تلاش زیادی می‌کنند و نتیجه اینکه فقط با کمک آن‌ها کودک قادر است دوباره به خواب رود. نهایتاً والدین و به خصوص مادر با اختلال در خواب و کم‌خوابی مواجه می‌شود. خوش‌بختانه اکثر مشکلات خواب با رعایت برخی نکات حل می‌شوند. البته با بالا رفتن سن مسائل دیگری ایجاد می‌شوند، زیرا عادت‌های کودک نهادینه شده‌اند. بنابراین، سعی کنید از ماه‌های اول کاری نکنید که کودک برای خوابیدن به شما وابسته شود. تکان دادن و راه بردن کودک از شما والدینی مهربان نمی‌سازد، فقط او را به این کار وابسته می‌کند و مجبور خواهید بود هر بار در نیمه‌های شب او را بلند کنید راه ببرید تا بتواند دوباره بخوابد. بهتر است کودک را قبل از خواب کمی تکان دهید تا خوابش بگیرد اما توجه داشته باشید قبل از اینکه بخوابد او را در تخت خوابش بگذارید. به این ترتیب، او آخرین چیزی که می‌بیند تشک خودش است نه شخص شما. پس اگر دوباره بیدار

این زمان، موقع مناسبی برای آموزش و یادگیری عادت خوابیدن در آن‌هاست. نور و سر و صدا مانع خوابیدن آن‌ها می‌شود. بنابراین، بهتر است:

- علائم خواب و الگوی خوابیدن نوزادتان را بشناسید.
- برنامه منظمی برای خواب او طرح‌ریزی کنید.
- اتاق مخصوصی برای خواب او در نظر بگیرید و محیطی آرام برایش مهیا کنید.

کودکان شش تا یازده ماهه

در شش ماهگی بعضی از کودکان شب‌ها برای شیر خوردن از خواب بیدار می‌شوند، عده‌ای هم تمام شب را می‌خوابند اما حدود ۸۰ درصد کودکان در نُه ماهگی تمام شب را می‌خوابند. به‌طور معمول کودکان پیش از یک سالگی ۹ تا ۱۲ ساعت شب‌ها می‌خوابند و حداقل چهار تا پنج بار خواب نیم‌روزی دارند.

خواب در کودکان یک تا سه ساله

کودکان نوپا حدود ۱۲ تا ۱۴ ساعت در روز می‌خوابند. مدت زمان خواب نیم‌روزی در آن‌ها کمتر می‌شود و ممکن است یک بار در روز و حدود یک تا سه ساعت بخوابند. کودکان در این سنین دچار مشکلات خواب بیشتری می‌شوند. اغلب دوست دارند بازی کنند و همراه بزرگ‌ترها تلویزیون ببینند.

مقاومت برای خوابیدن، افزایش مهارت‌های حرکتی، شناختی و اجتماعی، کابوس شبانه و ترس از تنها خوابیدن از مشکلات خواب این کودکان است، بنابراین بهتر است:

- برنامه منظمی برای خوابشان تنظیم کنید که سر ساعت مشخصی بخوابند و بیدار شوند.
- هر شب در جای مخصوص خود بخوابند.
- بازی شبانه و دیدن تلویزیون در آن‌ها محدود شود.

خواب کودکان سه تا پنج سال و

پیش از مدرسه

بچه‌ها در سنین پیش از مدرسه به ۱۱

تا ۱۳ ساعت خواب نیاز دارند. پس از پنج سالگی کودکان تمایلی به خواب نیم‌روزی ندارند. در این سنین کودکان در به خواب رفتن هم مشکل دارند و اغلب نیمه‌شب از خواب بیدار می‌شوند. با تکامل بیشتر کودکان و شروع خیال‌پردازی، این کودکان دچار کابوس‌های شبانه می‌شوند و با ترس بیدار می‌شوند. راه رفتن در خواب در این دوران زیاد اتفاق می‌افتد. بهتر است:

- برنامه منظمی برای خواب کودکان داشته باشید.
- به کودک در این سن بفهمانید که اتاق خواب فقط مخصوص خواب و استراحت اوست نه بازی.
- کودک باید هر شب در زمان مشخصی در اتاقی خنک، ساکت و تاریک و بدون اینکه تلویزیون ببیند، بخوابد.

خواب کودکان پنج تا دوازده سال

این کودکان به ۱۰ تا ۱۱ ساعت خواب احتیاج دارند. در این زمان حتی نیاز به خواب در آن‌ها بیشتر می‌شود. انجام تکالیف مدرسه، ورزش و سایر فعالیت‌های اجتماعی موجب خستگی آن‌ها می‌شود. در این دوران به سبب علاقه بیشتر به برنامه‌های تلویزیون، کامپیوتر و اینترنت به خواب رفتن در آن‌ها مشکل می‌شود، دچار کابوس می‌شوند و ناگهان از خواب می‌پرند. اغلب آن‌ها به دلیل تماشای تلویزیون و بازی با کامپیوتر در مقابل خوابیدن مقاومت می‌کنند. اگرچه لازم است این کودکان بیشتر بخوابند، به دلایل ذکر شده کمبود خواب به بدخلقی، مشکلات رفتاری مانند بیش‌فعالی و گاه مشکلات شناختی در آن‌ها منجر می‌شود که این می‌تواند در مدرسه رفتن آن‌ها اختلال ایجاد کند. بهتر است:

- به این کودکان در مورد اهمیت خواب در سلامت آن‌ها توضیح دهید.
- بر نیاز به خواب و برنامه منظم برای خوابیدن آن‌ها تأکید کنید.
- اتاقی راحت، بالش و تشکی نرم برای آن‌ها فراهم کنید.
- تلویزیون و کامپیوتر در اتاقشان قرار

ندهدید.

- خوردن چای و قهوه را در شب برایشان ممنوع کنید.

حیوانات هم می‌خوابند

حیوانات هم به خواب کافی نیاز دارند و مدت زمان خوابیدن در حیوانات مختلف متفاوت است. مطالعات دانشمندان مرکز خواب دانشگاه لوبرو نشان می‌دهد ببرها ۱۵/۸ ساعت، گربه‌ها ۱۲/۵ ساعت، شامپانزه‌ها ۹/۷ ساعت، گوسفندان ۳/۸ ساعت، فیل آفریقایی ۳/۳ ساعت و زرافه‌ها به ۱/۹ ساعت خواب در هر شبانه‌روز نیاز دارند. (روزنامه سلامت، ویستا مرجع مهم‌ترین عناوین خبری / سه‌شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۲)

جدول خواب کودکان در شبانه‌روز

خواب کودک و هرچه به آن مربوط می‌شود، از خواباندن او و بیداری‌های شبانه‌دوران نوزادی گرفته تا به رختخواب فرستادن کودکان بازیگوش در سن دبستان، یکی از مشغله‌های همیشگی ذهن پدر و مادرها و پرستاران کودک است. یک کودک از تولد تا پایان نوجوانی به چه میزان خواب در شبانه‌روز نیاز دارد؟ در زیر، پاسخ یک کارشناس در سایت جام‌جم را به این پرسش می‌خوانید.

در یک تا چهار هفتگی:

نوزادان معمولاً ۱۵ تا ۱۸ ساعت در روز می‌خوابند، اما فقط در یک دوره کوتاه دو یا چهار هفته‌ای. نوزادان نارس بیشتر می‌خوابند و نوزدانی که قولنج می‌کنند کمتر. از آنجا که نوزادان هنوز ساعت بیولوژیکی داخلی ندارند، الگوهای خوابشان با چرخه روز و شب هماهنگ نیست. در حقیقت، آن‌ها اصلاً از الگوی خواب خاصی پیروی نمی‌کنند.

یک تا چهار ماهگی:

در سن شش هفتگی نوزاد شروع به هماهنگ کردن ساعت بیولوژیکی بدن خود می‌کند و شما پیدایش الگوهای منظم خواب را در او خواهید دید.



این زمان، کودک چندبار در شبانه‌روز و هر بار بین چهار تا شش ساعت می‌خوابد و کم‌کم سردرگمی بین روز و شب پایان می‌پذیرد.

چهار تا دوازده ماهگی:

در حالی که میزان خواب بهینه در این سن ۱۵ ساعت در شبانه‌روز است، بیشتر نوزادان تا ۱۱ ماهگی فقط در حدود ۱۲ ساعت در روز می‌خوابند. ایجاد یک الگوی خواب مناسب برای کودک، در این زمان، باید از هدف‌های اصلی پدر و مادرها باشد. هر قدر که نوزاد بزرگ‌تر می‌شود، اجتماعی‌تر خواهد شد و الگوی خوابش نیز به بزرگسالان شبیه‌تر می‌شود. نوزادان معمولاً در طول روز سه بار چرت می‌زنند که این تعداد در شش ماهگی به دو بار در روز کاهش می‌یابد. در این سن یا کمی زودتر، کودک می‌تواند تمام طول شب را بخوابد. ایجاد الگوی زمانی مناسب برای چرت زدن کودک را باید به زمانی که ساعت بیولوژیکی او کامل شده است موقوف کنید. چرت صبحگاهی کودک معمولاً در ساعت نه صبح است و یک ساعت طول می‌کشد. چرت بعد از ظهر او بین ساعت ۱۲ تا دو است و یک تا دو ساعت طول می‌کشد و آخرین چرت او بین ساعت سه تا پنج بعد از ظهر است.

یک تا سه سالگی:

در یک سالگی و بین ۱۸ تا ۲۱ ماهگی کودک دیگر صبح‌ها چرت نمی‌زند و فقط یک بار در طول روز می‌خوابد. کودکان نوپا به ۱۴ ساعت خواب در شبانه‌روز نیاز دارند اما معمولاً فقط نزدیک به ۱۰ ساعت می‌خوابند. بیشتر کودکان هنوز در ۲۱ تا ۳۶ ماهگی به خواب نیمروز نیاز دارند که مدت آن بین ۱ تا ۳/۵ ساعت تغییر می‌کند. آن‌ها معمولاً بین ساعت ۷ تا ۹ شب به تخت خواب می‌روند و بین ساعت ۶ تا ۸ صبح بیدار می‌شوند.

سه تا شش سالگی:

کودکان در این سن هم بین ساعت ۷ تا ۹ شب به تخت خواب می‌روند و بین ساعت ۶ تا ۸ صبح بیدار می‌شوند. در سه سالگی هنوز بیشتر کودکان در نیمروز استراحت می‌کنند، در حالی که در پنج سالگی کمتر این کار را انجام می‌دهند و خواب نیمروزی کوتاه‌تر می‌شود. معمولاً کودک بعد از سه سالگی نباید هنوز دچار بی‌نظمی در خواب باشد.

هفت تا دوازده سالگی:

در این سن با افزایش روابط اجتماعی، مدرسه و فعالیت‌های خانوادگی ساعت خواب شبانه کودک دیرتر می‌شود اما هنوز هم برخی کودکان در این سن ساعت نُه شب می‌خوابند. اما بیشتر آن‌ها بین ساعت ۷:۳۰ تا ۱۰ شب به رختخواب می‌روند. اگرچه کودکان در این سن به ۹ تا ۱۲ ساعت خواب شبانه‌روز نیاز دارند، میانگین خواب آن‌ها فقط ۹ ساعت است.

دوازده تا هجده سالگی:

خواب مناسب به همان اندازه دوران کودکی برای سلامتی نوجوانان هم لازم است. کارشناسان دریافته‌اند که ممکن است نوجوانان بیشتر از زمان کودکی شان بخوابند. اگرچه فشارهای اجتماعی در این سن مانع از خوب خوابیدن نوجوانان می‌شود، بدن آن‌ها به شش تا هشت ساعت خواب در شبانه‌روز نیاز دارد. (پایگاه خبری بهداشت و تندرستی،

(۱۳۸۸)

بازی، نقاشی و قصه در مشاوره کودکان پیش دبستانی

عزرا اداکریان امیری

کلیدواژه‌ها: بازی، قصه، نقاشی، مشاوره
کودک، بهداشت روانی

در اوایل قرن بیستم توجه زیادی به روان‌شناسی کودک و همچنین مسائل و مشکلات کودکان شد. در گذشته، کودک به‌عنوان موجودی ناشناخته و محکوم حوادث بود و بیشتر مطالعات روان‌شناختی روی افراد بزرگسال انجام می‌شد. پیشرفت تکنولوژی و امکان مطالعات بیشتر در زمینه زیست‌شناختی، عاطفی، اجتماعی و روانی سبب شد که مشاوران و روان‌شناسان مطالعات بیشتری روی کودکان داشته باشند.

روان‌شناسان معتقدند همان‌طور که رابطه مشاور و بزرگسالان در فرایند درمان اهمیت دارد، رابطه مشاور و کودک نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین، رابطه کودک و مشاور نقش خطیری در فرایند تغییرات درمانی دارد. کودکان در جلسات مشاوره به‌طور معمول پس از مدت کوتاهی از گفت‌وگو خسته می‌شوند و سکوت می‌کنند یا حتی اگر صحبت کنند، از مطرح کردن مطالب مهم طفره می‌روند. در صورتی که در مقام مشاور بخواهیم با کودکان ارتباط برقرار کنیم، لازم است از مهارت‌های مشاوره‌ای، کلامی همراه با راهبردی دیگر استفاده کنیم. برای مثال، می‌توان از بازی، نقاشی، قصه و نمایش استفاده کرد. در نتیجه، می‌توان با ترکیب کردن مهارت‌های مشاوره‌ای - کلامی با دیگر راهبردها فرصتی فراهم کرد تا کودک در فرایند مشاوره درمانی همکاری کند. به‌عنوان مشاور می‌توان محیطی را برای کودک فراهم کرد که در آن تغییرات درمانی امکان‌پذیر شود.

کودکان می‌توانند با بازی، نقاشی و قصه همراه با یک روان‌شناس مجرب، برای تجارب ناخوشایندی که تاکنون داشته‌اند پایان متفاوت و موفقیت‌آمیزتری داشته باشند. نقاشی، بازی و قصه به کودک اجازه خلق کردن و بیان کردن را به شیوه‌ای مفید می‌دهد. برای مثال، کودک ممکن است تصویری بکشد و خط‌خطی کند؛ چون در آن چیزی هست که به شکل نمادین او را عصبانی می‌کند. اگر بخواهد می‌تواند آن را به کلی



ریزیز و نابود کند، یا در بازی، کودک چگونگی رعایت مقررات را از طریق فرمانبرداری از مقررات وضع شده فرامی گیرد.

کودکانی که قادر به صحبت کردن درباره آرزوهای خود نیستند می توانند با زبان نمادین (بازی، نقاشی و قصه)

چنین کاری را انجام دهند. بازی، نقاشی و قصه به کودکان اجازه می دهند تا با استفاده از تخیل خود و نمادی کردن آن‌ها احساسات خویش را بروز دهند و با افکار و تجارب درونی خود ارتباط برقرار کنند.

کودکان

می توانند با بازی، نقاشی و قصه همراه با یک روان شناس مجرب، برای تجارب ناخوشایندی که تاکنون داشته اند پایان متفاوت و موفقیت آمیزتری داشته باشند

اهداف مشاوره کودک

هدف اصلی مشاوره با کودک شناخت و تشخیص اختلالات رفتاری و عاطفی وی و کمک به پیشگیری از بروز مشکلات رفتاری و عاطفی و به کارگیری راه‌حلی برای سازگاری او با محیط و همچنین تغییر رفتار کودک است.

به طور کلی، هدف‌های مشاوره کودک در برگزیده موارد زیر است:

● خودشناسی

یکی از هدف‌های مشاوره کودک درک و پذیرش خویش است. در فرایند مشاوره، مشاور کمک می کند تا کودک خودپنداره مثبتی از خود به دست آورد و نسبت به خود و توانایی هایش نگرشی واقع بینانه داشته باشد.

● آگاهی از احساسات و عواطف خود

در مشاوره با کودک تلاش می شود او عواطف و احساسات خود را بشناسد و آن را بروز دهد و یا به درستی تغییر کند. همچنین کمک به کودک در کسب احساس مسلط بودن بر خودش و داشتن احساسات خوب درباره خود از اهداف مشاوره کودک است.

● بالا بردن اعتماد به نفس

یکی از هدف‌های مشاوره کودک بالا بردن اعتماد به نفس کودکان ضعیف است.

● تغییر رفتار کودک و تأمین بهداشت روانی

هدف، کمک به ایجاد تغییر مناسب در رفتار کودک است تا بتواند به رشد متعادل و مطلوب دست یابد، از زندگی رضایت بخشی بهره مند شود، به تقاضای جامعه پاسخ مناسب دهد و با موضوعاتی عاطفی در دناک مواجه شود و رفتارهایی را که نتایج نامطلوبی در پی دارند، تغییر دهد.

● مسئولیت پذیری

مشاور می تواند با ایجاد محیطی امن و دوستانه چگونگی پذیرش مسئولیت را به کودک بیاموزد و فرصت‌هایی برای مسئولیت پذیری او فراهم کند.

● داشتن هدف در زندگی

کودکان به مرور به این واقعیت پی می برند که بدون هدف نمی توان زندگی کرد. مشاوران باید با ایجاد رابطه‌ای دوستانه و فعال، کودکان را از جهان اطراف خود آگاه سازند تا آن‌ها به هدف‌های واقعی برای حال و آینده زندگی خود دست یابند.

تأثیر بازی، نقاشی و قصه بر سلامت روانی کودکان پیش دبستانی

کودکان می توانند با بازی، نقاشی و قصه به تجارب ناخوشایندی که تاکنون داشته‌اند پایان دهند و راه‌های موفقیت آمیزی خلق کنند. برای مثال، پرخاشگری یا رفتار غیر قابل قبول از نظر اجتماع را می توان در بازی، نقاشی و حتی قصه بیان کرد. به این ترتیب جلو برون ریزی این گونه رفتارها گرفته شود. این کار کودک را به تجربه کردن و آزمودن هیجانات منفی قادر می سازد. بازی، نقاشی و قصه به کودک اجازه خلق کردن و ویران کردن به شیوه‌ای مفید را می دهد.

گفتن قصه از روی کتاب برای کودک، تشویق وی به خلق کردن قصه از خود است. کودک مسائل زندگی خود را بر شخصیت‌ها و موضوع‌های داستان فرافکنی می کند و حتی ممکن است خود را به عنوان یکی از شخصیت‌های داستان در نظر گیرد. شنیدن وقایعی که در داستان رخ می دهد یا بازی توانایی‌های کودک را به کار می اندازد و خلاقیت به همراه می آورد. کودک از طریق بازی نحوه زندگی در جامعه را می آموزد.

استفاده از بازی در مشاوره با کودک پیش دبستانی

مشاور از طریق بازی با کودک می تواند رابطه‌ای برقرار کند که احتمالاً مقدمه پرمعنا کردن جریان مشاوره است. همچنین می توان از بازی به عنوان محور مرکزی یک مداخله مشاوره‌ای استفاده کرد.

استفاده از بازی راه مناسبی برای به چالش کشیدن و رشد دادن کودک است. در بازی، کودک مجبور می شود با مسائلی چون شکست خوردن، خوشحال بودن، خوشحال نبودن، رعایت کردن نوبت، پیروی از قانون، تقلب کردن، باختن و کنار گذاشته شدن روبه‌رو شود و از طریق آن‌ها شخصیت خود را آشکار سازد. مشاور نیز از این طریق به مشکلات عاطفی و اجتماعی کودک پی می برد.

استفاده از نقاشی در مشاوره با کودک

پیش دبستانی

مشاور با استفاده از نقاشی کودک را به اکتشاف و آزمایش دعوت می کند. کودک می تواند از نقاشی برای خلق تصاویر و بیان احساسات و بازگویی بخشی از داستان زندگی خودش استفاده کند. در نتیجه، از محیط خود تصویری بصری به دست می آورد و موقعیت خود را می شناسد.

نقاشی همانند خواب و رؤیا به کودک فرصت می دهد تا اطلاعاتی



را که از دنیای بیرون کسب می‌کند، از هم جدا سازد و سپس آن‌ها را دوباره تنظیم کند. کودک در نقاشی خود را از ممنوعیت‌ها رها می‌سازد و در حالتی ناخودآگاه دربارهٔ مسائل، مشکلات و دلهره‌هایش صحبت می‌کند. او به کمک نقاشی، کشمکش‌ها و نگرانی‌هایش را آشکار می‌سازد و جلوه‌هایی از شخصیت خود را نشان می‌دهد.

استفاده از قصه در مشاوره با کودک پیش‌دبستانی

قصه‌گویی یک فرایند تعاملی میان کودک و مشاور است. قصه می‌تواند ارتباط با درون کودک را برای مشاور آسان سازد. مشاور با انتخاب قصه مناسب و گفتن آن برای کودک او را آمادهٔ برون‌ریزی مسائل درونی می‌کند و از طریق دعوت از کودک برای گفتن قصه این فرصت را برای او فراهم می‌سازد تا قصهٔ زندگی‌اش را به‌طور ناخودآگاه بیان نماید، احساسات دردناک خود را ابراز کند و فعالانه بر اضطراب‌ها و نگرانی‌های خود مسلط شود.

برخی از رفتارهای مشاور یا شرایط مشاوره ممکن است کودک را از بیان آنچه می‌خواهد بگوید باز دارد؛ از جمله محدودیت زمانی و مکانی یا استفاده از وسایلی مثل ضبط، یادداشت‌برداری و... . قصه گفتن از روی کتاب برای کودک، تشویق او به خلق کردن قصهٔ خود است. کودک مسائل زندگی خود را بر شخصیت‌ها و موضوع‌های داستان فرافکنی می‌کند و حتی ممکن است خود را به‌عنوان یکی از شخصیت‌های داستان در نظر گیرد و وقایعی را که در زندگی او در داستان رخ داده است، بیان کند.

اهداف مشاوره با کودک در دوره‌های بازی، نقاشی و قصه درمانی

- ایجاد رابطهٔ مشاوره‌ای با کودکی که مایل به مشاوره نیست یا مقاومت می‌کند.
- کمک به کودک در کشف احساسات و عواطف خود
- توانا ساختن کودک در ابراز افکار پنهان یا فرایند تفکر
- فراهم کردن فرصت برای کودک جهت ارتقای بینش او دربارهٔ حوادث حال و گذشته
- کمک به کودک برای آنکه جرئت ایجاد رفتارهای جدید در خود را پیدا کند.
- کمک به کودک در بهبود مهارت‌های ارتباطی
- کمک به کاهش تجارب سخت و وحشتناک اجتماعی (مثل زلزله، طرد شدن، تجاوز جنسی و...)
- قادر ساختن کودک به بیان قصهٔ زندگی‌اش و شناخت خود
- کمک به کودک در بازشناسی اضطراب و در ماندگی خود
- آشنایی با مشکلات خود و پیدا کردن راه‌حلی برای آن‌ها
- کمک به کودک در تمرین کردن مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری

پیشنهادها

مشاورهٔ کودک پیش‌دبستانی یکی از موضوعات مهم در امر

مشاوره است. بیشترین هدف از مشاوره کودک پیش‌دبستانی پیشگیری از بروز اختلالات رفتاری، عاطفی و تربیتی می‌باشد. برای پیشگیری مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان و مقابله با آن‌ها، علاوه بر راهنمایی خانواده و کودک، آمادگی همهٔ افراد و نهادهای موجود در جامعه که به نوعی با کودک در ارتباط‌اند، (مهدکودک‌ها، مراکز پیش‌دبستانی و...) لازم و ضروری است.

- استفاده از روان‌شناس مجرب در مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی

- همکاری متخصصان مختلف و نهادهای مربوط با مراکز مشاوره در زمینهٔ سلامت روانی کودکان پیش‌دبستانی

- برگزاری همایش‌ها و سمینارهایی در زمینهٔ سلامت روانی کودکان پیش‌دبستانی

- فراهم کردن امکانات کافی و مناسب برای برگزاری دوره‌های عملی درمانی (بازی، قصه، تئاتر، نقاشی و...).

منابع

۱. ا. راس. آلن. اختلالات روانی کودکان. مترجم: امیر هوشنگ مهیا با همکاری فریده یوسفی، رشد، ۱۳۸۶.
۲. احمدوند محمدعلی؛ روان‌شناسی بازی. دانشگاه پیام‌نور، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
۳. اریکسون، ملیتون؛ قصه درمانی (نقش قصه در تغییر زندگی و شخصیت). مترجم: مهدی قراچه‌داغی، دایره.
۴. دادستان پریخ؛ ارزش‌یابی کودکان. رشد، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۳.
۵. سیف، سوسن و همکاران؛ روان‌شناسی رشد (۱). سمت، چاپ سیزدهم، تابستان ۱۳۸۱.
۶. کارترین گلدنر دو دیوید گلداردو؛ راهنمای علمی مشاوره با کودکان. مترجم: میتو پرنیانی، رشد، ۱۳۸۲.
۷. کری گراث - مارنات، راهنمای سنجش روانی. مترجم: حسن پاشا شریفی، جلد دوم، رشد، ۱۳۷۴.
۸. مهدی‌زادگان، ایران؛ کاربرد نقاشی در مشاوره با کودک، مجموعه مقالات همایش سراسری مشاوره، سازمان بهزیستی کشور. چاپ اول، ۱۳۷۸.
9. Art therapy skills techniques self-esteem with painting, <http://www.aclary.com/arttherapy.htm>
10. Tacqeline fehiner v.art therapy techniques and directives in pastoral care - using our gifts, talent and knowledge.
11. Painting, technique successfully transter gene therapy to heart, <http://www.eurekalert.org/pub-releases/2004-11/hmi-ts-110504.php>



کلیدواژه‌ها: عزت‌نفس، استقلال، مشکلات یادگیری

بارها پیش آمده است که برای کوچک‌ترین مسئله به کودک خود تذکر داده‌ایم؛ بدون آنکه به او فرصت تصمیم‌گیری بدهیم. با عجله، استقلال را از کودک خود سلب کرده‌ایم و به جایش تصمیم گرفته‌ایم که چکار کند، چکار نکند؛ غافل از اینکه عزت‌نفسش را تحت تأثیر قرار داده‌ایم.

عزت‌نفس چیست؟

عزت‌نفس نگرش یا باور فرد در مورد خودش است. افرادی که عزت‌نفس سالم دارند به خودشان احترام می‌گذارند، رفتارشان را کنترل می‌کنند و در مورد تصمیم‌هایی که می‌گیرند، اعتمادبه‌نفس دارند. کودکانی که به خود و توانایی‌های خود اعتقاد دارند در زندگی هم موفق هستند. آن‌ها به خود اعتماد دارند و معمولاً پذیرای هرگونه انتقاد سازنده‌ای هستند.

عزت‌نفس پایین

کودکانی که اعتمادبه‌نفس ضعیفی دارند مشکلات یادگیری نیز دارند. احساس ناامنی می‌کنند و ثبات و پایداری ندارند. این‌گونه کودکان نسبت به آنچه دیگران در مورد آن‌ها فکر می‌کنند، بسیار حساس‌اند. کودکانی که عزت‌نفس ضعیفی دارند دنیا را محلی ترسناک می‌دانند، احساس بی‌ارزشی می‌کنند، اعتمادبه‌نفس پایینی دارند و به خود و توانایی‌های خود ایمان ندارند. از آنجا که این قبیل کودکان خودشان را شکست‌خورده تلقی می‌کنند، انتظار شکست هم دارند و در نهایت، شکست هم می‌خورند. وقتی برای این قبیل کودکان شکست پیش می‌آید، به سادگی گریه می‌کنند. برای کودکانی که احساس ناامنی می‌کنند، بهترین راه دوری از شکست و خجالت، پرهیز از مشارکت در کارهای ماجراجویانه است که فکر می‌کنند در این صورت، شکستی هم خواهند داشت. برای این قبیل کودکان، تلاش نکردن و شکست نخوردن بیشتر معنا دارد تا تلاش کردن و احتمالاً شکست خوردن! کودکی که اعتمادبه‌نفس پایینی دارد می‌تواند بگوید: «خوب، من که تلاش نکردم». این، بهتر است از اینکه بگوید: «تلاش کردم اما شکست خوردم».

هر شخص بایستی برای دست یافتن به عزت‌نفس سالم تلاش کند و به‌عنوان پدر یا مادر برای تقویت عزت‌نفس سالم در کودکانش نیز بکوشد.

عزت‌نفس بالا

اعتمادبه‌نفس بالا مدافع کودک در مبارزه با مشکلات زندگی است. کودکانی که به خود احساس خوبی دارند، برای کنار آمدن با تعارضات و فشارهای زندگی زمان کوتاه‌تری صرف می‌کنند، شادند و از زندگی لذت می‌برند. این کودکان واقعیت‌ها را می‌بینند و خوش‌بین هستند. اعتمادبه‌نفس از دوران شیرخوارگی تا دو سالگی شکل می‌گیرد، در این دوران، کسب مهارت‌های حرکتی - شناختی و موقعیت کودک در انجام بعضی فعالیت‌های

مامان! میشه این قدرنگی چی کار کن، چی کار نکن؟

چه کنیم تا استقلال کودک خود را سلب نکنیم؟

نرگس دهستانی اردکانی

کارشناس ارشد آموزش پیش دبستانی





برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگهدارید).

نام مجلات در خواستی:

.....

نام و نام خانوادگی:

.....

تاریخ تولد:

.....

تلفن:

.....

نشانی کامل پستی:

.....

استان:

.....

شماره فیش بانکی:

.....

مبلغ پرداختی:

.....

پلاک:

.....

شماره پستی:

.....

اگر قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

اشتراک مجله: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۶۶۵۶-۲۱

هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال

هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

مربوط به خود مانند توانایی راه رفتن و غذا خوردن به رشد خودباوری و اعتمادبه‌نفس کودک کمک مؤثری می‌کند. باور کودک درباره خود بر مبنای تعاملات او با دیگران به‌خصوص در ارتباط با والدین شکل می‌گیرد. داشتن رابطه صحیح والدین با کودک کمک مؤثری به تقویت خودباوری کودک می‌کند. کودکان دارای اعتمادبه‌نفس با دیگران راحت ارتباط برقرار می‌کنند و در دوست‌یابی موفق‌اند. این کودکان از فعالیت‌های گروهی لذت می‌برند، نسبت به خود و دنیای اطراف خود خوش‌بین هستند، در صورت روبرو شدن با مخالفت دیگران از عقیده خود دفاع می‌کنند و وقتی کاری را شروع می‌کنند، آن را به پایان می‌رسانند. به‌علاوه، اگر در کاری شکست بخورند مأیوس نمی‌شوند و با انرژی بیشتری دوباره پیش می‌روند.

راه‌های افزایش عزت‌نفس کودک

مهارت‌های حل مسئله در کودکان باید تقویت شود. والدین باید فعالیت‌های جدید را با کودکان خود طرح‌ریزی کنند و در خلال انجام این فعالیت‌ها در شناسایی نقاط قوت و ضعف آن‌ها بکوشند. کودکان به توجه و احترام نیازمندند. پس والدین باید زمان مناسبی را به آنان اختصاص دهند، به صحبت‌هایشان گوش کنند و از نصیحت کردن مستقیم و مداوم فرزندان خود بپرهیزند. والدین باید محبت خود را به کودکان نشان دهند و به آن‌ها بگویند که چقدر دوستشان دارند. همچنین انتظارات خود را با سن، هوش، توانایی و مهارت‌های آن‌ها تطبیق داده و به آن‌ها اجازه دهند که عقایدشان را با شهامت بیان کنند. آن‌ها نباید با امر و نهی‌های بی‌مورد کودکان را تحت فشار قرار دهند. والدین باید از اشتباهات کوچک فرزندان خود چشم‌پوشی کنند و برای تقویت رفتارهای مثبت آن‌ها بکوشند. خانواده‌ها باید از مقایسه فرزندانشان با کودکان دیگر بپرهیزند، به تفاوت‌های فردی کودکان توجه کنند و بکوشند الگوهای مثبتی برای کودکان خود باشند. همچنین، برای تلاش کودکان خود و نتیجه کارشان ارزش قائل شوند، افکار غیرمنطقی کودک نسبت به خود را تصحیح کنند و درک نادرست کودک را، که در بسیاری از موارد منجر به ایجاد درک نادرست از خود می‌شود، از بین ببرند. عکس‌العمل مناسب والدین در تقویت و ایجاد اعتمادبه‌نفس کودکان نقش کلیدی دارد. باید تلاش کرد که در کوچک‌ترین نهاد اجتماعی - که همان خانواده است - زمینه‌های لازم برای تقویت اعتمادبه‌نفس کودکان فراهم شود.

منابع

۱. سیور، سال؛ چگونه با کودک خود رفتار کنیم؟، مترجم: جواد شافعی مقدم، سلیس، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰.
۲. کیگان، جروم و دیگران؛ رشد و شخصیت کودک، مترجم: مهشید یاسایی، مرکز، ۱۳۸۴.
۳. بیابانگرد، اسماعیل؛ روش‌های افزایش عزت‌نفس در کودکان و نوجوانان، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۷.

چون ندیدیم حقیقت ره افسانه زدیم

سیدغلامرضا فلسفی

کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی و کارشناس
دفترتألیف

ما مربیان پیش‌دبستانی در زندگی روزمره به‌ویژه در مراکز آموزشی در مواجهه با کودک، والدین و همکاران معمولاً به سوءتفاهم‌هایی ارتباطی دچار می‌شویم که آن را به عواملی گوناگون منتسب می‌کنیم، چرا که می‌اندیشیم در عین مربی بودن متخصص ارتباطات نیز هستیم؛ **گری فلوید**، استاد دانشگاه ایالتی آریزونا، در کتاب «ارتباطات میان فردی» می‌گوید که آدم‌های سراسر جهان در زندگی روزمره‌شان به طور پیوسته در حال برقراری ارتباطاند و به‌راحتی می‌توان از میان آنان کسانی را یافت که بر این باور استوارند که در مقوله ارتباطات متخصص‌اند. و این همانند آن است که بسیاری افراد دارای فرزند هستند ولی این امر هیچ‌گاه بدین معنی نیست که آنان پزشک متخصص اطفال و روان‌شناس کودک‌اند. تجربه در حوزه ارتباطات انسانی امری بسیار گران‌بهاست اما حرفه‌ای شدن به تعالی دانش و ارتقا مهارت بیش از یک تجربه شخصی نیاز دارد.

می‌دانیم خواه در آن زمان که مشغول هدایت فعالیت‌های کودکان در کلاس هستیم، و خواه با همکارمان و یا والدین به تبادل تجربه می‌پردازیم؛ به نحوی از انحاء سعی در برقراری ارتباط داریم. **جان فیسک**، عضو مکتب مطالعات فرهنگی که رویکردی معناکاوانه به مقوله ارتباطات دارد، معتقد است که همه ارتباطات را می‌شناسند اما قلیلی می‌توانند آن را به نحوی رضایت‌بخش تعریف و به‌درستی آن را برقرار کنند. صورت مسئله نیز زدودنی نیست مبنی بر اینکه چه حاجت است به برقراری ارتباط با دیگران. چنین پرسشی چون این است که در مورد نفس فرو بردن نفس برآمدن آن تشکیک کنیم. **مهدی محسنیان‌راد** که استاد ارتباطات و مبدع مدل ارتباطی «منبع - معنی» و نظریه «بازار پیام» است در کتاب ارتباطات انسانی خود نقل می‌کند که حدود ۴۰۰ سال پیش امپراتور آلمان دستور می‌دهد ۱۰۰ نوزاد را در یک بیمارستان فقط تغذیه کنند و به هیچ‌وجه با آن‌ها ارتباط برقرار نکنند تا ببینند حاصل چه می‌شود. بنابراین، پرستاران حتی کودکان را در آغوش نمی‌گرفتند. در نتیجه تمامی کودکان پس از دو ماه این جهان را وداع گفتند چون به ارتباط جهت ادامه حیات نیاز داشتند. لذا ارتباط، نیازی ذاتی است که در عین تأثیر بر سلامت جسمانی و روانی، خلأهای هویتی ما را پر می‌کند و ما اسیران در بند فناوری‌های گوناگون برای احیای حیاتی انسان‌مدارانه، باید در آموختن دانش و مهارت آن مجدانه جهد کنیم.



برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگهدارید).

◆ نام مجلات در خواستی:

.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ میزان تحصیلات:

.....

◆ تلفن:

.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان: خیابان:

شماره فیش بانکی: مبلغ پرداختی:

.....

پلاک: شماره پستی:

.....

◆ اگر قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

◆ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

◆ اشتراک مجله: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۶۶۵۶-۲۱

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال